انتشارات دانشگاه تهران
۴۰

تاریخ صنایع اروپا

در قرون وسطی

(صنعت رمان و گتیک)

عیسی بهنام

دبیر تاریخ صنایع در دانشکده ادبیات تهران

۱۳۲۷

مقدمه

صنایع اروپا در گذشته و حال همیشه در کشور ایران مورد علاقه عموم بوده و هموطنان ما که بگفتهٔ اروپائیها طبعاً صنعتگر و هنرمندند در همان زمانی که در خاک ایران بزرگترین شاهکارهای صنعتی را در رشتهٔ معماری و نقاشی و سایر صنایع مربوط باین دو رشته بوجود آورده‌اند از مشاهدهٔ آثار صنایع ملل دیگر مشرق یا مغرب نیز لذت میبرده‌اند. برای نمونه کافی است نقاشی های رضای عباسی در اصفهان و علاقهٔ او را به سبك نقاشی غربی بخاطر بیاوریم.

در چند سال اخیر نویسندگان کشور ما ابنیه و آثار گذشتهٔ ایران را خوب مطالعه کرده و رسالات و مقالات متعدد راجع بآن بطبع رسانیده‌اند. ولی صنایع اروپا نه در گذشته و نه در عصر حاضر آنطوریکه لازم است در کشور ما مطالعه نشده و کسانی از اهل فن و تحقیق که در این مسائل تحقیقات و مطالعاتی کرده و میکنند بزبان فارسی دربارهٔ معرفی صنایع اروپا کتابهائی انتشار نداده‌اند که علاقمندان را بدانها دسترسی باشد. نظر به احتیاجی که دانشجویان و دانش پژوهان برای مطالعهٔ صنایع اروپا بمتون فارسی دارند اینجانب درصدد بر آمدم که در باب صنایع اروپا بطبع کتابی اقدام کنم و اینك کتاب حاضر که راجع بابنیه قرون وسطی اروپا است بهمت اولیاء محترم دانشگاه تهران انتشار مییابد.

شناساندن ابنیهٔ قرون وسطی بخوانندگانی که تاکنون کوچکترین نمونهٔ آنرا ندیده‌اند کار بسیار مشکلی است. غالب اصطلاحاتی که برای نامیدن قسمتهای مختلف یك بنای کهنهٔ مغرب زمین بکار میرود در فارسی معادلی ندارد و از اینرو در غالب موارد نقص اصطلاح موجب نارسائی معنی و مفهوم میگردد. مثلا برج ناقوس یك کلیسا هیچ شباهت به منارهٔ مسجد ندارد که بتوان کلمهٔ « مناره » را برای نامیدن آن استعمال کرد و از این قبیل اصطلاحات در ابنیهٔ قدیم اروپا فراوان است که متأسفانه برای اکثر آنها کلمهٔ فارسی وجود ندارد. بنابراین تدوین کتابی تحت عنوان تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی کار آسانی نیست و چون این کتاب اولین کتابی است که راجع باین موضوع بزبان فارسی تدوین شده خواه‌ناخواه دارای نقائصی است که امیدوارم اهل فن بر بنده منت گذاشته متذکرم فرمایند.

چون راجع به تاریخ صنایع یونان و روم بیش و کم مطالعاتی در ایران شده است بنظر اینجانب چنین رسید که مطلب را از بعد از انقراض امپراطوری روم یعنی ازدورهٔ رمان شروع کنیم . درحقیقت صنعت رمان و گتیك مجموع کاملی از صنایع اروپا است که درزمان معین با جمع کردن باقیمانده‌های صنایع غرب و شرق بصورت نوینی بوجود آمده وپس ازرسیدن بکمال طبیعی خود مانند سایرصنایع راه زوال پیش گرفته وجای خود را به صنایع جوان‌تری داده است .

دراین دوره صنعت معماری بعنوان صنعت اصلی معمول و متداول و صنایع حجاری و نقاشی تابع صنعت معماری بوده‌است باین معنی که عموماً مجسمه ها یاشیشه های رنگین یا نقوش برجسته و تابلوهای نقاشی برای تزئین ابنیهٔ مذهبی ساخته میشده . بنابراین قسمت مهم مطالعات ما مربوط بساختمان های مذهبی اروپا درقرون وسطی خواهد بود .

برای تکمیل آشنائی صنایع مغرب زمین لازم است بعد ازمطالعهٔ دورهٔ رمان و گتیك صنایع دورهٔ رنسانس ومخصوصاً صنعت نقاشی ومجسمه‌سازی در اروپا از قرن ١٦ ببعد موزد مطالعه‌قرار گیردو امیدوارم که این امر نیز بدست نگارنده یا دیگران انجام گیرد.

عیسی بهنام

صنعت رمان

ابتدای تشکیل صنایع رمان

شرایط تاریخی

بسط صنایع رمان

اصطلاح سبک رمان (۱) که در تاریخ صنایع از قرن نوزدهم میلادی معمول شده کاملا صحیح نیست، بابکار بردن این اصطلاح فرانسویان قرن نوزدهم خواسته اند بگویند سبک صنعتی مخصوصی که در حدود قرن دهم میلادی در ساختمانهای مذهبی اروپا معمول شد مشتق از صنایع رومی بوده است و همانطوری که زبانی که بعد از سقوط روم در اروپا معمول شد واز زبان لاتن مشتق شده بود زبان «رمان» نامیده میشد، این سبک صنعتی جدید را نیز سبک صنعتی «رمان» نامیده اند .

حقیقت مطلب اینست که بر محققان در طی سی سال اخیر ثابت شد که سبک صنعتی رمان تنها از سرچشمهٔ روم قدیم آب نمیخورد بلکه «مشرق» نیز در تشکیل این سبک سهم مهمی دارد . گذشته از تحقیقات در آثار سبک «رمان» که هنوز باقی است حقایق تاریخی نیز برای روشن کردن این مطلب کمک میکنند :

دراواسط هزارهٔ اول بعد ازمیلاد امپراطوری روم درنتیجهٔ تهاجم وحملات ملل شمالی اروپا قطعه قطعه شده بود وروی خرابه های آن تازه واردان کشورهای متعدد بر پا نموده بودند . پس ازچند قرن شارلمانی خواست وحدتی بین این کشورها ایجاد کند وخود را امپراطور نامید ولی بین این امپراطوری جدید وامپراطوری قدیم روم تفاوت بسیار بود .

هنگامی که امپراطوری روم قدیم گرفتار سرنوشت شومی شده بود مردم امپراطوری روم شرقی درامنیت بسر میبردند . امپراطوران روم شرقی خود را جانشینان حقیقی امپراطوران روم میدانستند و پس ازسقوط شهر روم شهر بیزانس پایتخت سیاسی دنیای غرب شده بود .

1– Roman
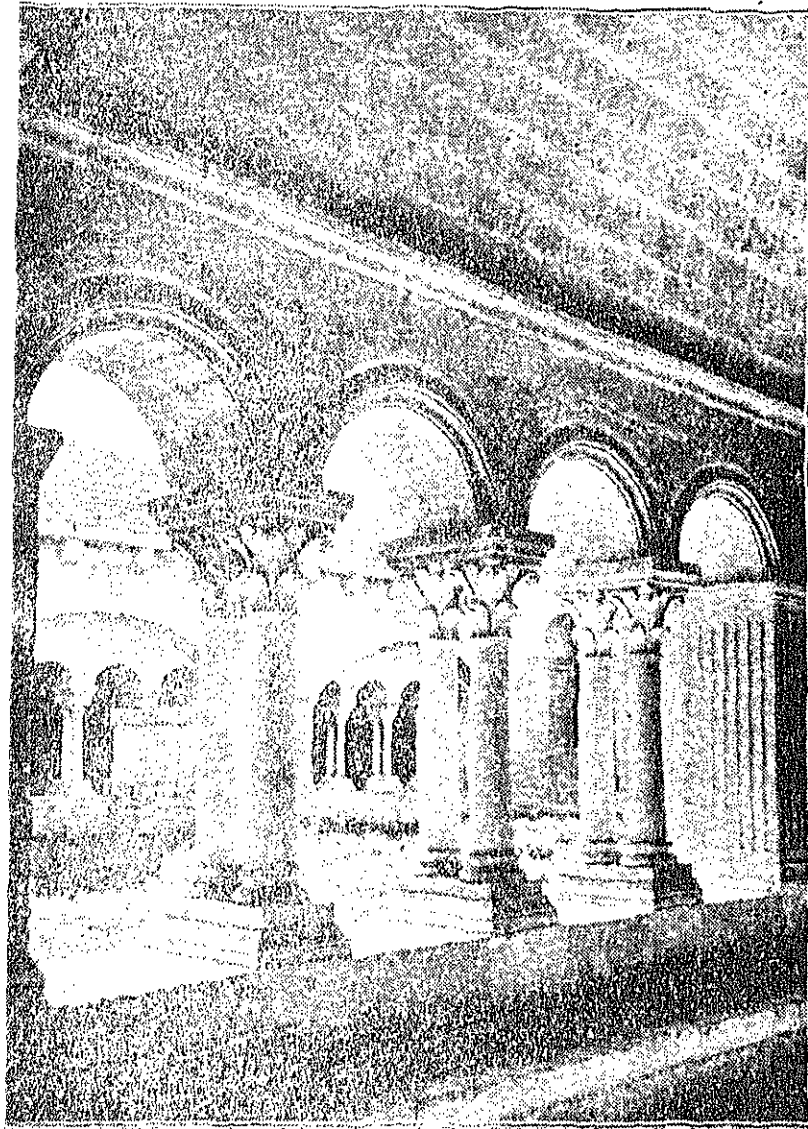
ش ۱ — حیاط صومعه ورواق آن درمونمازور (۱۲۰۰ میلادی) :
ستونهای دوقلو، سرستونهای شبیه بسر ستون کرنتی وجرزهای مزین
به «ناودانك» مانند سرستونها وجرزهای قدیم روم

هنگامیکه وحدت سیاسی مانند سابق درامپراطوری روم شرقی برقرار بود در امپراطوری روم غربی که درنتیجهٔ تهاجم و تصرف ملتهای تازه وارد « باربار »(۱) بکشور های متعدد تقسیم شده بود چیزی جز عدم ثبات وضعیت سیاسی دیده نمی شد.

دراین دومحیط مختلف اوضاع سیاسی در پیشرفت صنایع بدو نحومختلف‌مؤثر واقع شد. هنگامیکه در مشرق اروپا صنایع در راه ترقی وتکامل سیر مینمود مغرب‌اروپارا تاریکی مطلق فرا گرفته بود. بعلاوه‌درآنزمان‌مشرق‌زمین‌درچشم غربیها اهمیت و آبروئی داشت. در زمانی که مورد بحث ماست، یعنی درحدود قرن‌دهم میلادی، صنایع وتمدن مغرب زمین درمقابل تمدن وصنایع مشرق بسیارناچیز بود و هنگامی که اروپائیها هنوز درخانه های‌محقرچوبی زندگانی‌میکردنددرقرطبه کاخهای مجلل برپامیشد وشهرسامره‌وبغداد، پایتخت‌های‌خلیفه‌هارون‌الرشید، مرکز تمدن‌دنیای آنروز بشمارمیرفت. بنابراین هرچه ازمشرق‌زمین، مستقیماً ازاسپانیابوسیله‌مسلمانان ویا از راه غیرمستقیم بوسیله بیزانسی‌ها،واردارو پای‌غربی میشدمورد پسند واقع شده منشاء تقلید میگردید.

اگراینموضوع را درنظر بگیریم که مذهب مردم مغرب زمین یعنی‌مذهب‌مسیح نیز از مشرق بسوی آن نواحی رفته علت علاقهٔ غربیها بصنایع وتمدن شرقی برایمان روشن میشود. مشرق زمین برای اروپائیهای آنزمان در درجهٔ اول کشور روم شرقی (یونان‌و قسمتی از آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه)و در درجه دوم ایران ساسانی بود که پس‌ازظهور اسلام جزئی‌ازعالم اسلامی محسوب‌میشد.

صنایع مشرق زمین (در درجه اول بیزانس ودردرجه دوم صنایع ایران از راه آسیای صغیر) درتشکیل صنعت رمان دخالت‌بسیارداشته است ولی‌تعیین مقداراین‌سهم کارآسانی نیست. تجارت اشیاء قابل حمل بین مشرق ومغرب از قدیم برقرار بود و همه میدانیم که اشیائی از قبیل جام طلای خسرو و بعضی پارچه های‌دست بافت که امروز درموزه ها یاکلیسا های کشورفرانسه حفظ‌میشوداز همان زمان قدیم بآن کشور

1 – Barbares

رفته است . در دوره اسلامی روابط بین‌مشرق زمین ومغرب زیاد تر شد . لذا جای تعجب نیست که در صنایع فرعی،از قبیل جواهر آلات یا روی سر ستونها، آثاری از سبك صنعت شرقی مشاهده کنیم . ولی پذیرفتن عقاید بعضی از نویسندگان تندرومبنی بر اینکه بعضی از کلیسا های دوره گتیك تقلیدی از ابنیه مشرق زمینی‌است بدون‌شرط احتیاط میسر نیست . بطورکلی با در نظر گرفتن نتایج تحقیقاتی که اخیراً بوسیله چند نفراز محققان تاریخ صنایع انجام گرفته میتوان گفت که پایه واساس صنعت رمان‌روی اصول صنعت رومی قراردارد ولی‌درابتدای تشکیل تحت نفوذ صنایع مشرق نیزواقع شده است.

با قبول این فرض که سبك رمان در ابتدای تشکیل تحت نفوذ صنایع مشرق واقع شده باشد باید معین‌کرد که این نفوذ بالاخص از کدام قسمت سرزمین پهناور مشرق آمده است .

جواب این سئوال را بآسانی نمیتوان داد وما فقط در اینجا متذکر میشویم که در ایامی‌که مورد بحث ما است دو مرکز مهم تمدن وصنایع دردنیای قدیم وجود داشت : یکی تمدن‌روم شرقی ودیگری‌تمدن ایران که پس از طی دوره‌های‌درخشان زمان ساسانی در این تاریخ‌بصورت«تمدن‌اسلامی» از هند تا اسپانیا برقرار بود . ما در اینجا وارد بحث هائی‌که هنوز کاملا روشن نشده‌نمیشویم و شاید این موضوع که سبك صنعتی رمان از مشرق باروپا رفته یا درهمان سرزمین بوجود آمده خود بخود در ضمن مطالعهٔ ابنیهٔ رمان آشکار گردد .

حدود تاریخی وجغرافیائی سبك رمان

سبك صنعتی رمان مخصوص قسمتی از اروپای مسیحی است که از نقطه نظر مذهبی مطیع قدرت روحانی مستقر درشهر روم یعنی پاپ بوده ونفوذ آن درمشرق بوسیله صلیبیان انجام گرفته است. دوره حیات این سبك از اواخر قرن دهم میلادی شروع شده وتا اوایل قرن سیزدهم ادامه یافته است .

در ایامی که مورد بحث ماست قدرت روحانی پاپ در کشور های فرانسه و ایتالیا ومغرب ومرکز ژرمانی و انگلستان برسمیت شناخته میشد ولی از اواسط قرن چهارم هجری (اواخر قرن دهم میلادی) تقریباً تمام اسپانیا وجزائر بالئار تحت تسلط مسلمانان در آمد وفقط درشمال اسپانیامردم کشور کوچکی که مرکز آن شهر بارسلون بود از مذهب مسیح پیروی مینمودند . دو قرن بعد یعنی در اواخر قرن دوازدهم در وضعیت سیاسی اسپانیا تغییرات مهمی رخ داد و مسیحیان تقریباً تمام اسپانیا را از مسلمانان پس گرفتندوفقط نوار کوچکی در ساحل جنوبی این شبه جزیره چند زمانی تحت عنوان حکومت اندلس دردست مسلمانان باقی ماند .

جزیره سیسیل که تا قرن دهم میلادی در دست مسلمانان بود در قرن یازدهم تحت اختیار نرماند ها درآمد (ش۲)

اسلاو ها وفنلاندیها مذهب مسیح را از دست ژرمن ها پذیرفتند و متدرجاً تا اواخر قرن سیزده میلادی ناحیه های وسیعی که بین رود خانه های الب وویستول از یکطرف وخلیج فنلاند از طرف دیگر واقعند جزو عالم مسیحیت گردید . کشور های شبه جزیره اسکاندینا ودر طی قرون ۱۱ و۱۲ مذهب مسیح را پذیرفتند . ازسال ۱۰۰۰ بعد از میلاد کشور لهستان نیز جزو ممالك مسیحی مذهب شد . دربوهم عیسویها در قرن یازده نفوذ پیدا کردندواسقف نشین (۱) شهر پراك در سال ۹۷۳ تأسیس شد. کشورمجارستان نیز در همین تاریخ بکیش مسیحی گروید و ملل نواحی ترانسیلوانی وکروآسی و دالماسی از مجار ها تقلید کردند . باینطریق اگر از دریای بالتیك تا

1– Evêché

دریای آدریاتیك خطی رسم کنیم ساکنین کشورهائی که در مغرب این خط واقعست در اواخر
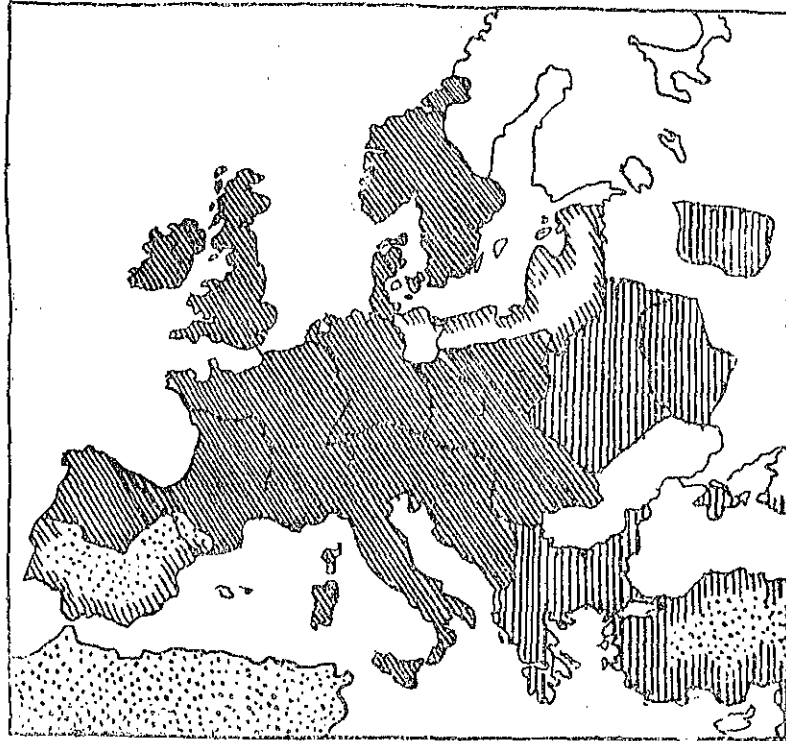
ش ۲ — اروپا هنگام ظهور «سبك اول رمان» - هاشورهای ریز کشورهائی که مذهب کاتولیك رومی را پذیرفته بودند — هاشورهای درشت کشورهای کاتولیك یونانی - نقطه ها کشورهای اسلامی — سفید کشورهائی که هنوز مذهب کاتولیك را نپذیرفته بودند

قرن دهم میلادی مذهب مسیح را برسمیت شناخته بودند وسبك صنعت رمان نیز در همین کشور های مسیحی ایجاد شده نشو و نما کرد .

سبك صنعتی رمان در کشور هائی که با تمدن روم قدیم آشنائی داشتند بیشتر ترقی کرد وچنانکه میدانیم حدود شرقی کشور هائی که تحت اطاعت روم درآمدند از دانوب ورن(۱) تجاوز نمیکرد بعلاوه قسمت مهمی از نواحی واقع در جنوب دانوب

1–Rhône

که سابقاً تمدن روم را پذیرفته بودند در نتیجه تاخت وتاز قبایل شرقی ویران شده ویادگار زیادی از تمدن روم در آن نواحی باقی نمانده بود .

هنگامی که درکشور هائی نظیر انگلستان وفرانسه حکومت نسبة ثابتی برقرار شده بود در نواحی شرقی اروپا هنوز قبایل تازه وارد در جستجوی محلی برای استقرارخود بودند وتحت اطاعت مرکز مشخصی درنیامده بودند. دراین قبیل کشورها مانندکشور مجارستان وکشور اسلاو های مرکزی موضوع تقلید از ابنیهٔ قدیم روم‌در بین نبود بلکه لازم بود سبك رمان را همانطور که درکشور های همسایه بوجود آمده بود ساخته‌وپرداخته قبول‌نمایندو نظیرآن‌کلیسا ها رادرکشورهای‌خود بسازند. بهمین علت سبك صنعتی ژرمانی در تمام نواحی شرقی اروپا نفوذ یافت ومورد تقلید واقع شد .

در مقابل سر زمین پهناور ژرمانی و نواحی تابعهٔ آن ، در فرانسه در محیط کوچکتری سبك رمان سیر تکاملی خود را میپیمود ومکتب های فراوانی ازاین سبك در آن ایجاد شده بود .

مکتب نرماندی‌هنگام فتح انگلستان‌بدست‌نرماندها موردتقلید مردم‌بریتانیای کبیر واقع شد واین سبك از آنجا بکشورنروژ نیز نفوذ یافت . دردوره رمان‌اسپانیا از نظر وحدت‌سیاسی وجود خارجی نداشت وباین دلیل فاقد وحدت صنعتی‌نیزبود . کشور ایتالیا در این تاریخ بنواحی متعدد تقسیم شده بود ودر هر ناحیه از آن صنایع بنحو مخصوصی که متناسب با مقتضیات سیاسی و جغرافیائی آن بود پیشرفت میکرد . ولی درکشور ژرمانی برخلاف کشورهای نامبرده در فوق در نتیجهٔ وجود وحدت سیاسی مکتب صنعتی واحدی پایدار بود و سبك این مکتب در تمام نواحی امپراطوری ژرمانی یعنی از دریای‌آدریاتیك تا دریای مدیترانه بیك نحو رو بتکامل میرفت . حدود غربی امپراطوری ژرمن هارودخانه های سون (۱) و رون (۲) بود واز طرف مشرق حد معینی نداشت . از طرف جنوب قسمت شمالی کشور ایتالیا یا لمباردی جزواین مکتب بود و فورمولهای صنعتی رومی از همین ناحیه بسایر نقاط امپراطوری ژرمانی میرفت .

1– Saône 2– Rhône

روبهمرفته در اروپای آنروزبا وجود اینکه مانند عصر حاضر ملل مختلف مسکن داشتند و بزبان های مختلف حرف می زدند از نظر مذهبی و صنعتی وحدت کامل برقرار بود . دراین اوقات همانطوری که بین ما مسلمانان مرسوم است که برای حج بمکه می رویم بین مسیحیان نیز مرسوم بود برای زیارت بشهر های کمپوستل (۱) یا روم یا بیت المقدس میرفتند . زائران کشور های مختلف در نقاط نامبرده با همدیگر آشنا می شدند و در کشور هائی که سر راه آنها واقع شده بود سبك صنعتی واحدی ایجاد گردید و فورمولهای صنعتی از شهری بشهری سرایت میکرد مهمترین این راههای بین المللی راه دره های رود رن وسون میباشد واین همان راهی است که جنوب اروپا یعنی ایتالیا را بشمال آن یعنی ژرمانی متصل میکند . راه دیگر از تنگهٔ برنر عبور کرده ایتالیا را به دره دانوب و مشرق اروپا اتصال میدهد.
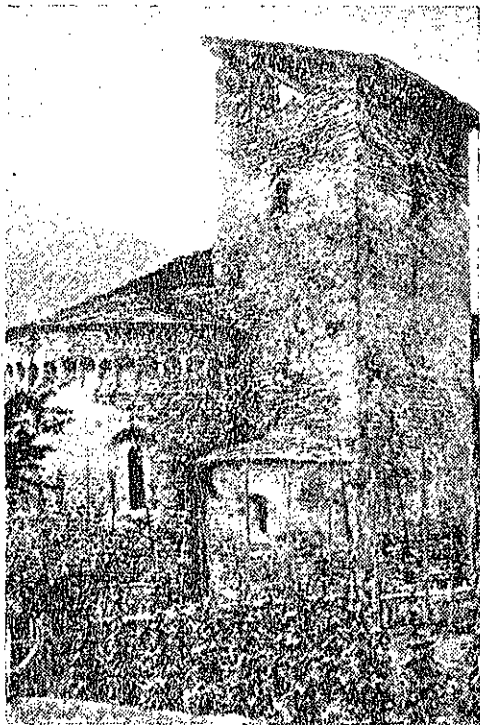
ش ۳ـ کلیسای سن مارتن در «ام» (ناحیه ساوآ)(۲)ـ یکی از نمونه های ابنیه سبك اول رمان ـ مصالح ریز (شبیه به آجر) ـ طاقچه های کوچك در بالای محراب از خارج بنا

اگر صنعت رمان را از نظر زمان باصنعت بیزانس مقایسه کنیم دوره رمان مطابق است با دومین دورهٔ عصر طلائی صنایع بیزانس وسلطنت سلسلهٔ امپراطوران مقدونی و کوم ننس(۳). از نظر ماهیت بین این دو مکتب صنعتی غرب وشرق اختلاف زیاد است .

1-Compostelle 2–Saint– Martin d' Aime (Savoie) 3- Comnènes

هنگامی که صنعت بیزانس روی یادگارهای گذشته میزیست سبك رمان بآتیه امیدوار بود. زمانی که صنعت اولی بصورت واحدی شناخته میشد درصنعت دومی مکتب های متعدد وجود داشت. صنعت بیزانس چشم بگذشته دوخته بود درحالی که صنعت رمان که فاقد گذشته بود هرروز در راه تکمیل و ابتکار پیش میرفت و پیش از مرك نوزادی بوجود آورد که تحت نام « صنعت گتیك » روزهای بسیار درخشانی پیمود.

پیش از ظهور سبك رمان سبك بین‌المللی بسیار وسیعی در نواحی نامبرده در فوق وجود داشت که تا سالهای اخیر با سبك اصلی رمان اشتباه میشد و هردو سبك را متعلق بیك زمان میدانستند ولی در نتیجهٔ تحقیق باستان‌شناسان امروز این دو سبك ازهم جدا شده : سبك اول را « سبك اول رمان » میخوانند و سبك دوم تحت عنوان «سبك رمان» شناخته میشود و اکنون ما بمطالعهٔ سبك « اول‌رمان »میپردازیم.
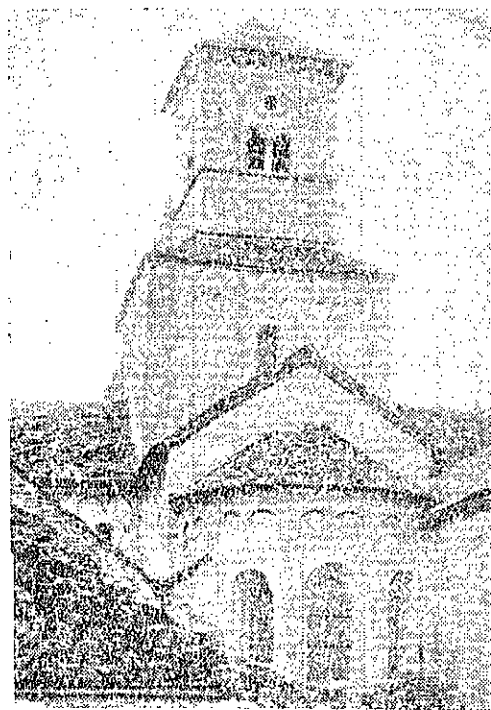
ش ٤ـ کلیسای سن‌ورل ١) درفرانسه‌ـ نمونهٔ دیگری از ابنیهٔ « سبك اول رمان » ـ « نوارهای لمبارد » یا « طاقنماهای دندانه‌دار » ازخصوصیات ابنیهٔ « سبك‌اول‌رمان » میباشد.

صنعت اول‌رمان

سابقاً کلیسا هائی مانند جلوخان کلیسای تورنوس (٢) (ناحیه بورگونی) و کلیسای اوتن (٣) (ناحیهٔ بورگونی) و سن‌ژاك درشهر کمپستل (٤) که از حیث سبك صنعتی و مصالح و تزئینات‌متمایزند

(1) Saint Vorles de Châtillon sur Seine (Côte d' or) (2) Tournous
(3) Autun (4) Saint Jacques de Compestelle

تحت عنوان واحد « رمان » شناخته میشدند . باستان شناس معروف اسپانیولی « پویچ کادافالك » (۱) اول کسی است که وجه تمایز بین این دودسته کلیسا را مشخص نمود و در نتیجهٔ مطالعات او معلوم شد پیش از سبك «رمان» سبك بین‌المللی وسیعی وجود داشته که تا این تاریخ آنرا مکتب صنعتی «لمباردی»(۲) مینامیدند وجزء سبك رمان محسوب میشد . سبك معماری صنعت «اول رمان» در بسیاری از نواحی قدیم‌تر از سبك معماری صنعتی است که تحت عنوان «مکتب‌های مختلف رمان» پیش از قرن ۱۲ یا بعد از آن معمول شده و سابقاً سبك « رمان » مطلق نامیده میشد .
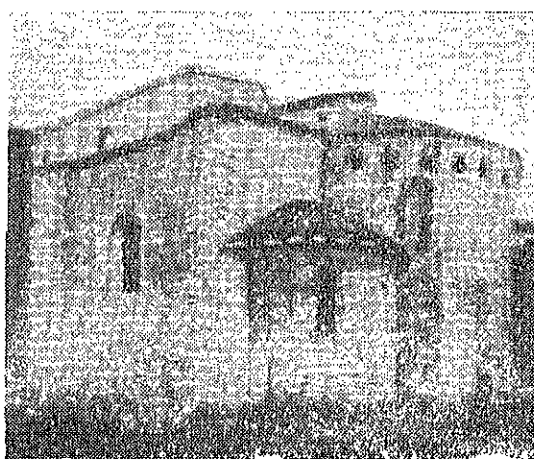
ش ــ ۵ کلیسای سن پیترو در آ گلیسات (ایطالیا) (۳) ــ «طاقچه» های کوچك در بالای محراب کلیسا یکی از خصوصیات « سبك اول رمان » است . ــ قابل مقایسه با شکل ۳

سبك« اول رمان »دارای قواعد معینی است که درعموم ابنیهٔ مربوط بآن سبك دیده میشود : اولا مصالح آن مرکب از قطعه سنگهای کوچکی باندازهٔ آجر است (شکل ۳) وچنین بنظر میرسد که این سبك از کشورهائی آمده که در آن استعمال آجر معمول بوده . ثانیاً در خارج بناچیزی شبیه به طاقچه یا طاقنماهای کوچك (٤) دیده میشود (ش ۳-۵-٦) ، بعلاوه تزئیناتی شبیه بدندانه‌ها دراین ابنیه وجود دارد (ش٤) که آنها را مشخص مینماید .

کشورهائیکه در آن سبك « اول رمان » معمول بوده عبارتند از قسمتی از ایتالیا و دالماسی و سویس و تیرول (در اتریش) و دره رودخانه رن و رودخانهٔ موز (۵) و قسمتی از دره‌های رودخانه رون وسون وناحیه (پروانس) (٦) درجنوب

(1) Puigi Cadafalch (2) Art lombard (3) Saint Pietro d' Agliate
(4) Niches (5) Rhin – Meuse (6) Provence

فرانسه و ناحیه کاتالونی (۱) (در شمال اسپانیا).

در بعضی نواحی سبك اول رمان نفوذ پیدا نکرده واین نواحی خصوصاً آنهائی هستند که صنعت روم قدیم در آنها ریشه‌های محکم داشته، مانند شهر روم و اطراف آن و ناحیه یونانی‌نشین جنوب ایتالیا . برعکس در بعضی نواحی مانند مرکز و مشرق فرانسه سبك اول رمان بسیار توسعه یافته است .
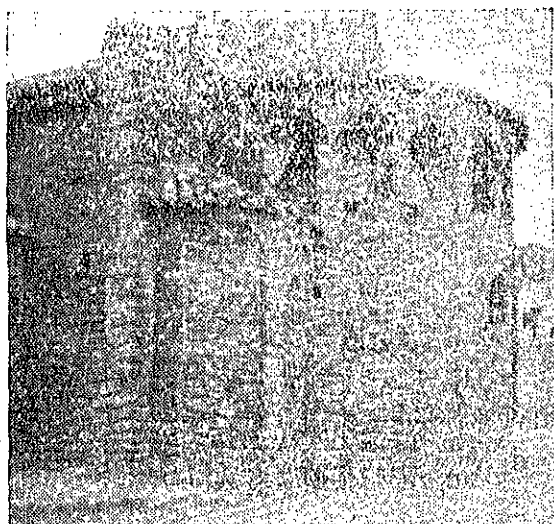
معماران ابنیهٔ این سبك از دیرزمان طاقهای هلالی روی « نف » کلیسا ساخته‌اند و نیز در حدود اواسط قرن یازده روی محل تقاطع دو بازوی کلیسا بانف گنبدی قرار داده‌اند (نف قسمت مرکزی در طول کلیسا میباشد و از کلمهٔ ناو مشتق است وبازوی کلیسا در جهت عرض قرار گرفته). امروز ظهور سبك « اول رمان » قبل از سبك « رمان » مسلم گشته و یکی از خصایص آن غیر از تمایزات فوق‌الذکر قابلیت نفوذ و توسعه آن و متحدالشکل بودن اصول ساختمانی آن است و چنین بنظر میرسد که خط سیر نفوذ این سبك از نواحی مجاور مدیترانه بسوی شمال بوده و در شمال اروپا ریشه های طویلی دوانیده است .

ش ٦ ـ کلیسای پائولوسابادرا (۲) در اسپانیا ـ طاقچه های کوچك در بالای محراب ازخارج بنا قابل مقایسه با شکل ٤ و ٦

کاملا روشن نیست منشاء اصلی این سبك در چه محلی بوده وبچه علت تا این حد توسعه یافته . ممکن است مسقط‌الرأس سبك « اول رمان » مشرق زمین باشد زیرا نمونه‌های متحدالشکل آن هم در مغرب و هم در مشرق اروپا در دوره‌های مختلف

(1) Catalogne (2) Paulau Sabardera
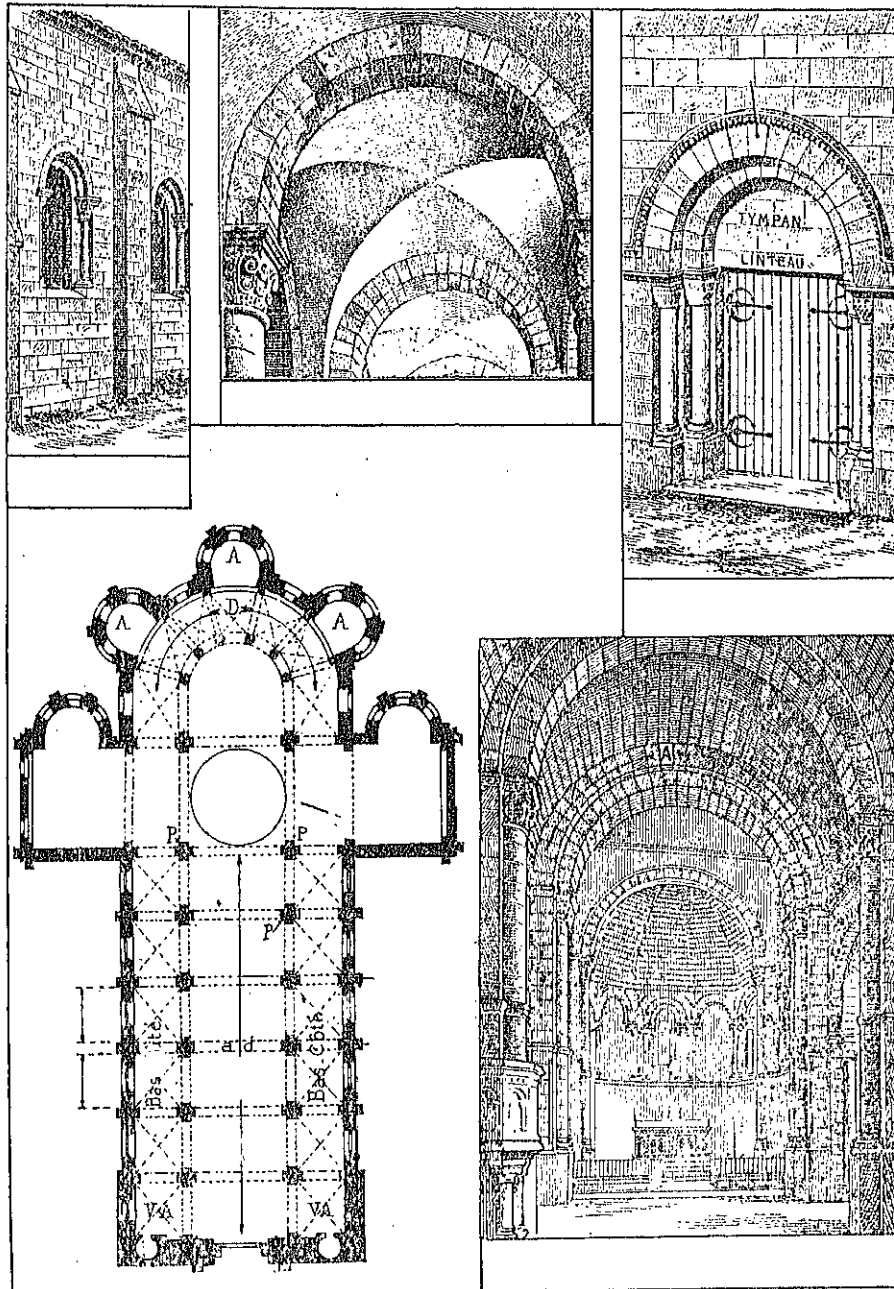
ش۷– این شکل مربوط به صفحه ۱۳ میباشد

ش ۷ – قسمتهای مختلف یك کلیسا .– کلیدطاق(۱) قطعه سنگیست که درمرتفع‌ترین نقطهٔ طاق یا قوس‌واقع شده و اگرآنرا ازمحل خود برداریم تعادل طاق یا قوس بهم میخورد .

پیشانی‌سردر(۲) قسمت هلالی یا جناقی بالای‌سر در کلیسا است ومعمولا سطح آن بانقوش برجسته مربوط بزندگی مسیح یا روز قیامت تزئین شده است.

کتیبه (۳) قسمت افقی بالای در کلیسا است .

طاق ضربی‌دردورهٔرمان بسیار معمول بوده‌ودر نتیجهٔ تقاطع‌دو گهواره درجهت عرض و طول حاصل میشود .

قوس مقاومت قوسی‌است که یك‌طاق ضربی‌را ازطاق ضربی دیگر یا قسمتی از گهواره را ازقسمتی‌دیگرآن جدا میکند

جرزاستقامت درنقاطی‌ساخته میشودکه فشارطاق روی‌آن واردمیآید وعمل عمدهٔ‌آن خنثی‌کردن فشار نامبرده است .

طاق گهواره‌ای شکل از یك قوس (مانند گهوارهٔ اطفال) تشکیل شده و تکیهٔ آن روی دو دیواو مقابل میباشد (تکیهٔ طاق ضربی روی چهارستون مقابل است) .

طرح کلیسای رمان –Aمحراب(٤) (در یك کلیسا ممکن است چندین محراب وجود داشته باشد)D«دآمبولاتوار»(٥)(غلام گردش) محلی‌است که ازآن میتوان کلیسا را دور زد .

T«ترانسپت»(٦)یا بازوهای کلیسااست که نف‌اصلی‌را در جهت عرض قطع میکند و طرح آنرا بصورت یك صلیب درمیآورد. «کور»(٧)محلی است که‌درآن آواز دسته‌جمعی میخوانند (قسمت علیا) .از بازوهای کلیسا بپائین مخصوص مردم غیرروحانی وازبازوها ببالا مخصوص روحانیون هنگام انجام مراسم مذهبی است .

Cجرزمقاومت(۸).Pجرزیاستون(۹) نف(۱۰) تقسیم‌بندی‌مرکزی‌ازحیث‌طول‌است. نف طرفی درطرفین « نف مرکزی » واقع است(۱۱) .

---

(1) Clef de voûte (2) Tympan (3) Linteau (4)Abside (5) Déambulatoire
(6) Transept (7) Choeur (8) Contrefort (9) Piliers (10) Nef
(11) Bas- côtés

دیده شده است، مثلا هم درصنایع نیمه اسلامی و نیمه مسیحی اسپانیا وجود دارد و هم درصنایع اسلاوهای مولداوی. در اسپانیا ممکن است بتوسط مسلمانان معمول شده باشد و در مولداوی در نتیجهٔ مجاورت با بیزانس، زیرا هنگامیکه کلیساهای نامبرده دراسپانیا ومولداوی ساخته شد (قرن ۱٤) مدتها بود که صنعت گتیك دراروپا برقرار شده بود. بنابراین ما میتوانیم چنین نتیجه بگیریم که منشاء و مبدأ سبك اول رمان در مشرق زمین قرار داشته است.
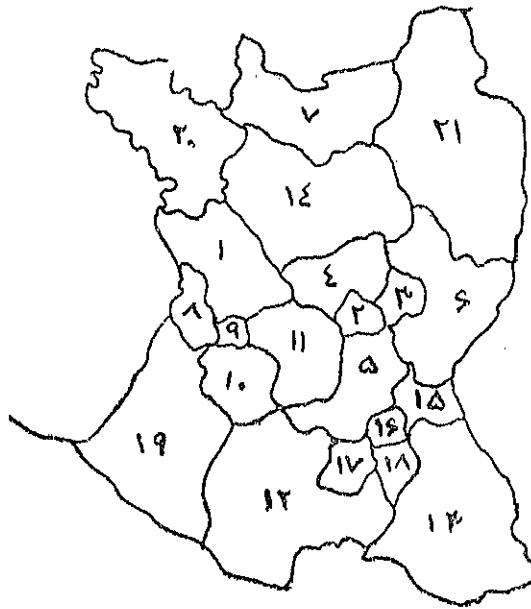
ش ۸-شماره‌های این شکل که بترتیب باشماره‌های زیرصفحه مطابق است ایالات فرانسه را دردوره « سبك صنعتی رمان) تعیین میکند

مکتب رمان در فرانسه پیش از تشکیل

مکتب های مختلف سبك « رمان» در فرانسه این کشور از نظر ابنیهٔ آن از دو ناحیهٔ متمایز تشکیل شده بود: جنوب فرانسه و دره رود رون و ناحیه بورکونی تحت تأثیر ونفوذ سبك «اول رمان» قرار گرفته، شمال و مغرب و مرکز آن خارج از این نفوذ و تأثیر مانده و در هر کدام از این دو ناحیه مکتب های مختلفی متناسب باوضعیت جغرافیائی آن ناحیه بوجود آمده بود.

تقسیماتی که امروز بین نویسندگان تاریخ صنایع معمول است عبارتند از:

مشرق فرانسه - شمال فرانسه و شامپانی - نرماندی وقسمت شرقی برتانی - بورگونی - پروآنس - مغرب فرانسه-پواتو - سنتونژ - پریگورد - بوردوله. آنژو - تورن - بری - مرکز و جنوب فرانسه (ازلیموزن

(1) Poitu (2) Bourbonnais (3) Nivernais (4) Berry (5) Auvergne
(6)Bourgogne (7)Normandie (8) Saintonge (9)Angoumois (10)Périgord
(11) Limousin (12) Languedoc (13) Provence (14) La Loire(Touraine)
(15) Lyonnais (16) Forez (17) Gevadau (18) Velay (19) Gasgogne
(20) Bretagne (21) Champagne (N. O.)

تا پیرنه(۱) ـ اورنی(۲)

از نظر دیگری عموم این کلیسا هـا بسته باینکه سقف چوبی داشته باشند یـا طاق آجری وسنگی بدودسته تقسیم میشوند:

معمولا کلیسا هائی که در شمال رودخانه لوآر (۳) واقع‌اند سقف چوبی دارند وآنهائیکه بین‌رود لوآر وکوههای پیرنه قرار دارند مانند کلیساهای بورگونی‌وپروآنس دارای طاق‌آجری یا سنگی هستند. کلیسا هائی که طاق دارند نیز برسه نوع‌اند: بعضی از آنها دارای یك نف (٤) اصلی و دو نف طرفی (۵) میباشند و نف اصلی مستقیماً از پنجره هائی که زیر طاق قرار گرفته روشن میشود (بورگونی وپروانس) (ش۱۰-۱۳) بعضی دیگر فاقد نف طرفی هستند (مغرب فرانسه) و بقیه نف طرفی دارند ولی روشنائی فقط از پنجره هائی که در زیر نف طرفی ساخته شده وارد میگردد و در نف اصلی پنجره وجود ندارد. بنا براین روشنائی بطور غیرمستقیم از نف‌های طرفی وارد نف اصلی میشود. (ش ۱۱) ناحیه مشرق فرانسه (آلزاس ـ لورن ـ موز) تابع صنعت ژرمانی‌است. خصوصیات این مکتب بقرار زیرند: هربند ناو اصلی مطابق دو بند ناوطرفی

ش ۹ ــ کلیسای سنت اتین درشهر نور (٦) مقطع نف مرکزی و طرفین. نوع ساختمانی که در روی نف جناحی یك «بالکانه» (طبقهٔ اول) ساخته شده (۷) و بااین‌حال‌روشنائی مستقیماً از پنجره‌های بالا داخل در نف‌اصلی کلیسامیشود. چون نیم‌قوس طبقهٔ اول درنقطهٔ فشار طاق نف اصلی تکیه میکند براستحکام‌طاق کلیسا افزوده شده. این نوع ساختمان در ناحیهٔ بورکونی در کلیسای‌پاره لومونیال(۸) ودرسولیو(۹) بکاربرده‌شده

---

(1) Pyrénées (2) Auvergne (3) Loire (4) Nef centrale (5) Bas-côtés
(6) Saint - Etienne de Nevers (7)Tribunes (8) Paray - le - Monial
(9) Saulieu

است . تزئینات داخلی کلیسا بسیار ساده است وروی بام محراب اصلی دو برج قرار دارد (ش۳۲) . نفوذ مکتب رنانی (مغرب آلمان) در آلزاس آشکار است وازطرف دیگر شباهتی بین کلیساهای آلزاس و شهر بال در سویس وجود دارد .

در نواحی شمالی فرانسه و شامپانی تقریباً تمام کلیساهاکه سقف چوبی داشتند یادر نتیجه حریق ازبین رفتندویا در دوره گتیك آنراخراب کردند.وضعیت کلیساهای رمان در این ناحیه خوب آشکار نیست . در ناحیهٔ (ایل‌دوفرانس) (۱) که بمنزله مسقط‌الرأس کلیساهای گتیك بشمارمیآید زودتر از سایر نواحی کلیساهای گتیك جای ابنیه رمان را گرفت و مهمترین بنائی که دردوره رمان ازاین‌ناحیه مانده کلیسای شهر شارتر در جنوب پاریس است
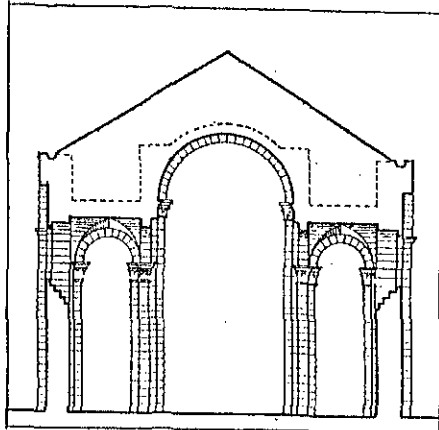
ش ۱۰ــ کلیسای نتردام‌لاگراند در شهر پوآتیه (۲) بهترین نمونهٔ کلیسا های ناحیهٔ پوآتو(۳)میباشد. روشنائی مستقیماً داخل نف‌اصلی نمیشود بلکه از نفهای طرفین‌وارد کلیسا میگردد. گرچه روشنائی دراین قبیل کلیساها کم‌است ولی‌استحکام آن زیاد است.

مکتب‌نرماندی شباهت‌هائی به‌مکتب ژرمانی دارد خصوصاً از این حیث که پایه ها در نف اصلی یك در میان ستون است (ش ۱۵) بعلاوه ناو اصلی فاقد طاق سنگی است وتیرچوبی بجای‌آن‌استعمال شده . طرح معمولی کلیساهای‌نرماندی نظیر طرح کلیساهای بندیکتن‌هااست (٤) باین‌معنی که دراطراف محراب اصلی‌محراب‌های دیگری در جهت محراب اصلی وجود دارد (ش۱۳) . در بعضی ازکلیساهای این‌ناحیه مانند کلیسای شهر ژومیژ (٥) و فکامپ (٦) و آورانش (۷) د آمبولاتوآر (۸) نیز دیده میشود .

در داخل کلیساهای این ناحیه در بالای قوسهائی که نف اصلی را از طرفین جدا

---

(1) Ile de France (2) Notre Dame la Grande de Poitiers (3) Poitu
(4)Bénédictins (5)Jumiège (6)Fécamp (7)Avranches (8)Déambulatoire

میکند راهی برای عبور درقسمت فوقانی است که دهانه‌های آن بطرف «نف» اصلی باز میشود و در بالای آن ردیف پنجره‌ها را قرار داده‌اندواین نمای داخلی کلیساهای نرماندی همان است که بعدها در کلیساهای گتیک در «ایل دوفرانس» معمول میشود (ش ۱۵). مکتب نرماندی از سایر مکتب‌ها متمایز است و کلیساهای مهم آن از قبیل کلیسای شهر کان (۱) و سریزی (۲) (ش ۱۴ـ۱۵) و ژومیژ و غیره بعلت طرح وسیع و برجهای بلند وتزیینات هندسی که مخصوص آنهاست در بین سایر مکتب‌ها
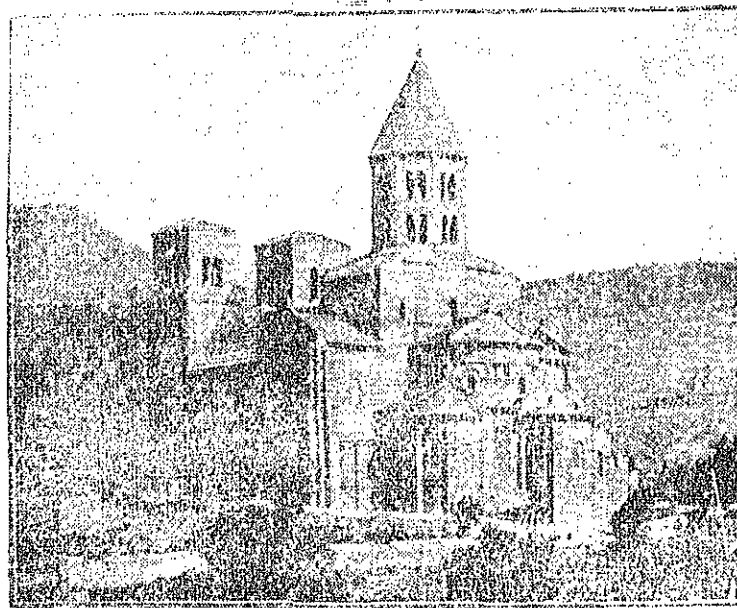
ش ۱۱ - کلیسای سن‌مارتن (۳) درپوی لو دوم (ناحیهٔ اورنی) یکی از نمونه‌های کامل کلیساهای رمان : دراطراف محراب اصلی محرابهای محیط — روی محل تقاطع بازوهای کلیسا برج ناقوس- برآمدگی طاق بازو های کلیسا از خارج بنا — دو برج ناقوس روی جلوخان کلیسا .

وضعیت بخصوصی پیدا کرده‌اند .

در ناحیه بورگونی در اواخر قرن یازدهم مکتب مشخصی جای‌سبک اول رمان را گرفت .

(1) Caen (2) Cerisy (3) Saint Martin dePuy le Dôme
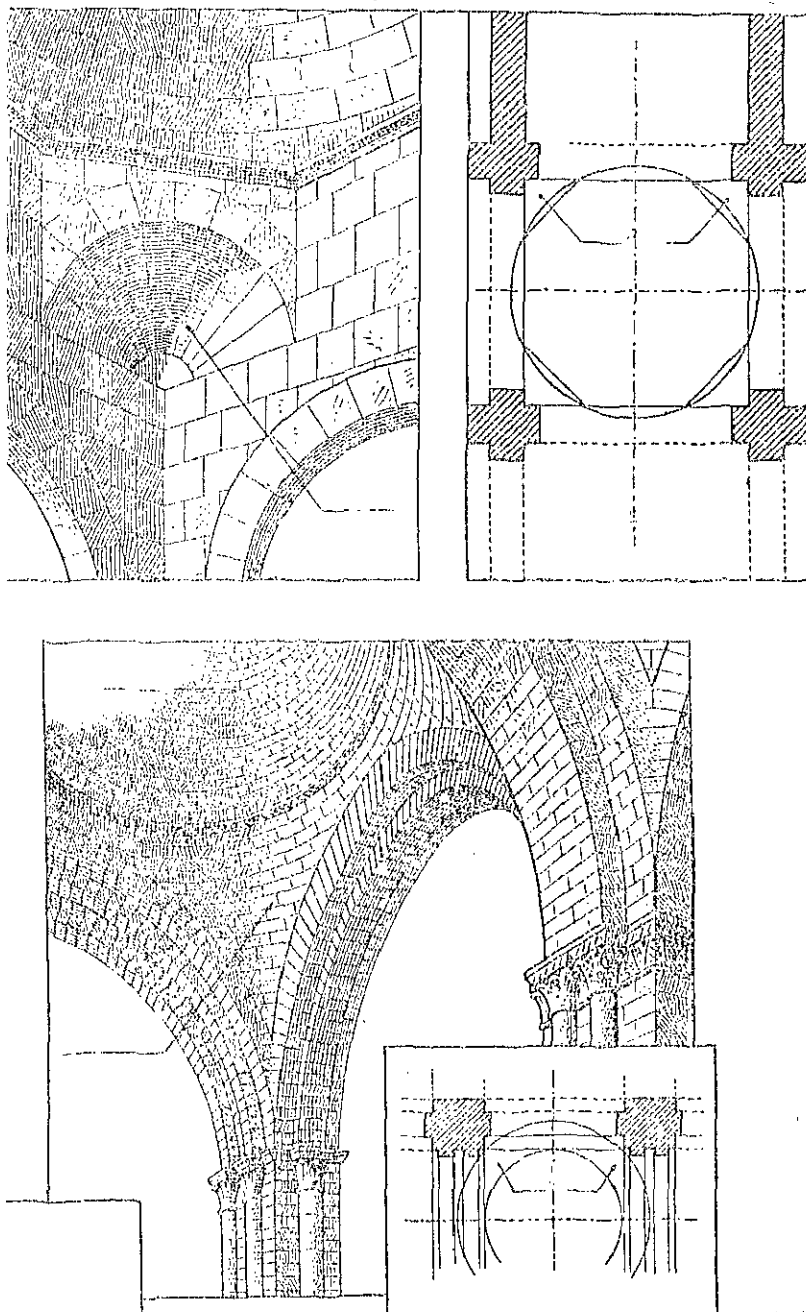
ش۱۲ ــ بالای عکس فوق: گنبد روی چهار گوشوار و طرح آن و در زیر آن نوع دیگری از روی گوشوار و طرح آن ــ این نوع گنبدها بیشتر در کلیساهای جنوب فرانسه معمول؛ و نمونه‌های بسیار قدیمی آن در ابنیهٔ اواخر دورهٔ اشکانی در ایران وجود دارد.

مکتب بورگونی بعلت تناسب قسمتهای مختلف بنا و تقلید از ابنیه روم قدیم و نقش برجسته های زیبایش از سایر مکتب ها متمایز است. کلیسای کلونی (۱) که معروفترین ابنیه مکتب بورگونی است یك نف اصلی وچهار نف‌جناحی‌دارد(ش۱۶). روی نف اصلی طاق گهواره‌ای شکلی ساخته شده و سه‌طبقه دارد: ردیف‌پنجره‌ها ـ ردیف طاق نماهای ـ سه دهانه‌ای (تریفوریوم) (۲) ـ ردیف قوسها و پایه‌ها (شکل۱۷). کلیسای کلونی درشهرهای‌پاره‌لومونیال (۳)وسولیو(٤) و اوتن (۵) (شکل ۱۹) و بوم(٦) وسموردر بریونه (۷)ولانگر (۸)وغیره مورد تقلیدواقع شده‌است. دسته دیگر از کلیساهای مکتب بورکونی آنهائی هستندکه از کلیسای مادلن درشهروزله(۱۰)تقلید شده‌اند. داخل این نوع کلیساها فقط دو طبقه دارد وفاقد تریفوریوم‌است ولی
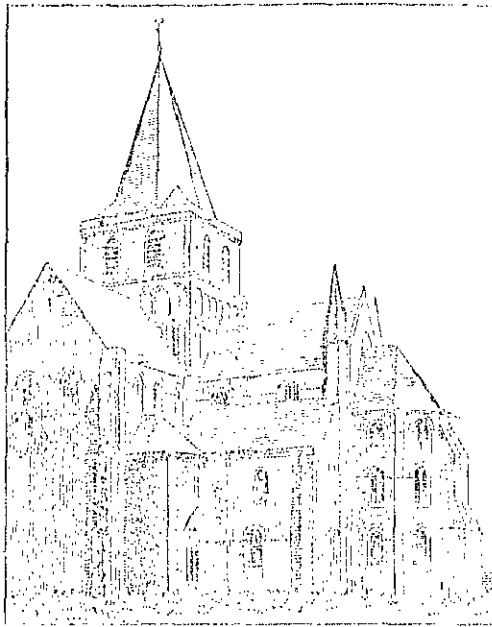
ش ۱۳ ـ کلیسای شهرسریزی لافوره در نرماندی

روشنائی از پنجره‌های‌نف‌اصلی مستقیماً داخل درکلیسا میشود. بعلاوه طاق‌نف اصلی ونف هـای جناحی‌آن ضربی هستند. نظیر ایـن‌کلیساها در شهر آنزی‌لـو دوك (۱۱) وگوردون (۱۲) وتولون سورآرو (۱۳) و سن مارتن دو بور (۱٤) وسن‌لازار درشهرآوالن(۱۵) وپونتوبر(۱٦) دیده میشوند. این‌طریقه‌بوسیله‌سیسترسین‌ها(۱۷) بسایر نقاط دنیا برده شد. در بورگونی‌کلیساهائی نیز وجود داردکه نف اصلی‌آن

(1) Cluny (2) Triforium (3) Paray le Monial (4) Saulieu (5) Autun (6) Beaume (7) Semour en Brionnais (8) Langres (9) Cerisy la Forêt – (Normandie)(10) Vezelay (11) Anzy le Duc (12) Gourdon (13) Toulon sur–Arroux (14)Saint Martin du Bourg (15) Saint Lazared' Avallon (16) Pontaubert (17) Cisterciens

فاقد پنجره میباشد و بهترین نمونه این دسته کلیسای فونتونه است (۱) که بدست سیستر سینها ساخته شده. طاق های گهوارهٔ عرضی (۲) فقط در کلیسای شهر تورنوس (۳) بکار برده شده و بعضیها میگویند این نوع طاق تقلید از ابنیه دوره ساسانی در ایران است ولی لازم است در باره این موضوع مطالعه دقیق تری شود. این نوع طاق در کلیسای مون سن ونسان (٤) در ناحیه سون ولوآر نیز استعمال شده. در مکتب پروآنس کلیساهای رمان غالباً فاقد نف های جناحی است. گاهی نیز طرح کلیساهای این مکتب شبیه بطرح بازیلیکهای رومی است باین معنی که غالباً فاقد بازو است و در دو طرف محراب های اصلی دو محراب کوچك در جهت محراب اصلی قرار دارد. روشنائی مستقیماً از پنجره های نف اصلی وارد کلیسا میشود ولی پنجره های آن بسیار کوچك است.
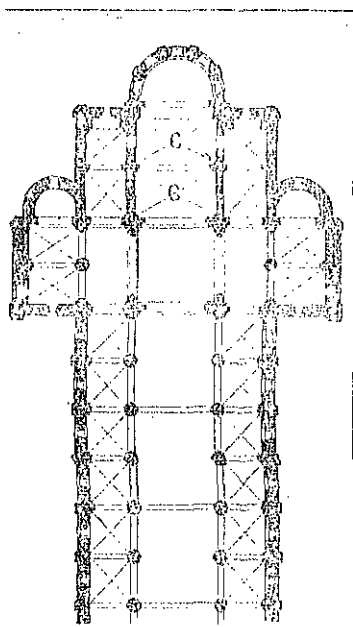
شکل ۱٤ - طرح کلیسای سریزی لافوره در نرماندی. مانند مکتب ژرمانی هر بند از نف مرکزی مطابق دو بند از جناحین است — محرابهای فرعی در جهت محراب اصلی هستند و آمبولا توآر وجود ندارد.

طاق نف کلیساهای این مکتب گهواره گلابی یا جناقی است و درصورتی که نف جناحی وجود داشته باشد طاق آن بشکل ربع دایره است. در کلیساهای پروانس گنبد گوشوار دار زیاد بکار برده شده و مهمترین کلیساهای مکتب این ناحیه عبارتند از کلیساهای شهر آوینیون (٥) و کاوینون (٦) و سن پول تراوشاتو (۷) و سن ترونیم در شهر آرل (۸) و سن رستیتو (۹) و مون ماروژ (۱۰) و سن گابریل (۱۱) و غیره.

---

(1) Fontenay (2) Berceaux transversaux (3) Tournous (4) Mont St-Vincent (5) Avignon (6) Cavignon (7) Saint-Paul-Trois-Châteaux (8) Arles (9) Saint Restitut (10) Mont Major (11) St Gabriel

درمکتب مغرب(پوآتو - سنتونژ - پریگورد - بردوله - آنژو - تورن وقسمتی از بری و برتانی) دو نوع کلیسا وجوددارد : نوع اول دارای نف جناحی و نوع دوم فاقد جناح است . در نوع اول طاق نف‌های جناحی را آنقدر بلندساخته‌اندتا بتوانندتکیه‌گاه فشار طاق نف‌اصلی باشد. بلندبودن طاق نف‌های جناحی باعث میشودکه در نف‌اصلی نتوانند پنجره بازکنند و روشنائی فقط از پنجره های نف جناحی وارد کلیسا میشود .
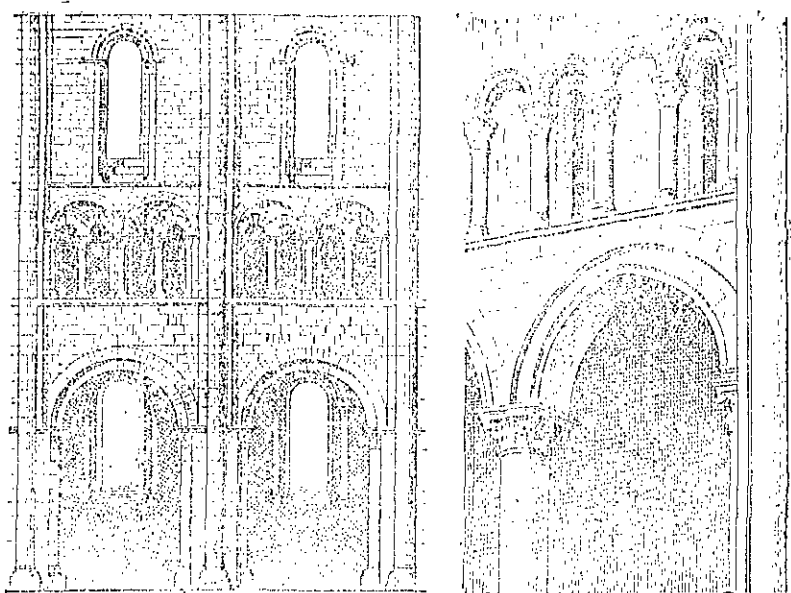
شکل ۱۵ - سمت چپ کلیسای مون سن‌میشل (۱).محل عبور معماران برای بازدید و تعمیر بنا(تریفوریوم حقیقی) (۲).سمت راست تریفوریوم کور و غیرحقیقی(۳) بدون محل عبور ، تقلید از نوع بالا و فقط برای تزئین کلیسا ــ کلیسای‌اسقف‌نشین شهرمان (٤)

طرح پایه‌ها معمولاً بشکل گل چهار برگ است. (ش ۱٤)ـنقوش برجسته وتزئینات در کلیساهای این مکتب فراوان است . در نمای خارجی کلیسا چند ردیف طاقنماهای کور برای تزئین دیوارمیساختندو کلیساهای ناحیه پوآتو بیشتر دارای این خواص هستند . نوع دوم کلیساهای این مکتب فاقد نف جناحی است و نف اصلی آن از یک طاق گهواره‌ای شکل یا یک ردیف گنبد گوشوار دار ساخته شده . در کلیساهای

(1) Mont Saint Michel (2) Triforium véritable (3) Faux triforium
(4) Cathédrale du Mans

مرکز فرانسه و نواحی مجاور پیرنه معمولا طاق گهواره‌ای شکل بکار میبرند و روشنائی مستقیماً داخل نف مرکزی نمیشد در اکثر کلیسا های این مکتب در بالای نف‌های جناحی غرفه های بالکانه وجود دارد که طاق آن نیم گهواره است.این نوع کلیساها معمولا در شهر هائی هستند که سر راه زوار واقع شده‌بود. همانطوری که تاریخ تأسیس مکتب‌های رمان در نواحی مختلف متفاوت بود. همانطور تاریخ انقراض این مکتب‌ها در نواحی مختلف متفاوت است. سبك گتيك در اواخر قرن ۱۱ در ایل دوفرانس بوجود آمد و از آن ببعد تدریجاً کلیساهای رمان جای خود را بکلیساهای سبك جدید گتيك داد و در اکثر نقاط قسمت پائین کلیسا متعلق بدورهٔ رمان است و هنگامی که خواسته‌اند قسمت فوقانی آنرا تعمیر کنند طاق را به سبك گتيك تعمیر کرده‌اند بطوریکه نمونهٔ هر دو سبك در آن موجود است.
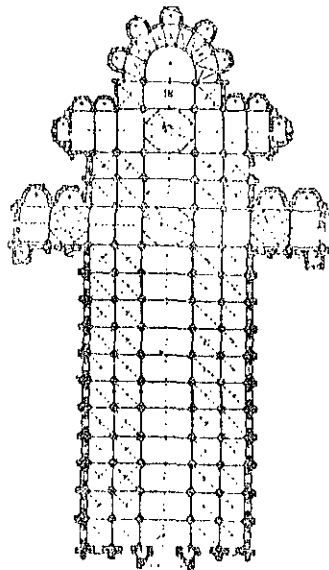
شکل ۱۶ - طرح کلیسای شهر کاونی(۳): وجود دو بازو و محرابهای محیط بر محراب اصلی و روی بازوی کلیسا در جهت محراب اصلی - وسعت فوق العادهٔ کلیسا و وجود چهار نف جناحی - گهواره و قوس های مضاعف و طاق ضربی روی جناحین

مکتب رمان در انگلستان

پیش از آنکه انگلستان بدست نرماندها فتح شود تحت نفوذ صنعت نرماندی در آمده بود و این مطلب خصوصاً از طرح قسمتهای قدیمی کلیسای وست مینیستر (۱) که بدست ادوارد کنفسور (۲) در حدود سالهای واقعه بین ۱۰۴۱ و ۱۰۶۶ ساخته شده آشکار میشود از ۱۰۶۶ یعنی بعد از فتح انگلستان تاثیر صنعت نرماندی در آنکشور شدت یافت. گیوم فاتح که برای استقرار قدرت خود ناچار بود از روحانیون حمایت کند وسایل لازم برای ساختمان ابنیهٔ قدیم مذهبی در اختیار آنها گذاشت و بهمین دلیل در سالهای

(1) Westminister (2) Edouard le Confesseur (3) Abbatiale de Cluny

بعد ازفتح انگلستان مقدار بسیاری ابنیهٔ مذهبی در آن کشور برپا شد . اگر چه این ابنیه طبق سبك مکتب نرماندی ساخته‌شد ولی اثراتی از صنعت‌محلی ساکسن (۱) و از صنعت ژرمانی (رنانی) دراین ابنیه دیده میشود. طرح‌این‌کلیساها معمولاً شامل یك محراب اصلی وچند محراب‌فرعی‌درجهت‌محراب‌اصلی(ش۱٤) بایك«دآمبولاتوآر» و محرابهای محیط بر آن میباشد . (ش۷) طرح اول مخصوص‌مکتب نرماندی‌بود‌ودر کلیساهای وست‌مینیستر وسنت ماری دریورك (۲) وکلیسا های‌شهرلنکولن(۳) و دورهام (٤) وغیره‌دیده میشود . طرح دوم در کلیسا هـای زیر بکار برده شده .

ش ۱۷ کلیسای‌کلو نی گذشته از طبقهٔ قوسهای‌جناقی یك ردیف « تریفوریوم» و یك ردیف پنجره بالای نف‌اصلی‌دارد . قوسهای کلیسای کلو نی جناقی هستند .

کلیسای‌باتل‌آبی(٥)(۱۰۷۰ـ۱۰۷۱) وسنت اکوستن(٦)درشهر کانتور بری‌وکلیسای‌وینچستر(۷) وورسستر (۸)ونورویچ (۹) که بترتیب در سال های ۱۰۷۹ و۱۰۸٤ و۱۰۹٦ ساخته شده‌اند و آبه‌نشین‌کلوسستر(۱۰) (۱۰۸۹)وبوری‌سنت ادموند (۱۱) وتیو کسبوری (۱۲)که در اواخر قرن یازدهم ساخته شده‌اند .

کلیساهای‌انگلستان غالباً وسیعتر ازکلیساهای نرماندی هستند.مثلا نف‌کلیسای الی (۱۲) ۱۳ بند دارد .

داخل کلیسا های انگلستان شبیه بداخل

(1) Saxon (2) Sainte Marie d' York (3) Lincoln (4) Durham (5) Battle Abbey (6) Saint Augustin de Cantorbery (7) Cath.de Winchester (8) Worcester (9) Norwich (10) Gloucester (11) Bury St Edmunds (12) Tewkesbury (13) Ely
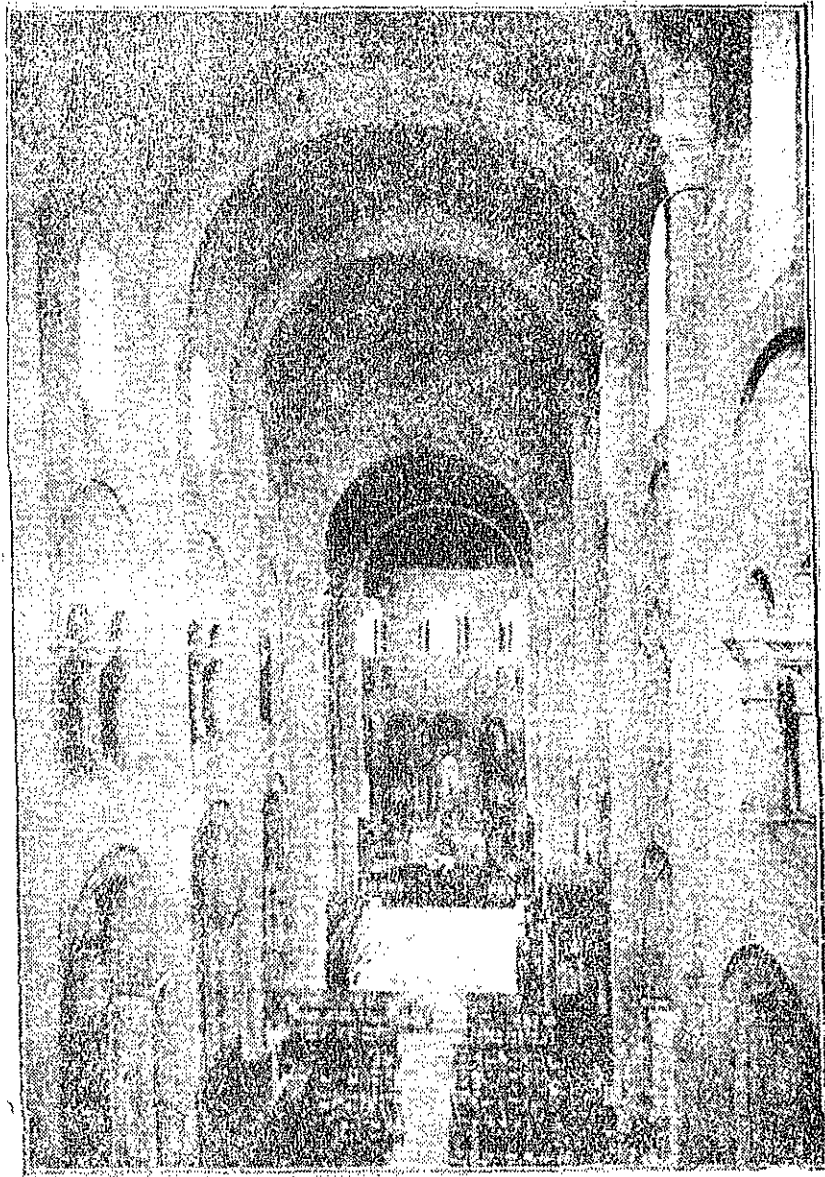
ش ۱۸-داخل کلیسای سنت اتین در شهر نور (قرن ۱۲): طاق گهواره‌ای شکل ـ هلال کامل با قوس مضاعف ـ در انتهای کلیسا محراب بدون « دآمبولاتوار » . روشنائی مستقیماً از پنجره های بالا داخل نف اصلی میشود . بهترین نمونهٔ سبك رمان در ناحیهٔ اورنی

کلیساهای نرماندی است باین ترتیب که بالای قوس پایه‌ها غرفه‌های طبقه اول و بالای آن پنجره‌ها هستند و جلوی پنجره‌ها محلی برای عبور از قسمت فوقانی کلیسا ها و سر کشی به قسمتهای مختلف آن یا پاك کردن پنجره‌ها و انجام تعمیرات دیده میشود (ش ۱۵).
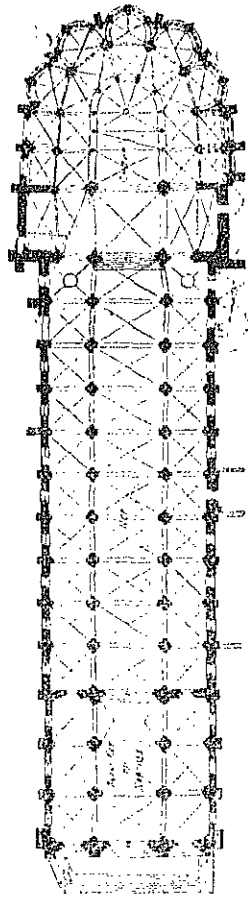
تناسب قسمت های مختلف نمای داخلی کلیسا های انگلستان ثابت نیست مثلاً گاهی ارتفاع قوسهای پایه ها با قوسهای غرفه های طبقه اول مساوی است ولی بعضی اوقات ارتفاع قوسهای پایه‌ها از غرفه بسیار زیادتر است. تناسب نوع اول که نظیرش در فرانسه در کلیسا های سنت اتین (۱) و سریزی لافوره (۲) دیده میشود در انگلستان مخصوص کلیسای اوك نشین وینچستر و (الی) و پتربوروغ (ش ۲۸) میباشد. نوع دوم که نظیرش در فرانسه در کلیسای ژومیژ (۳) (ش ۲۷) دیده میشود در انگستان مخصوص کلیسای دورهام (۱۰۹۳) میباشد: در این کلیسا بین پایه‌ها یاك درمیان ستون مدور قرار داده‌اند. بعلاوه این کلیسا اولین کلیسای انگلستان است که در آن نوار ازیف (٤) استعمال شده.

ش ۱۹ — طرح کلیسای مادلن درشهر وزله. نف اصلی و وجناحین ـ طاق ضربی ـ از بازو های کلیسا ببالا متعلق بدوره گتیك ـ سه بند از نف اصلی کلیسا مخصوص هشتی سر پوشیده برای مواقع بارانی است

اسپانیا و پرتقال

قبل از مطالعه صنعت رمان در اسپانیا و پرتقال باید در نظر گرفت که بعلت مجاورت با اسپانیای متصرفی مسلمانان سبك رمان در این کشور تحت نفوذ صنایع اسلامی قرار گرفته و خصوصیات خود را از دست داده است. صنعت حقیقی رمان در اسپانیا فقط در نواحی کوهستانی شمال آن کشور توانست مختصات خود را حفظ کند.

---

(1) St· Etienne de Caen (2) Cerisy – la - Forêt (3) Jumièges
(4) *Croisée d' ogives*
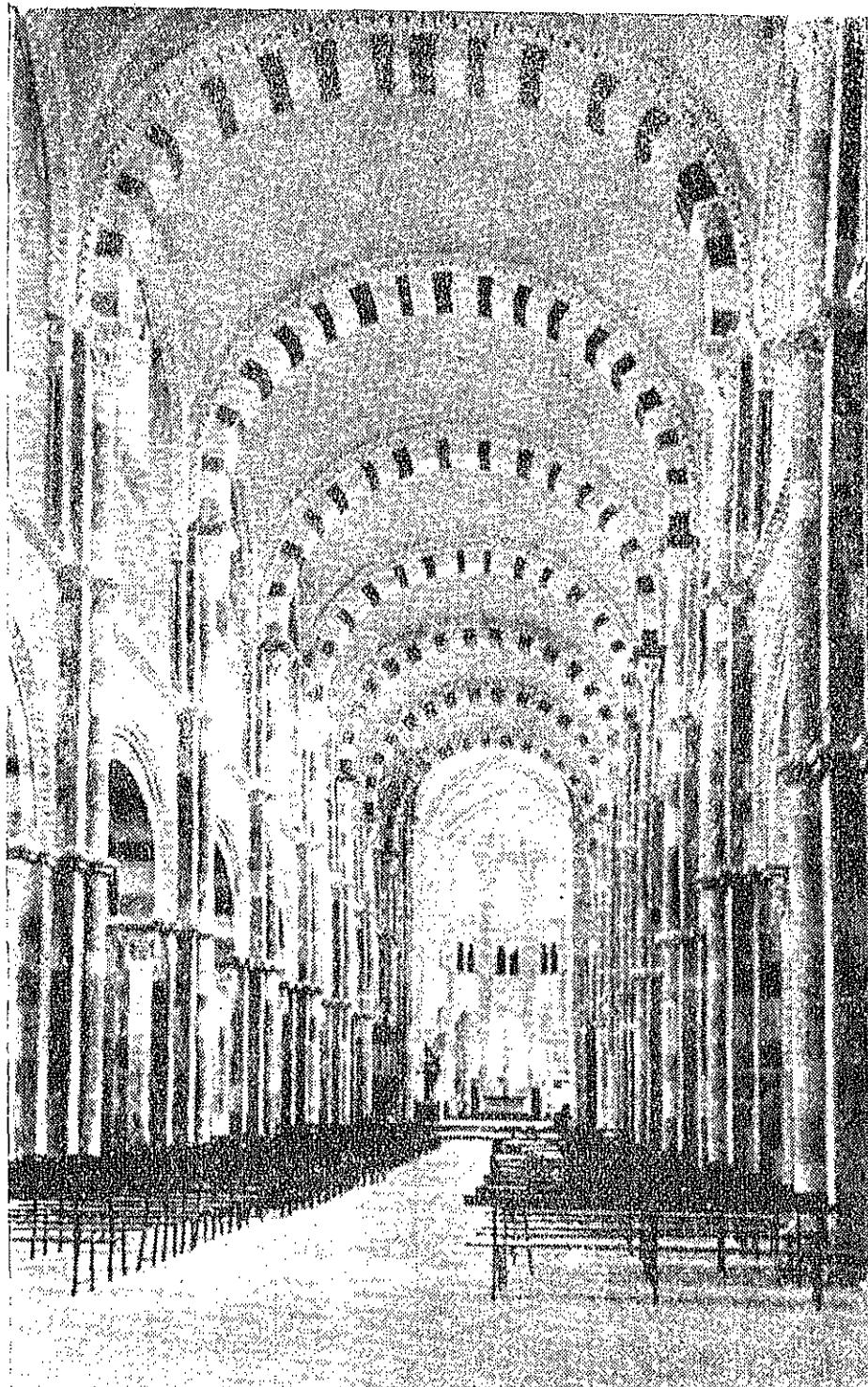
ش۲۰-نف مرکزی کلیسای وزله باطاقهای ضربی و قوسهای مضاعف رنگارنگ شبیه با بنیه اسلامی اسپانیا - روشنائی مستقیم از پنجره های نف اصلی . در انتهای نف اصلی محراب متعلق بدوره گتیک
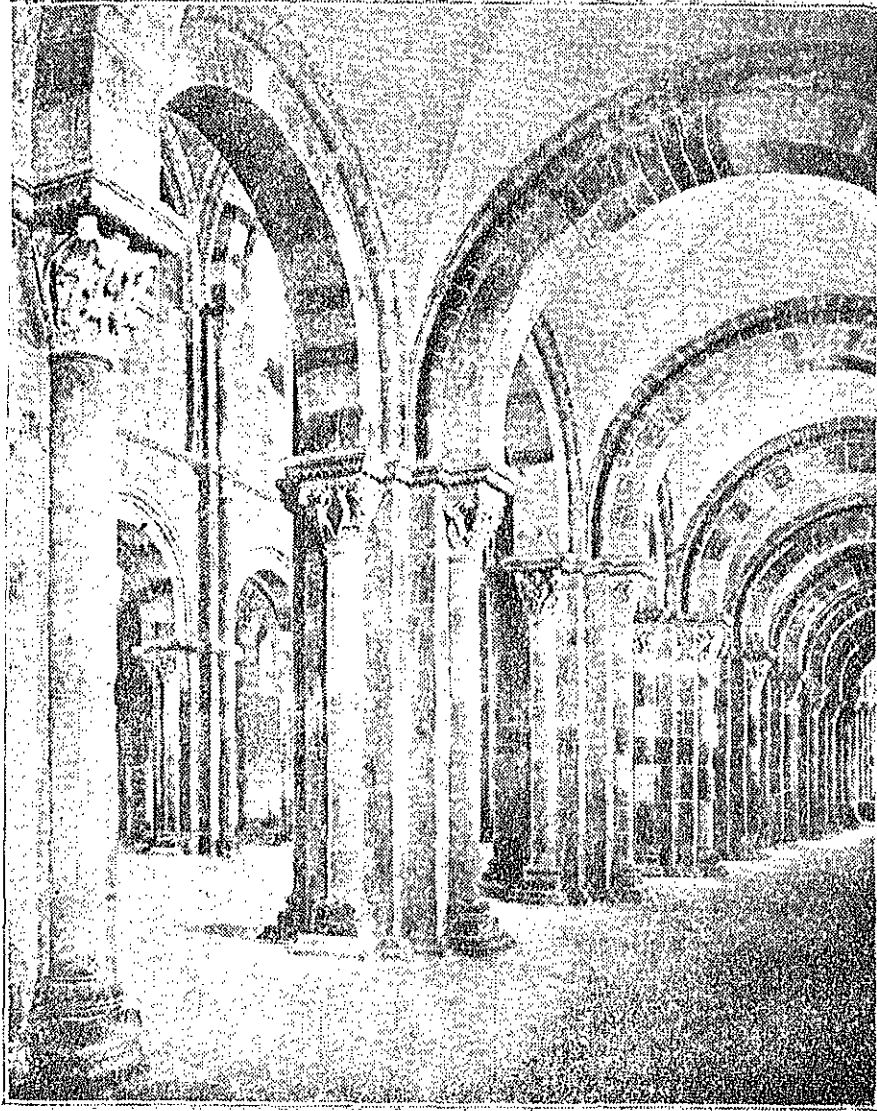
ش ۲۱ - یکی‌ازجناحین کلیسای وزله - که‌دارای طاق ضربی و قوسهای مضاعف است.

آثار نفوذ صنعت اسلامی در ابنیه مذهبی اسپانیای شمالی خصوصاً در سبك معروف به مستعرب(۱) دیده میشود و مهمترین این آثار عبارت از قوسی است شبیه به نعل اسب که در ابنیه قرطبه در آن زمان معمول بوده . نباید فراموش کرد که بعضی از موضوعهای تزئینی ابنیهٔ اسلامی بوسیله اسپانیا بفرانسه نیز انتقال داده شده است (شکل ۴۱)
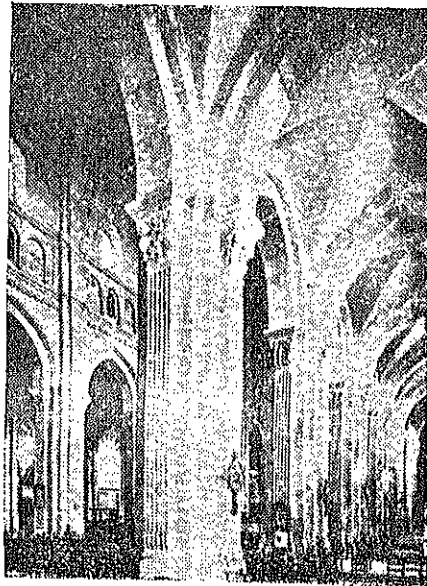
در کاتالونی (شمال اسپانیا) که در زمان شارلمانی جزئی از کشور فرانسه بود سبك اول رمان در حدود قرن دهم میلادی جای صنعت مستعرب را گرفت . در همین ناحیه سبك مکتب های رمان پس از سبك « اول رمان » معمول شد ولی در قسمتهای دیگر اسپانیای مسیحی در قرن ۱۱ و ۱۲ انقلاب صنعتی مخصوصی که منشاء آن کشور فرانسه بود بوجود آمد .

ش ۲۲ ــ کلیسای شهر اوتن(۲) در نف‌های جناحی طاق‌ضربی. در نف اصلی «تریفوریوم کور»- پنجره دز بالای تریفوریوم - روشنائی مستقیم در نف اصلی- روی پایه‌های صلیبی‌شکل جرزهای «ناودانك» دار و سرستونهای منقوش به موضوعهای تاریخی- تقلید از کلیسای شهر کلونی .

این انقلاب صنعتی با وقایع تاریخی نیز مطابقت دارد زیرا از ۱۰۱۸ تا اواسط قرن ۱۳ فرانسویها بعنوان جهاد بر ضد مسلمانان اسپانیا بآن کشور لشگر کشیدند و این لشکریان گذشته از سربازان و جنگجویان عده‌ای مبلغ و کشیش و سازندهٔ کلیسا همراه خود باسپانیا آوردند . مرکز حرکت این جهاد شهر کلونی بود و پس از اینکه قسمتی از خاك اسپانیای مسلمان بدست مسیحیان میافتاد عدهٔ زیادی از فرانسویان برای سکونت و آباد کردن در آن ناحیه از خاك فرانسه به اسپانیا مهاجرت میکردند .

---

(1) Art mozarabe (2)Autun

از کلونی (۱) دسته های مهمی از مجاهدین بسوی اسپانیا براه میافتادند و در هرشهری مدتی اقامت کرده بدعا وموعظه میپرداختند و بهجمع آوری افراد مجاهد و تهیه آذوقه وپول مشغول میشدند در نتیجه هرچه باسپانیا نزدیك می‌شدند بر تعداد آنها افزوده میشد ولی چون‌این صلیبی هامردم جنگجو وسرباز حقیقی نبودندمعمولا کار زیادی از پیش نمیبردند. ولی چون در مدت توقف خود بزیارت کلیساهای سن ژاك و کمپوستل (۲) (در اسپانیا)میرفتند رفته‌رفته‌سبك معماری کلیسا های این کشوراثری در ذهن آنان باقی میگذاشت. کلیساهائی که‌دراین زمان‌دراسپانیای شمالی ساخته میشد نظیرکلیساهای فرانسه خصوصاً کلیسا های نواحی
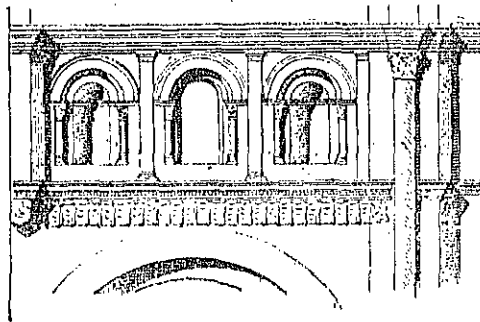
ش ۲۳ - جلوخان کلیسای سن پول تروآ شاتو (٤) در ناحیه پروآنس .

مجاور کلونی بود ومهمترین آنهاعبارت‌اند از سن‌ژاك دو کمپوستل (ش ۲۹) وسن ایذیدور دولئون (۳)و سن‌مارتن دو فرومیستا(٥) که شباهت‌بکلیساهای‌مرکزفرانسه دارد و کلیسای‌لوگو (٦) .

کلیسا های سنت تیرز (۷) سن‌لوران در شاگون (۸) و سنت آندره در سکوی(۹)و غیره‌برخلاف دسته فوق کاملا تحت نفوذصنایع اسلامی‌واقع‌شده‌اند .

در بین کلیساهای دوره رمان در پرتقال‌که اکثر آنها اساساً تعمیر شده بعنوان نمونه میتوان کلیسای کوامبر(۱۰) را نام برد که در بالای ناو جناحی غرفه‌های طبقه اول دارد .

مکتب‌رمان در ایطالیا

ایطالیا در دوره رمان به‌نواحی‌مختلف‌تقسیم شده بود : دریك قسمت از آن علاقه زیاد به آثار تمدن قدیم نشان می‌دادند

(1) Cluny (2) Saint Jacques de Compostelle (3) St. Isidore de Léon (4) Saint Paul Trois Châteaux (5) St. Martin de Fromista (6) Cath . de Lugo (7) St . Thyrse (8) St Laurent de Schagun (9) St André de Ségovie (10)Cath .de Coimbre

و برای ساختن کلیساهای خود طرح بازیلیك قدیم را بکار می بردند . بخش دیگری تحت نفوذ یونان قرار گرفته و شامل شهر و نیز (۱) و سن مارك (۲) و ایالات جنوبی ایطالیا بود . قسمت مهم این کشور نیز تحت تأثیر سبك اول رمان واقع شده بود و در آنجا نیز مانند کشور فرانسه در بعضی نواحی سبك اول رمان نتوانست کاملا نفوذ پیدا کند . گذشته از نواحی فوق الذکر چند مکتب نیز در دوره رمان ایجاد شد مانند مکتب لمباردی (۳) و مکتب توسکان (٤). از نقطه نظر دیگر کشور ایطالیا در دوره رمان به سه ناحیه بزرك تقسیم میشد. ایطالیای شمالی مرکزی جنوبی .
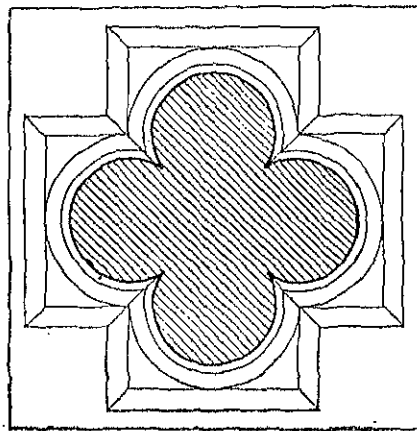
ش ٢٤ - طرح پایهٔ ستون بشکل گل چهار برك - کلیسای اولنه (٦) در ناحیهٔ اورنی

ایطالیای شمالی

سابقاً برای صنعت رمان در لمباردی اهمیت فوق العاده قائل میشدند و مدت حیات آنرا نیز بیش از اندازه حساب میکردند . پوچ کادافالك (٥) نویسنده مشهور اسپانیولی ابنیهٔ دورهٔ رمان ایطالیا را به دو دسته تقسیم میکند : دسته اول آنهائی هستند که با آجر یا قطعه سنگهای کوچك و نتراشیده ساخته شده اند. ودرقسمت فوقانی آنها ازخارج بنا طاقچه های کوچکی برای روشنائی تعبیه شده یا نوار طاقنما هائی که تحت عنوان (نوارلمبارد)شناخته میشود در خارج نمای بنا وجود دارد . آنچه سابقاً بنام صنعت لمبارد شناخته میشد و تصورمیکردند ابتدای مکتبهای صنعتی رمان است درحقیقت جزئی ازسبك بین المللی اول رمان میباشد که در لمباردی مانند سایر نواحی اروپا در قرن دهم میلادی معمول بوده است ، پس از آن در قرون ۱۱و۱۲ درلمباردی نیز مانند سایر نواحی اروپا مکتب مخصوصی ازصنعت رمان ایجاد شد. ابنیهٔ این مکتب دسته دوم را تشکیل میدهند ولی

(1) Venise (2) St-Marc (3) Lombardie (4) Toscane (5) Puigi Cadafalch (6) Aulney
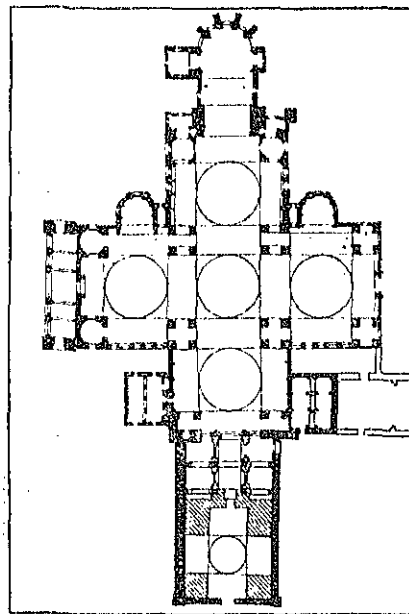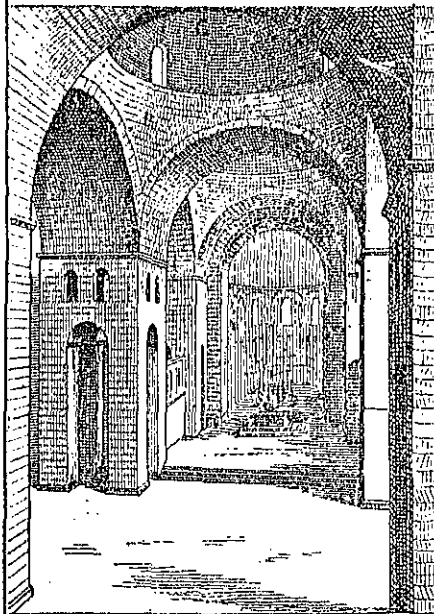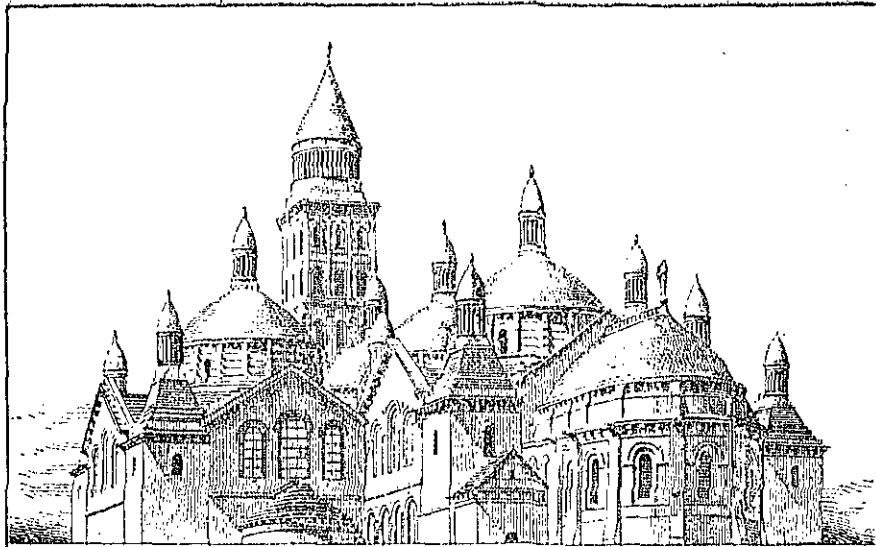
ش ۲۵ ـ طرح و داخل و خارج کلیسای پریگو ـ طاق گنبددار با گوشوارها که
در جنوب فرانسه معمول بوده است

ش ۲٦ ـ داخلِ کلیسای پر یکو

باید متوجه بود که در بعضی از کلیساهای شهر میلان و نواحی اطراف آن زودتر از سایر نقاط اروپا خصوصیات سبك اول رمان ظاهر شد و این خصوصیات عبارتند از :

طرح مرکب از سه نف موازی و بدون بازو و سه محراب درجهت نف ها و مصالح آجری یا سنك تراشیده و طاقچه در بالای دیوار محراب از طرف خارج برای روشنائی (محراب سنت آمبروآز در میلان (۱) و سن. ونسان دو پره (۲) درشهر آکلیات (۳)) وهمچنین نوار طاق نماهای کور درخارج بنا که مربوط بدوره های قدیمتر است و در ساختمانهای شهر راون (٤) بکار بکار برده شده . بنابراین عموماً چنین تصور میکنند که سبك اول رمان در ایطالیا بعلت روابط آن با بیزانس و با مشرق زمین زودتر از سایر نواحی اروپا ظاهر شده است .
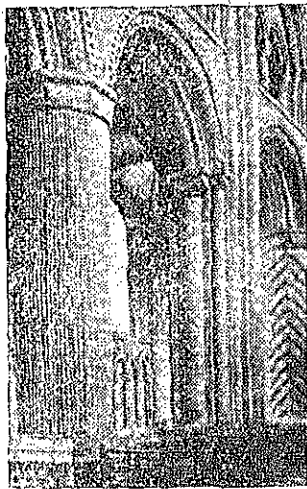
ش ۲۷ - کلیسای اوك نشین دوورهام (۵) در انگلستان

بهرحال موضوع تعیین تاریخ کلیساهای لمباردی هنوز کاملا روشن نشده و عموم باستان- شناسان راجع به قدمت بعضی از کلیساهای این ناحیه متفق‌الرأی نیستند .

ایطالیای مرکزی در ماوراء کوهای آپنن (٦) کلیساهائی ساخته شده بود که سبك معماری آن با سبك معماری کلیساهای شمال ایطالیا کاملا متفاوت بود. دراین سرزمین که یادگار صنایع دوره کلاسیك روم بود کلیساهای مکتب توسکان (۷) ازطرح بازیلیك سابق پیروی کرده برای تزئینات بنا نیز از ابنیه قدیم تقلید مینمودند .

مهمترین مراکز مکتب تسکان شهرهای فلورانس و پیز (۸) ولوك (۹) بودند . از ابنیه فلورانس فقط نمای خارجی کلیسای لابادیا دوفیزول (۱۰) و کلیسای سان مینیاتو- المونت (۱۱) و تعمیدگاه سن‌ژان (۱۲) باقیمانده است. کلیسای اوك نشین شهر پیز (۱۳) بنای

(1) St. Ambroise de Milan (2) St. Vincent du pré (3) Agliate
(4) Ravenne (5) *Durham* (6) *Apennins* (7) *Ecole toscane* (8) *Pise*
(9) Lucques (10) Labadia de Fiesole (11) San Miniato al Monte
(12) Le Baptistère St. Jean (13) Cath. de Pise

معظمی است که بسیار مورد تقلید واقع شده وچون شهر پیز با دریا رابطهٔ داشت سبك مکتب صنعتی آن در جزایر ساردنی (۱) و کرس (۲) و حتی ایطالیای جنوبی تاثیر کرد (ش۳۰).

طبیعی است که در شهر روم و نواحی مجاور آن کلیساهای دوره رمان بیش از سایر نقاط تحت تأثیر ابنیه کلاسیك واقع شد: خطوط افقی ازاره ها - بامهای کوتاه - ستونهای قدیمی - سرستونهای ایونی - سقف افقی - نیم کرهٔ محراب اصلی
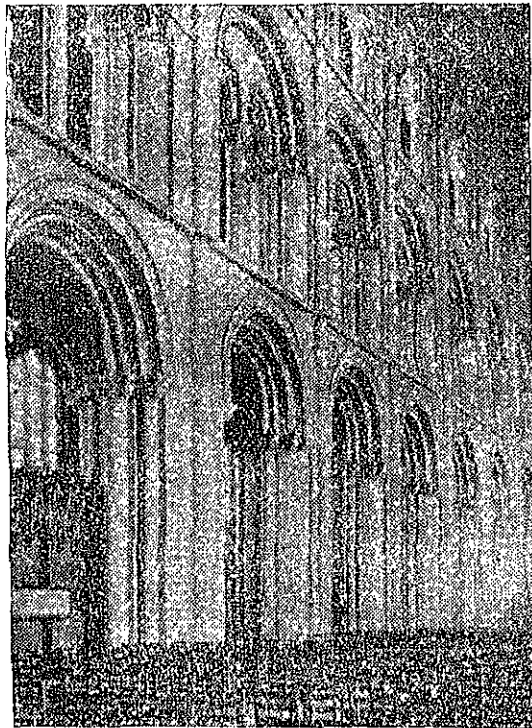
ش ۲۸ - کلیسای پتر بوروغ در انگلستان

وبالاخره معرق کاریهائی که در این کلیساها استعمال شده اندازیادگارهای روم قدیم میباشند. مهمترین نمونهٔ این قبیل ابنیه کلیسای سنت ماری در ترانستور (٤) میباشد که در بین سالهای ۱۱٤۰ تا ۱۱٤۸ ساخته شده.

---
(1) Sardaigne (2) Corse (3) Peterbrough (4) Ste Marie de Transtévère

ایطالیای جنوبی وسیسیل ایطالیای جنوبی وسیسیل دارای کلیساهای مختلف ومتنوع است این اختلاف وتنوع معلول تأثیر ونفوذ تمدن های مختلف ازقبیل تمدن بیزانسی ها(۱) ومسلمانان ونرمانها میباشد. کلیساهای گنبددار آن یادگاری ازصنعت بیزانس و قوسهای متقاطع نمونه ای از نفوذ صنعت محلی سیسیل میباشند و آبه نشین شهر ونوزا (۲) بادآمبولاتوار» ومحرابهای محیطشان دلیل بر آشنائی با صنعت فرانسه است .
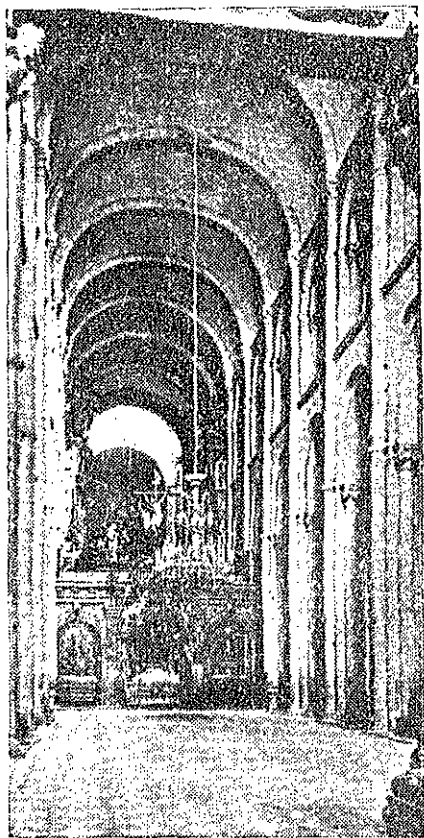
ش ۲۹ - کلیسای سن ژاك در کمپستل (اسپانی) (۸)

سیسیل درآنزمان چهارراه مهمی برای آمدورفت ملل بود و تمدن اسلام و بیزانس و تمدن محلی بدست سلاطین نرمـاند باهم مخـلوط شده سبك صنعتی مخصوصی دراین جزیره ایجاد نمودند . مهمترین ابنیه سیسیل درشهرهای پالرم(۳) ومنرال (٤) و سفالو (٥) دیده میشوند .

مکتب رمان در آلمان رودخانه رن (٦) آخرین حدشرقی امپراطوری روم بود. وقتی مذهب مسیح در این کشور رسمیت یافت پایتخت قدیم این ایـالت رومی یعنی شهر مایانس (۷) مرکز اقامت مقام روحانی در این ناحیه شد ومدتی نیز دره رود رن مرکز کشور کارولنژیها بود. دردوره رمان نیز ناحیه دره رود رن مرکـز مهم فعالیت صنعتی شد .

ابتـدای تشکیل صنعت رمان در این ناحیه مقارن برقراری امپراطوری مقدس ژرمنی (۹) بود (۹٦۲) که از دریای شمال تا دریای آدریاتیك وسعت داشت .

(1) Art byzantin (2) Abbatiale de Venosa (3) Palerme (4) Montreal
(5) Cefalu (6) Rhin (7) Mayence (8) St-Jacques de Compostelle
(6) St Empire germanique

امپراطوری نامبرده ازطرف مغرب محدود بود ولی ازطرف مشرق حدودی نداشت و ژرمنها در ضمن اینکه مذهب مسیح را برای قبایل بت پرست میبردند آن نواحی را نیز تحت تصرف خود درمیآوردند. بنابراین واضح است که صنعت رمان در آلمان دارای وحدت کامل وروابط آن با ایطالیا که جزئی ازامپراطوری محسوب میشد بیش از سایر کشورها بود. بعلاوه نفوذ صنعت آلمان بطرف مشرق بیش ازتأثیرآن در مغرب بود. توسعه صنعت رمان درژرمانی خصوصاً ازدوره سلطنت اتون شروع شد. معروفترین
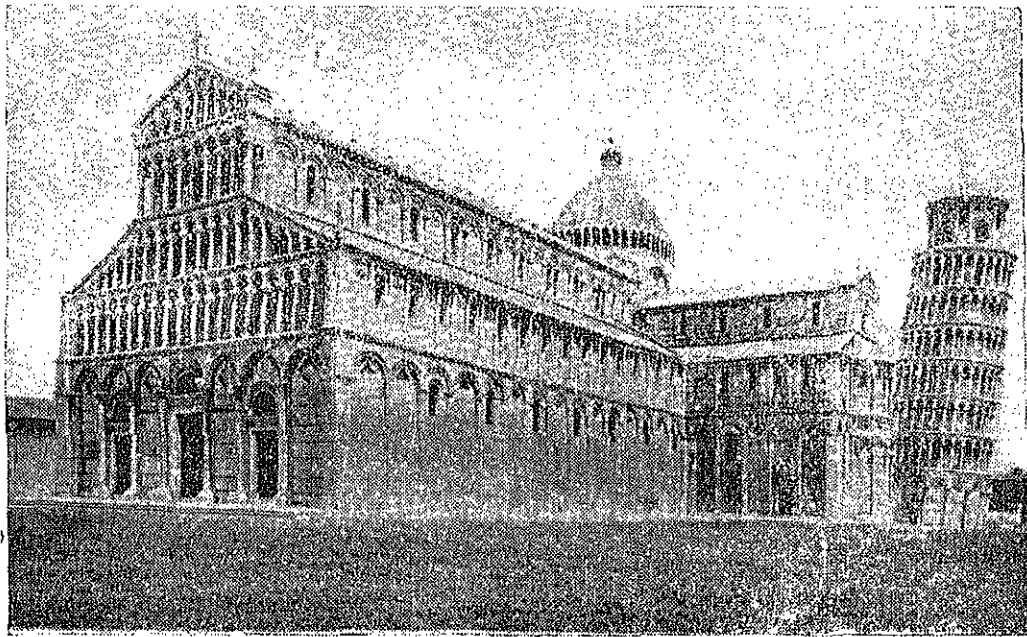
ش ۳۰ ـ کلیسای اوك نشین شهر پیز درایطالیا و برج برگشته (۱)

ابنیهٔ آن زمان آبه نشین لمبورك (۲) وکلیسای سپیر (۳) میباشند.

ازهمین تاریخ درداخل ایالاتی مانندایالت ساکس (٤) وفرانکونی (٥) وسواب (٦) وباویر (۷) مکتبهای صنعتی تشکیل گردیده است.

بهترین نمونهٔ کلیساهای دوره کارولنژی کلیساهائی است که طرح آن یا دایره شکل و یا تقلید از بازیلیك بود. طرح بازیلیکی در ابتدا منحصر بیك نف اصلی

(1) Cath. de Pise (2) Abbaye de Limbourg en Hardt (3) Cath. de Spire
(4) Saxe (5) Franconie (6) Souabe (7) Bavière

و دو نف جناحی بدون بازو بود و اطراف محراب مرکزی محرابهای فرعی وجود داشت .کلیساهای معروف این سبك عبارت اند از سن کرنلی(۱) نزدیك اکس لاشاپل(۲) (۸۱٤) وسن سوور درفرانکفورت (۳) (۸۵۲) . در آلمان در این دوره نوع دیگری از کلیسا معمول شد و آن کلیسائی است که در دوطرف آن دومحراب بجای یك محراب قرار دارد (کلیسای سن میشل وسن گدار درهیلدشیم (٤)) بعضی از کلیساها نیز دوجفت بازو دارند مانند کلیسای سن میشل درهیلدشیم .

ش ۳۱ - آبه نشین لاآش در آلمان (۵)

یکی دیگر از خصوصیات کلیسای آلمان این است که بندهای نف های جناحی مربع کامل است و بند نف اصلی دو برابر هر بند نف جناحی است . پایه های ضعیف و قوی وطاقهای ضربی نیز از خصوصیات کلیساهای این کشور است . دآمبولاتوار ومحرابهای اطراف بسیار بندرت در آلمان بکار برده شده است. کلیساهای ژرمنی در دوره رمان معمولا با سقف چوبی پوشیده شده و بین نف اصلی و نف های جناحی پایه های ضخیم مکعب شکلی قرار گرفته و بالای آنها قوسهائی از هلال کامل وجود داشته است. سرستونها معمولا بشکل مکعب (سن میشل درهیلدشیم)و بالای قوسها دیوار بکلی برهنه و

(1) Cornelis (2) Aix laChapelle (3) Saint Sauveur (4) Hildeshim
(5) Abbatiale de Laach
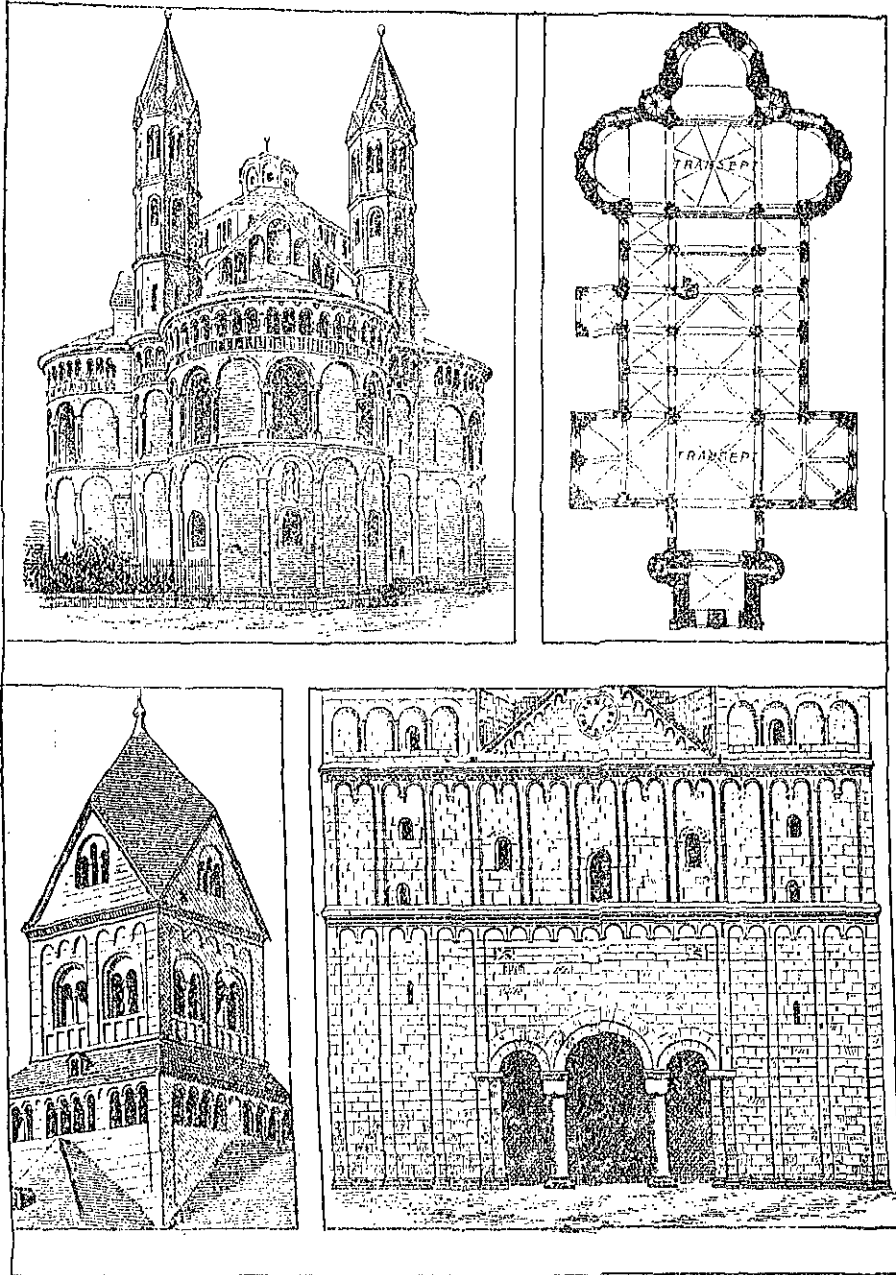
ش ۳۲ - سمت چپ و بالانمای خارجی وطرح داخلی کلیسای سنت آپتر در شهر کولونی- درخارج کلیسا طاقچه های یادگار سبك اول رمان- در طرح داخلی هر بند نف اصلی مطابق دو نف جناحین- وجود دو بازو- محرابها بطرح شندزی - در پائین عکس کلیساهای مارموتیه ولاآش با « نوارهای لمبارد » یادگار عهد سبك اول رمان - بهترین نمونه های ابنیهٔ مذهبی مغرب آلمان

و برای نقاشی بسیار مناسب میباشد . در بالای این دیوار برهنه پنجره ها قرار دارند .در کلیساهای ناحیه رنان درخارج محراب اصلی بالای دیوار طاقچه هائی مانند سبك اول رمان ساخته شده است(ش ۳۲) .

کلیساهای آلمان خصوصاً برجهای زیاد دارند . در طرفین سردر کلیسا معمولا دو برج است (ش۳۱) .کلیساهای آلمانی دربرابر تغییر اصول معماری خود بسیار مقاومت بخرج داده اند وهنگامیکه در فرانسه سبك صنعت گتیك اختراع شد مدتی گذشت و در آلمان همان سبك رمان را برای ساختمان کلیساها بکار بردند . فقط در اواسط قرن ۱۳ کلیساهای آلمان سبك گتیك را درابنیه خود معمول کردند .

مکتب رمان در هلند و بلژیك

ناحیه ای از اروپا که امروز هلند و بلژیك را تشکیل میدهد از نظر مذهبی جزو ناحیه کولونی (۱) بود . در دوره رمان گذشته ازسهم مهمی که صنعت ژرمانی در ساختمان ابنیه این ناحیه داشت در بعضی نقاط مانند کلیسای نتردام در شهر مستریش اثراتی از سبك معمول در شمال فرانسه و حتی نرماندی دیده میشود .
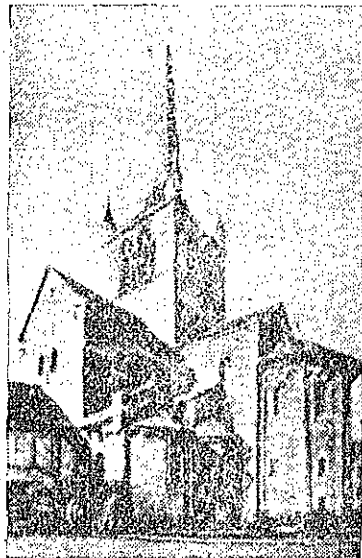
ش ۳۳ کلیسای پایرن (۳) در سویس - نف گهواره ای (مانند کلیسای کلونی) محرابهای فرعی در طرفین محراب اصلی - شباهت با کلیساهای ناحیهٔ بورگونی در فرانسه

معروفترین بنای مذهبی بلژیك کلیسای اوك نشین شهر تورنه (۲) میباشد . طرح این کلیسا بشکل خاج است و چهار برج ناقوس در چهار طرف محل تقاطع دو بازوی کلیسا ساخته شده . درداخل کلیسا قوسهای نف اصلی و غرفه های بالکانه و سه دهانه های بالای آن (تریفوریوم) بشکل هلال کامل است .

(1) Cologne (2) Tournai (3) Payerne

مکتب رمان در سویس

کشور سویس از قدیم چهارراه ملل بوده و اکثر جاده های مهم از آن عبور میکرده است . چون کشور سویس با فرانسه و آلمان و ایطالیا همسایه بود اثر صنعت این کشورها در دوره رمان در ابنیه مذهبی آن دیده میشود . از طرف دیگر کشور سویس وسیله انتقال سبکهای معمول در جنوب اروپا بشمال آن یعنی بطرف دره رود رن و بطرف مغرب آن یعنی بطرف رود دانوب شد .
ازسبك اول رمان چند کلیسا دردره های باصفای گریزون (۱) بیادگار مانده و
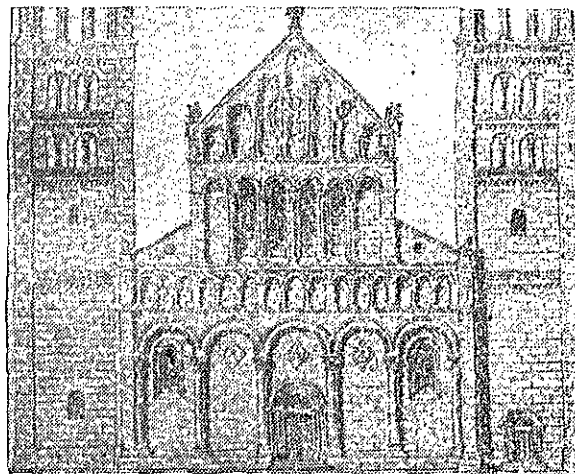
ش ٣٤ - کلیسای اوك نشین پك درمجارستان - درچهار طرف کلیسا چهار برج ناقوس (۲)

مهمترین آنها بازیلیك سن پیر درشهر موستای (۳) وسن ژان درشهر مونستر (٤) میباشند درشهرهای اسپیتز و آموشولدینگن (٥) نیز کلیساهائی ازسبك اول رمان دیده میشود ومحرابهای آنها ازخارج مانند بعضی کلیساهای سبك اول رمان درایطالیا دارای ردیف طاقچه های کوچك میباشند .

در بین ابنیهٔ سبك اول رمـان در سویس نام کلیسای رومن موتیه کـه در قرن یازدهم بدست روحـانیون وابسته به صومعه کلونی ساخته شده شهرت زیا دارد . این

(1) Grisons (2) Péc (3) Mustail (4) Münster (5) Spietz Amosoldingen

کلیسا سابقاً سه‌محرابی بوده و محل تقاطع بازوهای کلیسا با گنبد پوشیده شده‌بود و ساختمان آن به کلیساهای مربوط به صومعهٔ کلونی در مشرق فرانسه شباهت دارد .

کلیسای پایرن (۱) نیز مربوط به‌فرقهٔ صومعه‌نشینان کلونی است (شکل۳۳). نف این کلیسا با یك‌طاق گهواره‌ای‌شکل پوشیده‌شده‌ودرهرطرف محراب‌اصلی دو محراب کوچك فرعی وجود دارد . اصول ساختمانی آن به ساختمانهای همدوره خود در کشور فرانسه‌شبیه‌است . درکلیسای کراندسون‌نیز که نف اصلی‌بدون پنجرهٔ آنرا یك گهواره‌ای که‌فاقدقوس‌مضاعف‌است‌پوشانیده‌وروی‌نف‌های‌فرعی‌دو نیم گهواره‌قرار دارد آثار صنعت رمان‌فرانسه مشهود است . (مهمترین کلیسائی ازکشور سویس که تحت نفوذ سبك‌ژرمنی واقع شده‌باشد عبارت است از کلیسای شافهوز (۲) ۱۱۰٤ میلادی که ازروی کلیسای آلمانی هیرشائو تقلید شده .

ش۳٥ - کلیسای‌تیسمیس(٦) دربوهم - بازیلیك بدون بازو
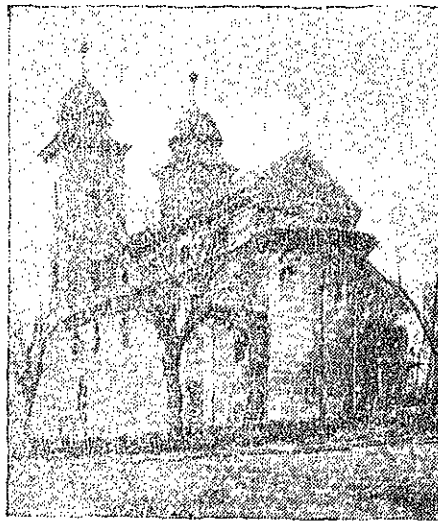
بین ابنیه ای که دردوره رمان و در کشور سویس از سبك ایطالیای شمالی تقلید شده کلیساهای زیر را میتوان نامبرد : کلیسای‌مورالتو (۳) نزدیك شهر لوکارنودارای سه‌محراب وفاقد بازو و درخارج کلیسانوارهای معروف به « نوار لمبارد» ـ کلیسای بیاسکا (٤)وکلیسای‌ژیرونیکو (٥) . در دامنه شمالی کوه های آلپ نیز نفوذ سبك ایطالیائی بسیار شدید بود و اثر آن درکلیساهای‌گروسمونستر در زوریخ (۷) و کلیسای اوك نشین شهر بسال دیده میشود . در حقیقت این ناحیه دربین راه ایطالیا به‌ژرمنی واقع بود و جای تعجب نیست که‌ابنیهٔ آن تحت

(1)Eglise de Payerne (2)Schaffhouse (3)Muralto (4)Biasca (5)Giornico
(6) N·D· de Tismice (7) Grossmünster de Zurich

نفوذ سبك ایطالیائی واقع‌شده باشد، دراین نواحی کوهستانی هنوز درقرن شانزدهم برج ناقوسهائی بسبك دوره رمان میساختند.

مکتب رمان در اطریش

وقتی سلاطین سلسله بابنسبرك (۱) درمسیروسطی رود دانوب مستقر شدند ومجارهارا درلشفلد (۲) شکست دادند از کشور اطریش چیزی جزیك سرزمین غارت شده باقی نمانده بود وسلاطین نامبرده ناچار عده‌ای ازآلمانها را به‌این سرزمین کوچ داده کشور اطریش‌را ایجاد کردند این کشور آلمانی نژاد بتدریج قدرت خود را از سمت شمال و جنوب بسط داده مجارستان را تهدید میکرد. اطریشیها در مسیر وسطی دانوب پائین رفته و در اواسط قرن ۱۲ بشهر وینه رسیدند و آنرا پایتخت خودقرار دادند.

ش ٣٦– یکی ازخانه‌های دورهٔ رمان درشهر کلونی
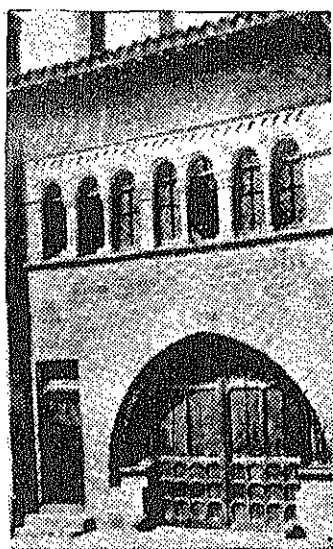
ایالات سرحدی جدید التاسیس اطریش تا ۱۱۰۰ میلادی رسما در اطاعت سلاطین باویر بود از نظر مذهبی نیز اطریش ایالتی از قدرت مذهبی باویر محسوب میشد ودراین کشور که تاسیس آن تااین‌اندازه نسبت به‌کشورهای‌مجاور بتأخیر افتاده بود ودرحقیقت چیزی جز یك ایالت سرحدی برای حفظ کشور آلمان نبود و در مهاجرت واشگرکشی‌ها اولین ضربت را میخورد تشکیل مکتب مخصوصی که نمایندهٔ تمدن‌متمایز آن باشدکار آسانی نبود وتا ۱۱۰۰ میلادی‌یعنی پیش ازانتخاب «آلتمان» بسمت رئیس مذهبی این ناحیه کلیساهای معتبری درآن ناحیه‌ساخته‌نشد. از طرف دیگر اطریش محل تلاقی دو تمدن ژرمن و ایطالیائی از راه تنگه معروف برنر (۳) بود.

کلیسای کاستر نوبورك نزدیك شهر وینه درتاریخ ۱۱۳٦ میلادی اتمام پذیرفت ولی دردوره‌های‌بعدبسیار تعمیر شده و ساختمان‌اولیه آن شباهت بکلیساهای‌سن‌میشل

(1) Babensberg (2) Lechfeld (3) Brenner

در شهر پاوی (۱) داشت . کلیسای قدیم اوك‌نشین شهر سالسبورك (۲) که امروز اثری از آن نمانده وفقط درکتاب ذکری از آن هست نیز از کلیساهای ایطالیا تقلید شده بود . درکلیسای سنت‌اتین در شهر وینه که درقرن ۱۳ ساخته‌شده هنوز تزئینات برجسته سبك رمان مشاهده میشود .

مکتب رمان در مجارستان

ملت مجار نیز که دیرتر ازسایرین موفق به تشکیل دولت مستقل شده بود در سال ۸۶۹ در اروپای مرکزی مستقر گردید و با قبول نمودن مذهب مسیح درزمره خانوادهٔ ملل اروپائی درآمد وتاریخ ابنیه مذهبی آن پیش از این زمان قابل توجه نیست بنابراین مسیحیان مجاری چاره‌ای جز این نداشتند که از ساختمانهای مذهبی ملل مجاور تقلید نمایند .

ش ۳۷- یکی از مینیاتورهای دورهٔ «رمان» — امپراطور اوتون سوم

ابتدا طرح بازیلیك سه محرابی بدون بازو وطاق هلالی که دردوره اول رمان معمول بود انتخاب شدسپس باین طرح معمولی مجار ها چهار برج در چهار گوشه کلیسا (کلیسای اوك نشین پك (۳) (ش ۳۴)) اضافه نمودند .

سبك رمان در کشور مجارستان فوق‌العاده توسعه یافت بطوریکه وقتی صومعه نشینهای سیسترسی (۴) سبك گتیك‌را بآن کشور آوردند درابتدامورد پسندواقع نشدو تامدتی معماران مجار سبك قدیم را با برج ناقوسها یشان ادامه دادند وبهمین ترتیب سبك حجاری مخصوصی‌را که درایطالیای شمالی اقتباس کرده بودند تااواخر قرن ۱۳ میلادی باوجود ترقیات مجسمه‌سازی گتیك ترك نکردند ونقوش هندسی و مصنوعی سازی رمان‌را برطبیعت سازی گتیك ترجیح دادند .

(1)Saint Michel de Pavie (2) Salsburg (8) Cath·de Pécs (4) Cisterciens

مکتب رمان در بوهم – اسلاوهای بوهم فقط در قرن نهم میلادی مذهب مسیح را پذیرفته و آنها هم ناچار از نمونه‌های معماری ملل مجاور اقتباس کردند، اکثر نمونه‌هائی
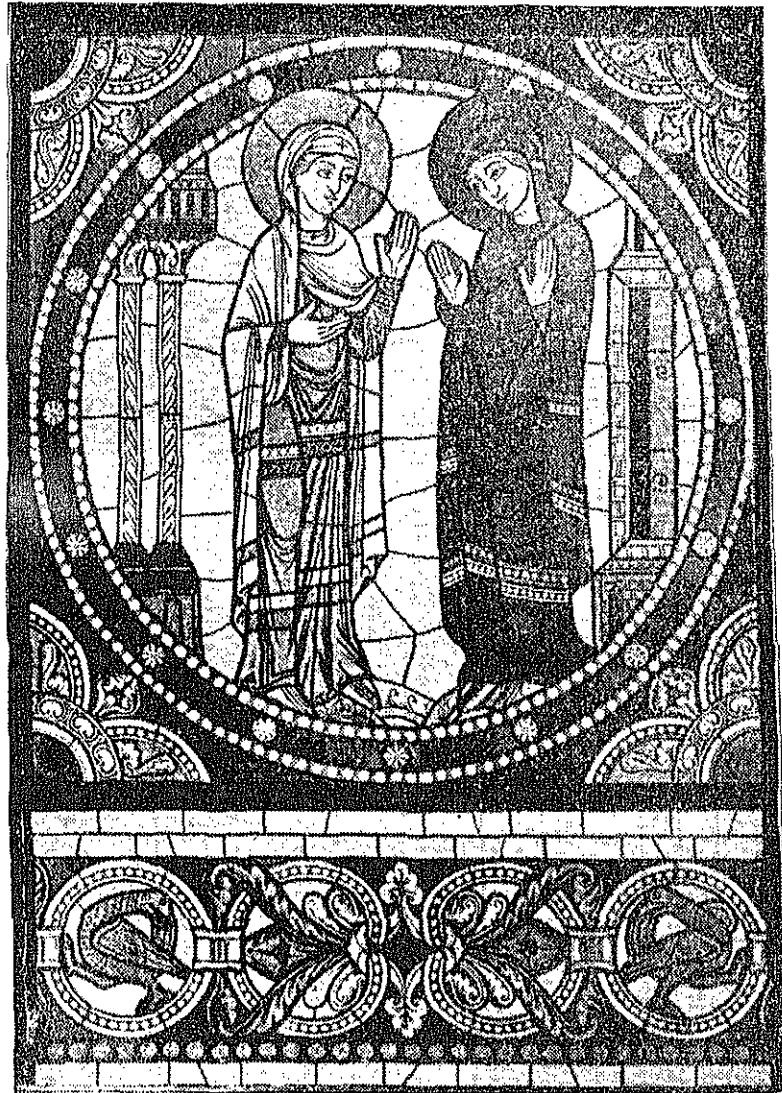
ش ۳۸ - یکی از پنجره‌های کلیساهای رمان باشیشه‌های رنگین . سبك نقاشیهای دیوار های بیزانس - حرکات خشك وقیافه های خالی از احساسات -در پائین عکس سیمرغ ساسانی - (از کلیسای اوك نشین شهر شارتر)

که برای تقلید اختیار کردند از نواحی آلمانی فرانکونی وباویر وساکس بود. بعلاوه
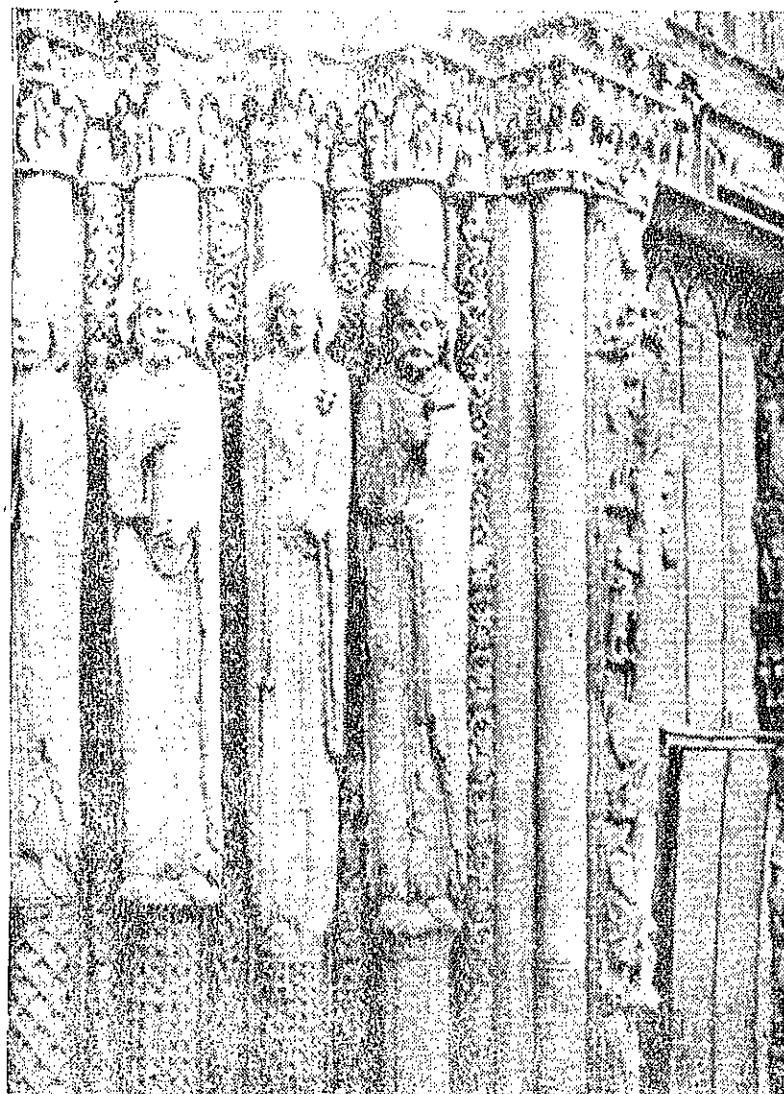
ش ۳۹ـ حاشیه کلیسای شارتر درجنوب پاریس - انتهای دوره رمان و ابتدای گتیک. قامت اشخاص تابع ستون شده وازاندازه معمولی خارج گشته ـ تبعیت حجاری از معماری عدم تقلید ازطبیعت ولی در عین حال درقیافه ها تجسم احساسات داخلی نمایان است

مرکز روحانی شهر پراگ تاتاریخ ١٣٤٤ میلادی از آرشوك نشین (١) شهر مایانس

(1) Archévêché

تبعیت میکرد . بنابر این طبیعی است که ابنیهٔ مذهبی سبك آلمان که در ناحیه دره رودرن معمول بود مورد تقلید مسیحیان بوهم واقع شده باشد . معروف ترین کلیساهائی که در بوهم بهسبك رمان ساخته شد عبارتاست ازکلیسای سن ژرژ در شهر پراگ وکلیسای نتردام درتیش میس (۱) (اواخر قرن ۱۲) که فاقد بازو میباشند وظاهراً ازابنیه آلمان جنوبی تقلیدشدهاند(ش۳۵)سبك رمان تااوایل قرن ۱۳میلادی در بوهم مانند سایر کشورهای اروپای مرکزی معمول بود .

مکتب رمان در لهستان

درلهستان ازدوره رمان ابنیه زیادی باقی نمانده واکثر آنها در دوره های بعدتعمیرشده وازصورتاولی خارج گشتهاست.
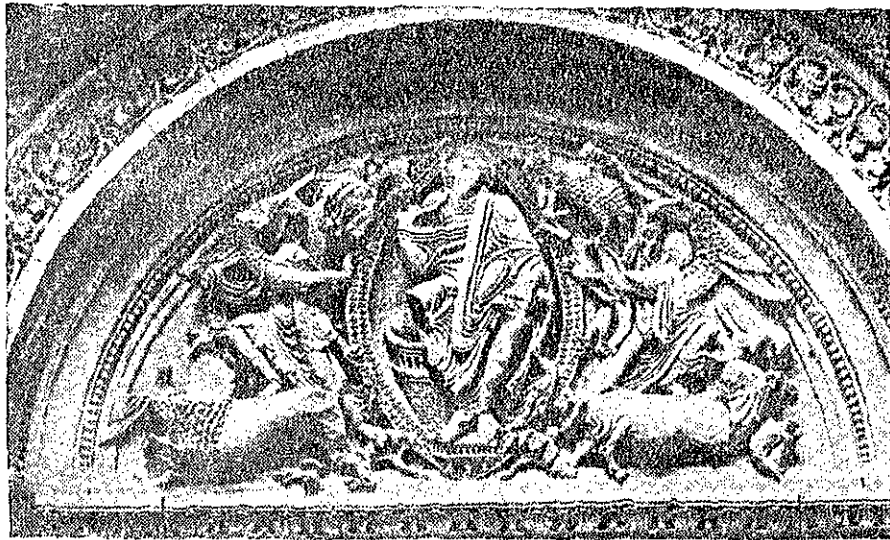
ش ٤٠ - پیشانی کلیسای شارلیو دربورگونی - مسیح وعلائم حورایون-سر حضرت مسیح درزمان انقلاب فرانسه شکسته شدهاست -مصنوعی سازی یاعدم تقلید از طبیعت - تبعیتحجاری ازمعماری

ازکلیسای اوك نشین و اول (۲) (۱۱۱۰ میلادی) فقط قسمتی از زیر زمین آن باقی مانده وبقیه کلیساهای آن دوره درلهستان عبارتاند از سنت آندره وسن ژان درشهر کراکووی(۳) وکلیساهای اوك نشین کنزن وبرسلاو وپلوك . اکثر کلیسای دوره رمان در لهستان تحتتأثیر شدید ابنیه مذهبی ژرمنی واقع شدهاند .

---

(1) Egl. N. D. de Tismice (2) Wawel (3) Cracovie

مکتب رمان در نروژ

کشور نروژ از ابتدای قرن یازدهم تحت تأثیر صنعتی انگلستان واقع شد و این تأثیر تا جزایر هبرید (۱) و آرکاد و شتلاند
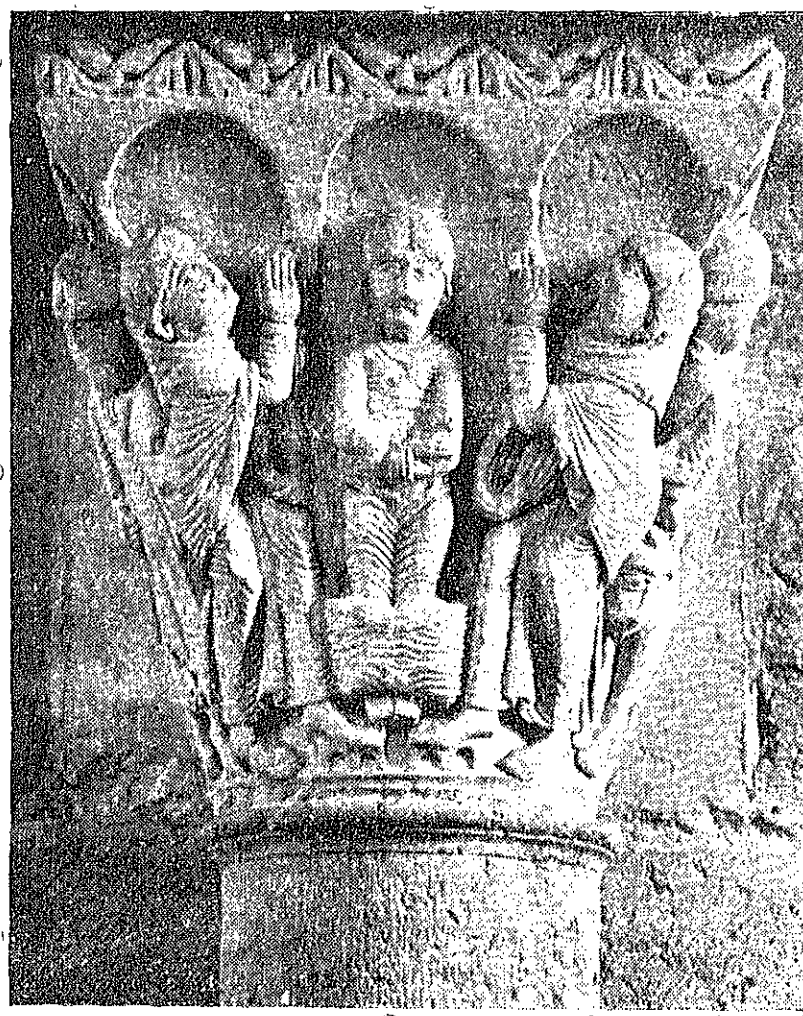
ش ۴۱ - یك سرستون از کلیسای وزله

وایرلند پیشرفت کرد (جزیره اخیر در اواسط قرن دوازده جزو کشور انگلستان شد). مرکز روحانی نروژ و دانمارك و جزایر در آشوك نشین شهر تروند هم (۲) بود.

---

(1) Les Hébrides (2) Trondjheim

بعلت نزدیکی نروژ با بریتانیای کبیر از نظر سیاسی وروحانی ابنیه مذهبی این کشور از ابنیه مذهبی انگلستان تقلید و تبعیت کردند و معروفترین ابنیهٔ آن عبارت انداز کلیسای اوك
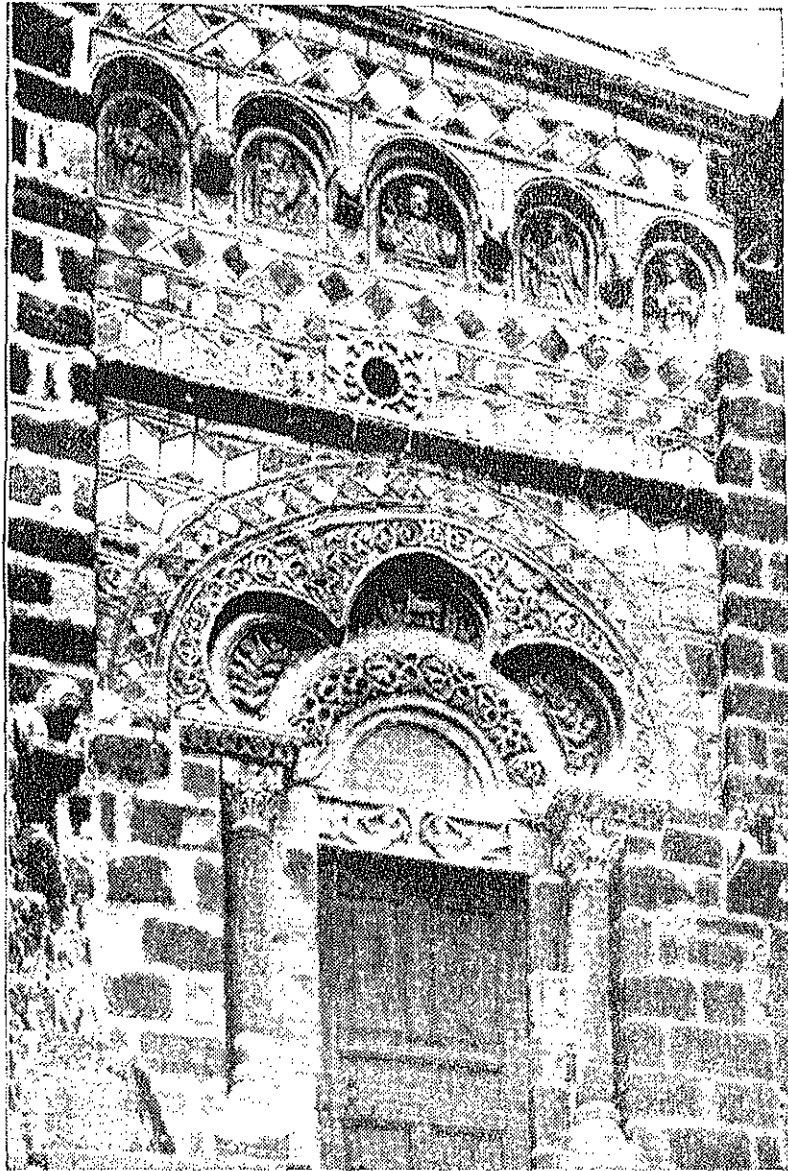
ص ٤٢ — سن میشل د گی درپوی (تقلید از ابنیه بیزانس و اسپانیا)
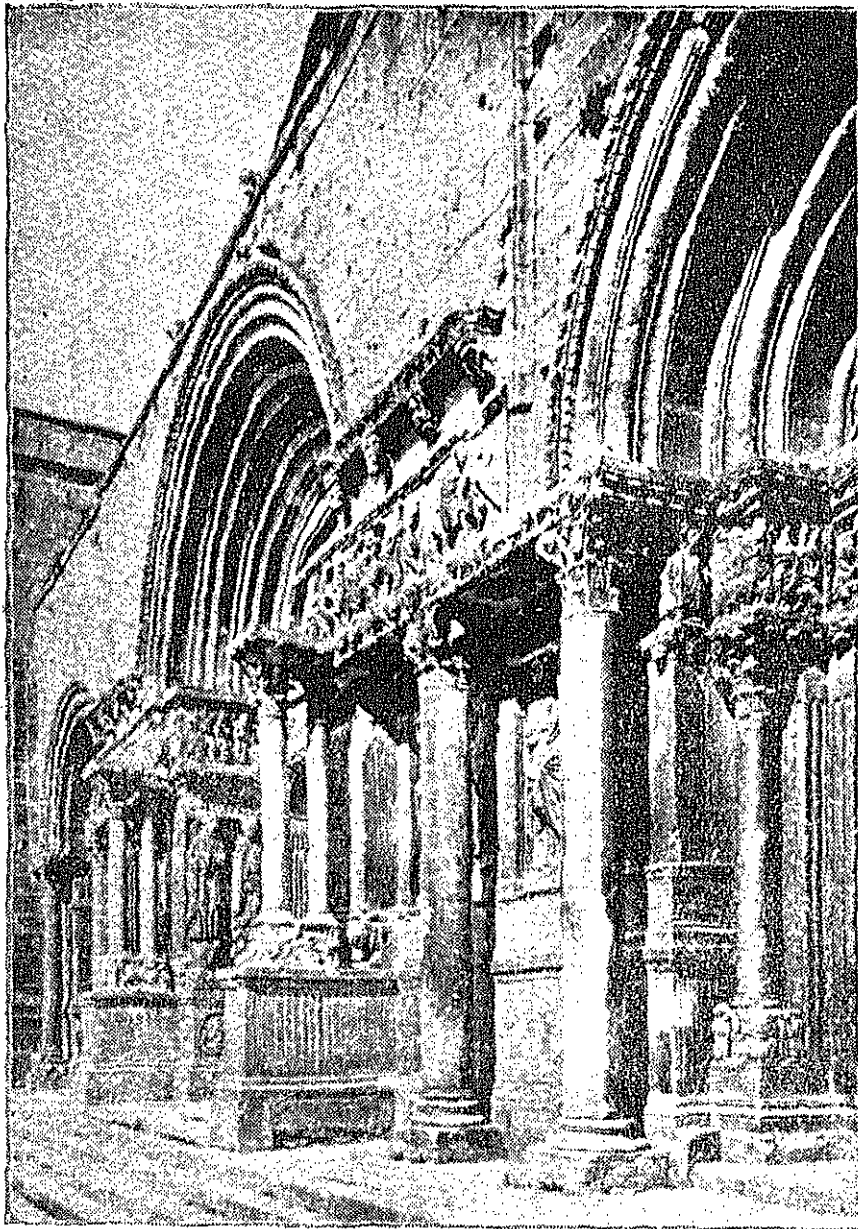
ش ٤٣ — کلیسای سن ژیل در گارد تقلید از ابنیهٔ قدیم روم

نشین تروندهیم (۱۱۵۷ - ۱۱۶۱) و کلیسای اوك نشین استاوانگر (۱) و نتردام در برگن

مکتب رمان درسوئد. در بعضی نقاط نروژنیز کلیساهای مخصوصی ازچوب ساخته شده .

مکتب رمان در سوئد

صنعت سوئد دردوره رمان جزو حوزه صنعتی آلمان بوده .
زیباترین بنای آن کلیسای اوك نشین شهر لوند (۲) است که در
۱۱۴۵ میلادی اتمام پذیرفته و نف آن درابتدا فاقدطاق هلالی بوده وازچهار بندمرکب
است که با ۸ بند هر کدام از نفهای طرفین مطابقت میکند و پایه های آن یك در میان
ستون است و نمای خارجی آن دو برج ناقوس دارو تمام این جزئیات خواص صنعت
رمان درآلمان میباشند . درجزیره گوتلند نیز تعداد زیای کلیساهای کوچك ازدوره
رمان باقیمانده .

بیت المقدس ـ شام ـ جزیره قبرس

در کلیساهائیکه بین ۱۰۹۹ و ۱۱۸۷ (تاریخ تصرف بیت المقدس
واز دست دادن آن) در بیت المقدس ساخته شده و آنهائیکه تا
۱۲۹۱ درشام برپاگردیده آثاری ازصنعت کشور سازنده آنها
یعنی بورکونی ولانکدوك (در فرانسه) دیده میشود . تقریباً تمام این کلیساها طاق
هلالی دارند وطرح آنها بازیلیکی است (غیر ازسن سپولکر در بیت المقدس) کلیسای
اسقف نشین شهر تورتوز (۳) بعلت نف بدون پنجره و طاق گهواره شکل جناقی و نف های
طرفین وطاق ضربی آن شبیه به ابنیه مذهبی بین رودخانه لوار (٤) و کوههای پیرینه
در فرانسه است ولی کلیسای سنت آن (۵) در بیت المقدس به ابنیهٔ مذهبی بورگونی
(در فرانسه) شباهت دارد . این مطلب راجع به کلیسای اوك نشین کازا (٦) و کلیسای
جزیره قبرس نیزصدق میکند .

خانه های دوره رمان وصومعه ها

خانه های دوره رومان بسیارساده ویك طبقه اند و تزئینات آن
منحصر بنمای خارجی آنهاست . معمولا درنمای خانه ودرقسمت
تحتانی آن یك درکوچك برای ورود به خانه و یك در بزرك
برای مغازه و کارگاه وجود دارد . درطبقه بالا یك ردیف پنجره است که در میان آنها
ستونهای کوچکی قرار گرفته وقسمت فوقانی آنها بشکل قوس هلال کامل است. ازاین قبیل

(1) Stavanger (2) Lund (3) Tortose (4) Loire (5) Sainte Anne (6) Gaza

خانه ها امروز درناحیه بورگونی درشهرکلونی وشهر بوم دیده میشود . (ش ۳٦)

تعداد صومعه ها دردوره رمان زیاد بوده و معمولا مرکب است از یك کلیسا و قسمتهای مختلف مربوط به زندگی مادی روحانیون ازقبیل طالارخواب وطالارغذاخوری وغیره و حیاط صومعه با ایوان ستون دار وغلام گردش آن (ش۱) . مجموع صومعه و کلیسا و ساختمانهای مربوط به آنرا آبه نشین مینامندکه تحت اختیار آبه (۱) اداره میشود . مهمترین آبه نشین ها آبه نشین کلونی است (۲) که مسکن ومرکز اصلی راهبین موسوم به فرقه بند یکتن میباشد (۳) فرقه دیگری که از نظر اهمیت بعد از بند یکتن ها است فرقه سیسترسین (٤) نام دارد . فرقه سیسترسین یا ژیتوها (۵) در تاریخ ۱۰۹۸ میلادی بدست سن برنارد تشکیل شد و بزودی قدرت زیاد پیداکرد و شعبه های آن در تمام نقاط دنیا تأسیس گردید . قوانین فرقه ژیتوها بسیار سخت بود و اعضاء آن با کمال سادگی وخشونت زندگی میکردند . ابنیهٔ مذهبی این فرقه فاقد هرگونه تزئینی بود واز این حیث با ابنیه مذهبی فرقه بندیکتن ها تفاوت زیاد داشت زیرا فرقه اخیر ابنیه مذهبی خود را بسیارتزئین مینمودند .

محراب های کلیساهای ژیتوها چهارگوش بود و محراب های اطراف آن در جهت محراب اصلی قرارداشت . طاق کلیساهای قدیم ژیتوها بشکل گهواره جناقی است وگاهی نیز طاق نف های جناقی آن بصورت گهواره های عرضی است (٦) (مانندکلیسای فونته نی درناحیه بورگونی) وگاهی طاق نفهای طرفین با یك نیم گهواره پوشیده شده است (کلیسای لئونسل (۷)) ولی دردوره گتیك عموم طاق های نف اصلی ونف طرفین کلیساهای ژیتوها دارای نوار ازیف خواهند شد .

مرکز اصلی فرقه ژیتوها ناحیهٔ بورگونی است و تمام شعبه های این فرقه که در سایر نقاط دنیا است کاملا ازروی ابنیهٔ شعبه مرکزی آن تقلید شده .

نقاشی و مینیاتورسازی

از نقاشی ومینیاتورسازی دوره رمان چیز زیادی برای ما باقی نمانده ولی از آنچه که باقی مانده چنین معلوم میشودکه نقاشی دوره رمان تحت نفوذ صنعت بیزانس قرارگرفته . در لمباردی

(1) Abbé (2) Abbaye de Cluny (3) Bénédictins (4) Cisterciens
(5) Giteaux (6) Berceaux transversaux (7) Leunsel

(شمال ایطالیا) نقاشی های دیواری بسیارزیبا ازاین دوره وجود دارد .

مینیاتور درزمان سلطنت اتون امپراطورژرمانی ترقی قابل توجه کرد (ش۳۷) ودرکتابهائی که دراین دوره نوشته میشد تصاویری از امپراطور و موضوع های دیگر نقش شده . درانگلستان نیز بعد ازفتح آن کشور بدست نرماند ها صنعت مینیاتورسازی رو بترقی گذاشت . درفرانسه وایطالیا واسپانیا نیزمینیاتورسازی در دوره رمان معمول بود وشکی نیست که این مینیاتورها تقلیدی از سبك مینیاتورسازی روم شرقی است : بیش از چند رنگ استعمال نمیشود . مثلا رنگ آبی لباس حضرت مریم با رنگ آبی آسمان یکی است وسایه وروشن وجود ندارد ـ حرکات اشخاص با عدم مهارت نقش شده ومانند این است که تمام اشخاص در مقابل نقاش نشسته‌اند تا تصویر آنها را نقاشی کند. رویهمرفته مینیاتورسازی درزمان رمان دارای همان خصوصیات مینیاتورسازی قدیم روم شرقی وایران است (شکل ۳۸)

حجاری و مجسمه‌سازی در دوره رمان

در اروپای غربی بعد از سقوط قدرت امپراطوری روم تقریباً تمام صنایع راه انحطاط پیش گرفته بعضی از آنها بکلی متروك گردیدند . دردوره رمان یعنی تقریباًهشت قرن بعد ازسقوط تمدن رم عده ای سعی کردند بعضی ازصنایع قدیم را مجدداً معمول کنند ولی باین امر موفق نشدند زیرا صنایع آنزمان بکلی فراموش شده بود فقط آثار آن هنوز باقی بود . مثلا برای ساختن سرستون یامجسمه هائی نظیرآنچه اززمان روم قدیم باقی مانده بود لازم بود که اشیاء نامبرده را سرمشق قرارداده از روی آن تقلید کنند ولی متأسفانه صنعت گران قابلی که بتوانندازعهده این تقلید برآیند وجود نداشت بنابرین صنایعی که دراین دوره در نتیجهٔ تقلیدصنایع قدیم ایجاد شد به پایهٔصنایع قدیم نرسید . یکی از صنایع قدیم که متروك شده بود مجسمه سازی بود . کافی است نقوش برجسته دورهٔ رمان را یکبار از نظر بگذرانیم تا متوجه این مطلب شویم که پس ازمجسمه‌های زیبائی که درقدیم ساخته شده بود نقوش برجستهٔ دوره رمان بسیارناچیزاند .

در جریان قرن یازدهم بعضی از صنعتگران سعی کردند سرستونها را به نقوش برجسته مزین نمایند وبرای این کار ابتدا نقشی درروی سنك مینگاشتند سپس اطراف

آنرا با قلم خالی میکردند بطوریکه نقوش برجستهٔ کم عمقی بدست‌میآمد . مهمترین نقوش برجستهٔ این زمان درکلیساهای سن بنین در شهر دیژون (۱) (۱۰۰۱ـ۱۰۱۷) میلادی وسن ژرمن دپره (۲) در پاریس (۹۹۰ـ۱۰۱٤) میلادی میباشند .

در اواخرقرن یازدهم صنعت سنگتراشان کمی ترقی کرد . درکلیسای کناك (۳) وسردر سن بنواسورلوار (٤) در بورکونی و در ناحیه لانکدوك مکتب هائی از سنگ تراشان تشکیل شد و شروع به تزئین پیشانی کلیساها نمودند و این تزئینات غالباً موضوع های گل و برگ مصنوعی یا آدمك های کوچك بدون تناسب بود و خصوصاًوقتی این صنعتگران میخواستند تصویرهای بزرگتری از انسان بوجودبیاورند عدم مهارت آنها بیشتر آشکارمیگردید .

صنعت حجاری جدیدالتأسیس درجریان قرن دوازهم تدریجاً تکمیل شد و در تمام فرانسه وکشورهای مجاورریشه دوانید ومکتب های محلی با خصوصیات متمایزی ایجادگردید و ازداخل‌کلیساها شروع شده و بخارج آن سرایت‌کرد وپیشانی سردر ولغاز آن وگاهی تمام نمای خارجی سردر را مزین نمود . چگونه صنعتگران رمان موفق شدند این صنعت فراموش شده را مجدداً احیاکنند ؟ ظاهراً حجاران این دوره موضوع های نقاشی و مینیاتورسازی و نقاشیهای دیواری و منبت‌کاریهای روی‌چوب و عاج وبرنزکه معمولا ازمشرق به اروپای غربی آورده شده بود وپارچه های شرقی و موزائیك وغیره رانمونهٔ کارخود قرارداده از آن تقلید مینمودند . بنابراین جای‌تعجب نیست‌که موضوع نقوش برجسته رمان انقدرمتنوع ورنگارنگ است .

موضوع قابل مطالعه طرزفکرحجاران این دوره وسبك زیباپرستی آنها است. اینطور بنظرمیرسدکه این حجاران باصنایع شرقی وصنعتگران مسیحی شام وبیزانس و مسلمانهای اسپانیا و افریقای شمالی آشنائی زیاد داشته و یاکارهای آنها را دیده بودند . سبك صنعت رومان خصوصاً سبك تزئینی است و حتی حیوانات و زیروح ها عموماً ازنظر جنبهٔ تزئینی نقش میشوند نه از نظر مطالعهٔ خود زیروح و با یك گل و

---

(1) St· Bénigne de Dijon (2) St· Germain des Près (3) Conques
(4)St. Benoit sur Loire

برك و يك نقش هندسی در يك رديف اند . اين خصوصيت ممتاز صنايع اسلامی است وازاين نظر مقايسهٔ آن با صنايع شرقی واسلامی قابل توجه است .

در اين سبك صنعتگر چندان علاقه به تقليد صحيح از طبيعت ندارد و اهميتی به ايجاد تناسب های درست نميدهد . مثلا برای تزئين حاشيهٔ عمودی سردرتصوير انسان را بلند و باريك كرده (ش ٣٩) بر خلاف آن برای تزئين حاشيهٔ افقی بالای در ناچار تصوير انسان را بی‌اندازه كوتاه ميكند (ش ٤٠) و تناسب حقيقی را درنظر نميگيرد بلكه مقصود اوفقط تزئين حاشيهٔ عمودی يا افقی سردر است . گذشته ازاين صنعتگر رمان اشخاص ياموجودات ذيروحی را باتصاويرخود خلق ميكندكه درخارج وجود ندارند ازقبيل حيوان های دو سر يا موجودات غريب و عجيب كه نظير آن در صنـايع ايران و بين‌النهرين وبين قبـايل سيت وغيره معمول بوده . صنعتگران دوره گتيك برعليه اين سبك قيام كردند وتقليد طبيعت را شيوهٔ كارخود قرار داده مصنوعی سازی را متروك نمودند .

درابتداصنعتگران رمان روی سرستونهای كليساها اشكالی ازقبيل دوشيريك سر ومرغی كه‌سرانسان دارديا حيوانی كه بدنش بدن‌شيروسرش سرانسان‌است‌وازاين‌قبيل موجودات غريب وعجيب وخارق‌العاده را نقش ميكردند . درتاريخ١١٢٤سن برنارد برضد اين نوع تزئينات اعتراض سخت كرد وصنعتگران آن زمان را به ترك اين‌سبك حجاری تشويق نمود . گذشته ازنقوش فوق‌الذكرموضوع های مذهبی عبارت بودند از: مسيح بين دو فرشته ـ آدم وحوا ـ قربانی حضرت ابراهيم ـ حضرت دانيال در چاه ـ رودخانه‌های بهشت ـ وغيره .بعدها موضوعهای‌ديگری‌ازقبيل‌موضوعهای انجيل وتورات و زندگی پيغمبران وغيره بآن اضافه شد .

درفرانسه‌مكتب‌های‌متعدی تشكيل‌شدند . مكتب‌لانكدوك يا بورگونی ـ درهٔ رون ـ اورنی ـ (١) ناحيه‌درهٔ رودخانه لوار ـ مكتب پروآنس ـ مكتب‌جنوب غربی ـ مكتب كاتالونی ـ دربعضی نواحی مانند نرماندی ـ برتانی ـ و شمال و مشرق فرانسه صنعت حجاری كمتر ترقی كرد .

(1) Auvergne

ناحیه ایل دوفرانس(۱) دیرتر از سایر نواحی دست بکار شد ولی نقوش برجسته کلیسای اسقف نشین شهر شارتر(۲) وسن دنی(۳) با آنکه ازدوره رمان هستند وطبق سبك رمان ساخته شده اند بااینحال مقدمه نقوش برجسته دوره گتیك محسوب میشوند و میتوان گفت حدفاصل بین رمان و گتیك اند (شکل ۳۸)

مکتب لانگدوك ـ شهر تولوز در قرن یازده و دوازه شهر آبادی بود و هنر وادبیات در آن بدرجه بلندی رسیده بود ودر کلیساهای سرسرنن (٤) وسنت اتین(٥) نقوش برجسته بسیار زیبائی ایجاد شد . زیباترین نقوش برجسته این مکتب نقوشی است که سر در کلیسای سن پیررا درشهر موآساك(٦) تزئین میکند . موضوع این نقوش عبارت است ازتصویر مسیح در روز قیامت .حضرت مسیح تاجی برسر گذارده وریش بلندی دارد و از سایراشخاص بزرگتر نقش شده . درروی تختی نشسته ـ اطراف او فرشتگان درپروازند ـ حواریون نیزهر کدام با علامت مخصوص خودشان حضور دارند . درحقیقت صنعتگر در این نقش بهیچوجه سعی نکرده از طبیعت تقلیدی کند و تصاویر او بقدری مصنوعی هستند که میتوان آنها را بمنزله یك نوع خطی بشمار آورد. موضوع این نقش دراینیه متعددی ازقبیل کلیسای سویاك(۷) وکاهور(۸) وبولیو(۹) و سن دنی تقلید شده . سبك مکتب تولوز و موآساك در نواحی مجاور خود تأثیرزیاد داشته است .

مکتب بورگنی و درهٔ رودرون ـ هنگامیکه در ناحیه لانگدوك نقوش برجستهٔ مهمی ایجاد شد در ناحیه بورگونی هنوز سنگتراشان مراحل اولیه صنعت خودرا طی مینمودند ولی در تاریخ ۱۱۲۵ میلادی در این ناحیه صنعت بترقیات قابل توجهی رسید و موضوعهای تازه‌ای اختراع شد (شکل۳۹)

در کلیسای اسقف نشین شهر اوتن وآبه نشین وزله و کلونی و سن بنین در شهر دیژون کارگاههای حجاری مهمی تاسیس شد و سبك مکتب بورگونی بوجود آمد . در روی پیشانی سر در کلیسای اوك نشین شهر اوتن نیز روز قیامت مجسم

(1)Ile de France (2)Chartres (3)Saint -Denis (4) St-Sernin de Toulouse
(5) St-Etienne (6) Moissac (7) Souillac (8) Cahors (9) Beaulieu

شده . درکلیسای و زله علاوه بر نقوش برجسته پیشانی درکه هم ازخارج وهم ازداخل تزئین شده سرستونهای بسیار زیبائی است که در روی آن موضوعهای مختلف نقش شده (شکل ٤٠) .

در کلیسای شهر کلونی نیـز نقوش برجسته بسیار زیبائی بـوده . از این نقوش فقط هشت سرستون باقی مانده و بقیه در زمان انقلاب فرانسه خراب شده است .

مکتب اورنی ـ خصوصیات این مکتب این است که در داخل کلیسا سرستونهای حجاری شده با موضوعـهای تاریخی زیاد دیده میشود : نتردام دوپور(١) . درشهـر کلرمون (٢) سن‌نکتر(٣)(ش١١)ایسوار(٤) اورسیوال (٥)نتردام دوپوی(٦).دراین کلیساها علاوه برسرستونهای سبك قدیم روم سرستونهای مصور به موضوعهای تاریخی ومذهبی نیززیاداست . ولی درناحیه اورنی درخارج کلیساتزئینات زیاد وجود ندارد : درکلیسای سن فوادوکونك (٧) کـه در مجاورت اورنی واقع است هم در داخـل کلیسا و هم در خـارج آن نقوش برجسته وجـود دارد و روز قیامتی کـه در روی پیشانی‌سردر آن ساخته‌شده بسیار معروف است .

مکتب ناحیهٔ رودخانه لوآر ـ بین ایالات بوربونه(٨) وتورن(٩) دردره‌های رودهای آلیه(١٠)وشر(١١)واندر(١٢)وکرویز(١٣)دووین(١٤)نظر به نرم‌بودن‌سنگهای این ناحیه مکتب حجاری بسیار ظریفی ایجاد شد و سهولت تراشیدن سنگ باعث‌شد کـه سنگ تراشان طبق سلیقه خود بیشتر بتزئینات و ریزه کاریها پرداخته عـلاقه زیاد بایجاد موضوعهای مذهبی نشان ندادند ودرنقوش‌برجسته این‌کلیساها پرندگان و حیوانات مصنوعی وبالدار وغیره شبیه بحیوانات مصنوعی و خارق‌العادهٔ مشرق‌زمین زیاد دیده میشود .

مکتب جنوب‌غربی ـ درنواحی پواتو (١٥)وآنگوموآ(١٦) وسنتنژ(١٧)نیز نقوش برجسته فراوان دیده میشوند دراین‌ناحیه برخلاف ناحیه فوق‌الذکرموضوعهای

---

(1) N. D. du Port (2) Clermont (3) St Nectaire (4) Issoire (5) Orcival (6) N. D. du Puy (7) Ste Foy de Conques (8) Bourbonnais (9) Touraine (10) Allier (11) Cher (12) Indre (13) Creuse (14) Vienne (15) Poitou (16) Angoummois (17) Saintonge

مذهبی واخلاقی مورد توجه مخصوص صنعتگران بوده .کلیساهای این ناحیه معمولا فاقد پیشانی سردر میباشند ولی درلغازهای سردر حجاریها و ویژه کاریهای بسیار زیبا وجود دارد که موضوع آن گل برگها و نقوش هندسی است وگاهی نقش انسان نیز در بین آنها دیده میشود .

سردر نتردام لاگراند در شهر پوآتیه(۱) بهترین نمونه حجاری‌های این ناحیه است. در داخل ابنیه مذهبی این ناحیه نیز سرستونهای مصور به نقوش برجسته بسیار زیبا دیده میشود .

مکتب پروانس ـ ابنیه مذهبی ناحیه پروانس سرستونهای بسیار زیبا دارند . درساختمانهای این ناحیه بعلت مجاورت باایطالیاازابنیه قدیم روم تقلید بسیار شده است و کلیسای سن ژیل دوگارد (۲) (شکل ۴۳) یکی از بهترین نمونه‌های آن است . هنوز در ناحیه پروانس ـ در شهرهای نیم(۳) و آوینیون(۴) آثار زیاد ازابنیه قدیم روم موجود است اهالی این ناحیه با ایطالیای شمالی روابط زیاد داشتند .

فلسطین و شام ـ در فلسطین و شام در کلیساهائیکه هنگام جنگهای صلیبی ساخته شد مانند سن سپولکر(۵) در بیت المقدس آثار دست سنگ تراشان پروانس مشهود است .

شمال اسپانیا ـ در شمال اسپانیا در قرن یازدهم کارگاههائی از سنگ تراشان تشکیل شد و در این کارگاهها با وجود تأثیریکه صنایع اسلامی اسپانیا در کار صنعتگران داشت تقلید زیاد از سنگ تراشان نواحی مختلف فرانسه نیز میشد وسرمشق‌های این صنعت گران نقوش برجسته ابنیه مذهبی شهرهای تولوز ـ وموآساك و شارتر بوده‌اند .

سایر کشورهای اروپا ـ درکشور ایطالیا در دوره رمان طبیعة سنگتراشان از ابنیه قدیم روم که در آن کشور باقی مانده بود تقلید کردند و یك نوع صنعت جدیدی ایجاد نمودند ـ در کشور آلمان و هلند و سویس نیزکم و بیش بایجاد

(1) Poitiers (2) St Gilles du Gard (3) Nimes (4) Avignon (5) Saint Sépulcre

نقوش برجستهٔ مناسبی موفق شدند ولی گذشته از ایطالیا که بعلت یادگار مجسمه‌های قدیم روم کار سنگتراشی منجر بایجاد شاهکارهای کلاسیك در قرن ۱٤ و ۱۵ گردید در بقیه کشورها صنعت حجاری ترقی زیاد نکرد ولی در کشور فرانسه زودتر از سایر نواحی اروپا صنعتگران موفق شدند مجسمه‌ها را از قنداقهایشان بیرون آورده به دست و پا و قیافهٔ آنها حرکت و احساساتی بدهند و چنانکه خواهیم دید اکثر مجسمه‌هائیکه در قرن ۱۳ و ۱٤ در فرانسه ساخته شد چیزی از مجسمه‌های قدیم روم و حتی یونان کم نداشت و مجسمه‌ها ونقوش برجسته‌ای که درفرانسه در دورهٔ رمان ساخته شد با اینکه بخودی خود از نظر صنعتی چیز قابل ملاحظه‌ای نبود ونواقص زیاد داشت ولی از نظر اینکه مقدمهٔ تشکیل مجسمه سازی گتیك بود مطالعه آن خالی از فایده نیست و ما از همین لحاظ بذکر آن پرداختیم .
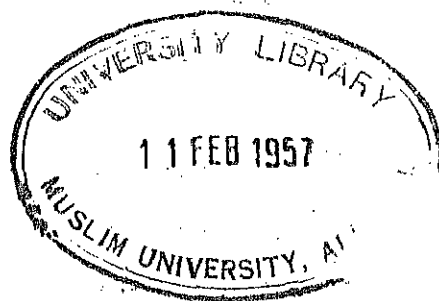
صنعت گتیك (۱)

تعریف - سبك صنعتی گتیك در كشور فرانسه در اواخر قرن ۱۲ میلادی بوجود آمد و در تمام دورهٔ قرون وسطی تا اواسط قرن ۱۶ دراروپا معمول بود .

اصطلاح گتیك در قرن ۱۶ میلادی معمول شد و منظور اصلی اشخاصی که این اصطلاح را ایجاد کردند تحقیر صنعت نامبرده بود زیرا مردم آن زمان که بعد از ۱۰ قرن مجدداً در نتیجه تحقیقات باستان شناسی با باقیماندهٔ ابنیه روم قدیم آشنائی پیدا کرده و فریفتهٔ آن شده بودند ، چنین تصور نمودند که صنعتی که ازقرن ۱۲ تا ۱۶ در قسمت مهمی از اروپا معمول گردیده بود متعلق باقوام نیمه متمدن « گت‌ها » است . اخیراً بعضی از نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که سبك نامبرده را « سبك صنعتی فرانسه » بنامند ، ولی این اصطلاح صحیح نیست ، زیرا مفهوم آن محدود است و مانند این است که بگوئیم ملت فرانسه فقط در قرون وسطی دارای سبك صنعتی مخصوصی بوده و صنایعی که در دوره‌های بعد از قرون وسطی در کشور فرانسه معمول شده متعلق بملت فرانسه نیست . باید متوجه این‌مطلب بود که صنعتی‌را که ما اکنون « گتیك » مینامیم در همان دوره های قدیم یعنی در قرون وسطی تحت عنوان سبك فرانسه (۲) شناخته میشد .

نظر باینکه امروز کسی از بکار بردن اصطلاح « سبك گتیك » قصد تحقیر ندارد و این سبك رسماً تحت این عنوان بعموم مردم معرفی شده چنین بنظر میرسد که تغییر نام مزبور لزوم ندارد و نویسندگان عصر حاضرهم برای تعیین صنایع مربوط به « گت ها » دو اصطلاح « صنعت گت ها » (۳) و « صنعت باربار ها » (٤) را بکار میبرند .

---

(1) Art gothique (2) Opus francigenum (3) Art des Goths (4) Art des barbares

ابنیه مذهبی گتیك در کشور فرانسه در تمـام دورهٔ قرون وسطی صنعت معماری و خصوصاً صنعت معماری مـذهبی برسایر صنایع از قبیل پیکر سازی و نقاشی حکمفرما بود باین معنی که مجسمه را برای نشان دادن زیبائی آن نمیساختند بلکه برای این میساختند که قسمتی از نمای خارجی یا داخلی کلیسا را مزین نماید . در تمام قرون وسطی دیده نشد که مانند زمان یونان و روم قدیم یا مانند عصر جدید مجسمه ای ساخته درمیان میدان یا باغ عمومی قرار دهند بلکه برعکس همیشه وجود یك مجسمه بیك ساختمان بستگی داشت و ممکن نبود مجزی از آن ساخته شود .

خصوصیات ابنیهٔ گتیك بقرار زیر است :

۱ـ استعمال طاق در روی نوارهای « ازیف » (۱) .

۲ـ عمومیت دادن قوس جناقی (یا شکسته یا گلابی)(۲) بجای قوس هلالی (۳) که در دورهٔ رمان معمول بود .

۳ـ استعمال « آرك بوتان » (٤) (برای این کلمه اصطلاح فارسی غیر ازقوس اتکاء بنظر ما نرسید)

٤ـ اختراع اشکال جدید برای تزئین ابنیه .

ممکن است تمام این شرایط دریکجا جمع نباشند . مثلا ابنیه‌ای از سبك گتیك وجود دارند که فاقد طاق میباشند (بجای طاق سقف افقی در این ابنیه بکار برده شده) بعلاوه تمام این خصوصیات در یك موقع بوجود نیامده اند بلکه مدت زمانی معـماران در جستجوی راهـهای جـدیدی بوده متدرجاً بتکمیل فن خـود و اختراع روشهای تازه موفق گردیدند . این فورمولهای جدید کم کم بسایر نقاط نفوذ کرد و در همه‌جا معمول شد . اصول سبك گتیك در نقاطی که اختراع شد زودتر از نقاطیکه درآنها نفوذ پیدا کرد بـکار برده شد . در هرحال سبك گتیك از ابتدا تـا انتهای حیات خود دائماً درتغییر و تکمیل بود و بندرت معماران گتیك برای ساختن بنای خود بتمام معنی ازابنیه‌ای که پیش ازآنها ساخته شده تقلید کرده اند بلکه هر معمار و هر صنعتگر

(1) Croisée d' ogives (2) Arc brisé (3) Arc en plein cintre (4) Arc buttant

چیزی بر تجربیات پیشینیان خود افزوده است .

نوار اژیف ـ عضو مهم ابنیهٔ گتیك نوار «اژیف» است و طاق کلیسای این سبك کاملا بستگی بآن دارد . « اوژیف » طاق هر بند نف کلیسا را بچهار مثلث منحنی تقسیم میکند و هریك از این چهارمثلث از یکدیگر مجزی و مستقل است بطوریکه خراب شدن یکی از آنها باعث خراب شدن سایر مثلث‌ها نمیشود .

نوارهای « اژیف » بشکل علامت ضرب یکدیگر را در محل « کلید قوس » قطع میکنند واز دو طرفی که در جهت طول گهواره واقع است بقوس مضاعف محدود میگردند و از دو طرف دیگر که در جهت عرض گهواره واقع است بدو قوس «طرفی»(۱) دربالای پنجره‌ها منتهی میشود تمام سنگهای تراشیده‌ای که چنین طاقیرا تشکیل میدهند باخط قلهٔ طاق جناقی موازی هستند و سنگینی عمودی آنها مبدل بفشار متمایلی میگردد که بگوشهٔ پائین مثلث منحنی وارد میآید و از آنجا برروی ستونها منتقل میگردد . بنابراین در زیر قوس « طرفی » هیچ فشاری وارد نمیآید و این امر باعث میشود که بتوان دیوارهای طرفی نف مرکزی را برداشت وبجای آن پنجره‌های بزرگی قرار داد. دردورهٔ رمان زیر طاق ضربی ممکن بود دیوار را تا
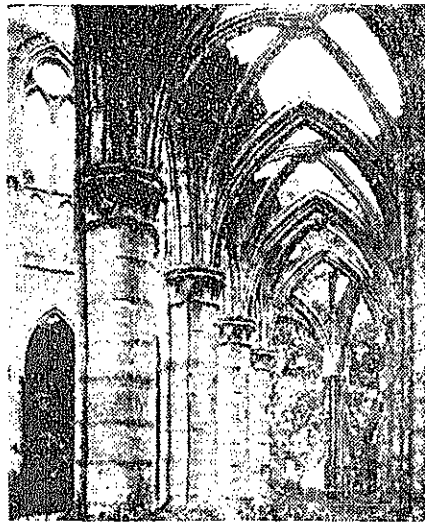
ش ٤٤ - نمونهٔ طاقی که روی اژیو ساخته شده و در نتیجهٔ بمباران طاق خراب شده ولی اژیو باقی مانده‌است

اندازه‌ای حذف کرده بجای آن پنجره باز کرد ولی طاق ضربی فقط برای پوشش‌های کوچك مناسب بود وبرای پوشش سطوح بزرك ومرتفع درساختمان بکار برده نمیشد .

درسبك گتیك ابتدا جرزها و دیوارهای طرفین نف اصلی و نف‌های جناحی را

---

(۱) Arcs formerets

بالابرده روی آنرا با شیروانی میپوشاندند تا داخل کارگاه ساختمانی ازخطرضایعات باران مصون باشد. پس ازاتمام کارشیروانی قوسهای مضاعف و نوارهای اژیف راروی آن بنامینمودند و پس از آنکه این قوسها و نوارها کاملا خشك شد چوب بست مختصر و سبکی فراهم نموده بین نوارهای اژیف را با سنگهای تراشیده سبك و نازك میپوشاندند. با بکار بردن اصول سبك جدید پوشاندن هر نوع سطحی مانند سطح مربع یا مثلث یا ذوذنقه میسر میگردید.

مسقط الرأس نوار اژیف

نوار « اژیف » انقلاب بزرگی در صنعت معماری اروپا عموماً وکشور فرانسه خصوصاً ایجاد نمود بطوریکه ازقرن ۱۳ ببعد کلیسائی بدون «اژیف» ساخته نشد. نظر باهمیت این عضو مؤثر ابنیهٔ مذهبی گتیك اروپائی ها جستجو کرده اند مسقط الرأس آنرا پیدا کنند یا بعبارت دیگر سعی کرده اند بفهمند اولین بار « اژیف » در کدام محل بکار برده شده . ابتدا بعضی از نویسندگان متوجه مشرق زمین و اسپانیا و حتی ایران وهندوستان شدند ودرنتیجهٔ مقایسه‌های بدون پایه واساسی اشتباهاتی رخ داد .

مثلا چون در ابنیهٔ اسلامی اسپانیا که پیش از قرن ۱۳ ساخته شده بود چیزی شبیه به نوار اژیف دیدند مسقط الرأس نوار اژیف را در اسپانیا قرار دادند ولی باید متوجه بود که نوارهای اژیف که در اسپانیا و در مشرق زمین بکار برده شده با اژیفی که در قرن ۱۳ در ابنیهٔ مذهبی کشور فرانسه استعمال شد بکلی متفاوت است .

نوع اول بهیچوجه بستگی بطاق ندارد وغالباً آنرا پس از اتمام ساختمان طاق برای تزئین بآن چسبانیده‌اند و بسا اتفاق افتاده که این نوارها پس از مدتی از طاق جدا شده بزمین افتاده است بدون اینکه از استحکام طاق کاسته شود . نوع دوم نوار اژیف یعنی آن نوعی که در قرن ۱۳ در ابنیهٔ مذهبی فرانسه بکار برده شده برخلاف نوع اول قبل ازساختمان اصلی بامصالح محکمی ساخته میشد وپس از آنکه کاملا خشك شد طاق را روی آن تکیه میدادند . بنابراین بدیهی است اگر پس ازانجام ساختمان طاق نوار اژیف را برداریم تمام طاق فرو میریزد . بعضی از اوقات خصوصاً هنگامیکه

قطعه سنگهای طاق با ملات محکمی بهم چسبیده و مدتی از ساختمان آن گذشته ممکن است احتیاجی بنوار اژیف نداشته باشد ولی اصولا طاق گتیک روی نوار اژیف تکیه میکند در حالیکه نوارهائی که در مشرق‌زمین بکار برده شده فقط جنبهٔ تزئینی دارند وعمل مهمی برای استحکام طاق انجام نمیدهند .

بحثهائی که نویسندگان اروپائی راجع به « اژیف » کرده‌اند بسیار مفصل و ذکر آنها دراینجا بیمورد است . رویهمرفته نتیجه‌ای که ممکن است از بحث مفصل این نویسندگان گرفته شود این است که نوار اژیف با خصوصیاتی که برای آن ذکر کردیم در قرن ۱۳ میلادی درکشور فرانسه در ناحیهٔ «ایل‌دوفرانس » (۱) بکار برده شده و استعمال آن باعث شد که معماران فرانسوی در اواخر همین قرن توانستند ابنیهٔ مذهبی خود را طوری بسازندکه اولا از ابنیهٔ دورهٔ رمان محکمتر بوده ثانیاً از آنها بسیار وسیعتر و مرتفع‌تر باشد ثالثاً در نتیجهٔ حذف دیوارهای زیادی روشنائی بیشتر وارد کلیسا شود . رابعاً از حجم مصالح کاسته شده درنتیجهٔ کم‌شدن وزن طاق تعادل بنا حفظ شود و ضمناً در استعمال مصالح صرفه جوئی گردد .

ش ۵ ٤ - نمونهٔ اژیوهای اولیه بدون کلید قوس . دراین محل اژیوها عمل‌مثبتی برای نگاهداری‌طاق انجام نمیدهند و حتی باعث سنگین شدن طاق نیز می باشند

بنا بر مطالب فوق اگر خوانندگان این سطور در ایران یا ارمنستان یا مصر و اسپانیا بنوارهای زیر طاق بربخورند که شبیه بنوار « اژیف » باشد باید تحقیق کنند آیا این نوارها جنبهٔ تزئینی دارند یا واقعاً عمل مثبتی برای نگاهداری طاق انجام میدهند و پس از روشن‌نمودن این مطلب نتایج لازمه را بگیرند

(1) Ile de France

اولین طاق روی « اژیف » بعلاوه‌تنها وجود اژیف نیست که بنائی‌را از ابنیهٔ رمان خارج کرده داخل دستهٔ ابنیهٔ کتیك مینماید. خصوصیات دیگر برای ایجاد یک بنای گتیک لازم است و ما این خصوصیات را در ذیل مورد تحقیق قرار خواهیم داد. اکنون نواراژیف‌را درابنیه‌ای مطالعه میکنیم که غیرازاژیف درآن سایرخصوصیات سبک گتیک موجود نباشد.

نوار اژیف از اواخر قرن یازده در کشور های مختلف اروپا در موارد مختلف و معمولا برای آسان‌نمودن ساختمان طاق ضربی بکار برده شده. دو نفرازمتخصصین تاریخ صنایع گتیک آقایان ریورا (۱) و کینگسلی پورتر (۲) در مقالات متعدد وجود نوار اژیف را درلمباردی وایطالیای شمالی در ثلث آخر قرن یازده و اوایل قرن ۱۲ متذکر شده‌اند.

نیمرخ این نوارها مربع است (در ابنیهٔ گتیک مدور است). با آجر یا قطعه سنگهای کوچک ساخته شده‌اند. فاقد کاید قوس میباشند. طاقی‌که روی آنها قرار گرفته ضخیم و سنگین (در ابنیهٔ گتیک طاق هررور نازکتر و سبکتر میشود) و محدب است. فشار این طاق‌ها روی تکیه‌گاه نوارها وارد نمیشود (درابنیهٔ گتیک تمام فشار طاق روی تکیه‌گاه نوار های اژیف میآید و چون دیوار های طرفی آزاد میشوند آنها را حذف نموده بجایشان پنجره باز میکنند). دیوارهای طرفی بسیار ضخیم و سنگین است (در ابنیهٔ گتیک این دیوار ها بکلی حذف میشوند) - در این دیوارها بندرت پنجره‌های بسیار کوچک بازمیکنند. بطور کلی این نوارهای اژیف تا اندازه‌ای کار ساختمان را آسان کرده ولی سازندگان آن نتوانسته‌اند آنطوریکه باید از وجود آن استفاده کنند و مانند معماران گتیک فشار طاق را بوسیلهٔ آن بمراکز معین هدایت نمایند ودیوارهای اضافی را حذف نموده ازسنگینی طاق بکاهند.

---

(1) Rivera (2) Kingsly Porter

بنا براین ، این ابنیه با وجود نوار های اژیف جزو دستهٔ ابنیهٔ رمان محسوب می‌شوند .

نوار اژیف بدون کلید قوس در جنوب شرقی کشور فرانسه و سر در کلیسای سن ویکتور در شهر مارسی (۱) و در زیر زمین کلیسای سن‌ژیل (۲) و در نف کلیسای سن ویکتور در کاستلان (۳) و در کلیسای موآساك (٤) (شکل ٤٥) دیده می‌شود .

یکی دیگر از نویسندگان تاریخ صنایع جون بیلسن (٥) در تاریخ ۱۸۸۹ وجود نوارهای اژیف از نوع بالا را در انگلستان در اواخر قرن یازده و در اوایل قرن ۱۲ میلادی تذکر داده است . با اینکه بین کشور انگلستان و لمباردی در آن دوره روابط تجارتی و فرهنگی برقرار بود نباید تصور کرد که ساختمان یکی از دیگری تقلید شده باشد زیرا سبك ساختمان هریك از آنها با دیگری متفاوت است .

ساختمان قسمت علیی و بازوهای کلیسای شهر دورهام در سال ۱۰۹۳ شروع و در سال ۱۱۰٤ ختم گردید . در این تاریخ برای ساختمان طاق کلیسا نوار اژیف بکار برده‌اند و قسمتی از این طاقها هنوز باقی‌است . قوسهای مضاعفیکه درطرفین این طاقها قرار گرفته هلال کامل است ـ میان نوارهای اژیف از حد معمول پائین‌تر است با اینحال کلید قوسهای اژیف از کلید قوسهای‌مضاعف بالاتر است وبنابراین طاق کلیسا محدب و فشارطاق بنقاط اتکاء نوارهای اژیو هدایت نشده‌است ـ طاقها روی دیوارهای ضخیم قرار گرفته وقوسهای مضاعف‌نیز بسیار ضخیم‌است ـ طاقهافاقد قوس‌طرفی‌میباشد ـ این خصوصیات نشان‌میدهد که سازندهٔ بنا هنوز برمشکلات ساختمانی فایق نگردیده است ـ این نوع ابنیه در بیشتر کلیساهای انگلستان در ابتدای قرن ۱۲ در شهرهای پتربوروغ و وینچستر و در کشور فرانسه شمالی در مونویلیه (٦) و در کلیسای سن‌پول درشهرروئن (۷) ودرشهر کان (۸) دیده میشوند.

درنتیجهٔ آشنانبودن بقوسهای جناقی‌وبکار بردن قوس هلالی معماران انگلستان

(1) Saint victor de Marseille (2) Saint gilles (3) Saint Victor de Castellane
(4) Moissac (5) John Bilson (6) Montvilliers (7) Saint Paul à Rouen
(8) Caen

و نرماندی نتوانستند استفادهٔ کامل از نوار اژیف بنمایند .

برخلاف نواحی فوق در « ایل‌دوفرانس » از ابتدا روی اصول صحیح دو نوار اژیف با قوسهای هلالی و کلید قوس ساخته طاق سبکی روی آن قرار دادند و برای اینکه کلید قوسهای اژیف با کلید قوس مضاعف دریك خط واقع شود قوس مضاعف را جناقی‌ساختند تاکلیدآن درارتفاع زیادتر قرارگیرد وتمام فشار بوسیلهٔ نوارهای اژیف بنقطهٔ اتکاء نوارها هدایت شود .

در ربع دوم قرن ۱۲ در ناحیه ای که بین شهر های رنس (۱) وسانس(۲) و اتامپ (۳) و مانت (٤) و سن‌مارتن (٥) و لان (٦) قرار گرفته و به ایل‌دوفرانس معروف است طاق روی نوار اژیف باتمام خصوصیاتش ظاهر شد وددربع دوم قرن ۱۲ بسرعت ترقی کرد و توسعه یافت .

در قدیمترین این‌کلیساها مانند کلیسای مورینوال (۷) (شکل ٤٦) و کلیسای سنت‌اتین در شهر بووه (۸) (۱۱۲٥) نوار های اژیف جزئی از طاق محسوب میشوند و از آن مجزی نیستند و بنابراین مانند ابنیهٔ دورهٔ دوم گتیك (قرن ۱۳ و ١٤) استقلال ندارند. معماران بزودی باین نقص پی‌بردند ودرابنیه ای که بعد از کلیسای مورینوال ساخته شد نوارهای «اژیف» را مستقل ومجزی ازطاق ساختند و طاق را روی آن تکیه دادند .

ش٤٦ - کلیسای‌مورینوال‌در ناحیهٔ ایل‌دوفرانس نمونهٔ اژیوهای اولیه با کلیدقوس

این نوار ها مستطیل یا مدور یا بادامی شکل است . کلید قوسشان کاملا مجزی و واضح است وچهار بازو دارد (بشکل علامت ضرب) بچهار نوار اژیف متصل میشود .

قطع قوسهای مضاعف معمولا نظیرقطع قوسهای نوارها است ولی همیشه ازآنها

(1) Reims (2) Sens (3) Etampes (4) Mantes (5) St - Martin (6) Laon (7) Morienval

پهن‌تر است . در ابتدا قوس طرفی وجود ندارد و وقتی ظاهر میشود قطع آن بشکل نصف قطع قوس مضاعف است .

در آغاز کار طاقهای اژیف دار را روی طرح مربع قرار دادند (مانند طاقهای ضربی) . وقتی استعمال پایه‌های قوی و ضعیف معمول گردید طاق مربع نف مرکزی را بدو قسمت مساوی تقسیم کردند و از میان کلید اژیف یك نوار ثالثی عبور دادند بطوریکه طرح مربع بند نف مرکزی بدو مستطیل متساوی تقسیم شد و چون باین ترتیب طاق اژیف مرکب از شش مثلث منحنی میگردد آن طاق را اژیف شش‌قسمتی نام نهاده اند(۱) باین طریق هر بند مربع شش قسمتی نف مرکزی مطابق دو دهانـه بند مربع نف‌های طرفین است و چون درمحل اتکاء نوار ثالث فشار کمتر از نقاط اتکاء نوارهای اصلی اژیف واردمیآید پایهٔ آن را نازکتر از پایه‌های اصلی میکنند و باین ترتیب پایه‌های قوی و ضعیف ایجاد میگردد .

ساختن طاق روی طرح ذوذنقه و « دآمبولاتوار » کاری مشکل بود . برای رفع اشکال میان ذوذنقه را بدست آورده کلید طاق را روی آن قرار دادند . سپس چهار نوار اژیف راکه در امتداد یکدیگر قرار ندارند وصل نمودند و روی آن طاق زدند . روی طرح نیم دایره محراب یك طاق نیم گنبدی با نوارهای اژیف میساختند و باین ترتیب اژیف را در هر نوع شکلی ازقبیل مربع یا مستطیل یا ذوذنقه یا نیم‌دایره بکار بردند .

استعمال قوس جناقی یا شکسته

در دورهٔ رمان قوس جناقی معمول بود ولی عمومیت نداشت و زیاد بکار برده نمیشد . ازاواسط قرن ۱۲ در نواحی بورگونی و پروانس و در مغرب فرانسه در بعضی از کلیساها طاق نف مرکزی روی قوس جناقی بود . ازموقعیکه قوس جناقی بکار برده شد ارتفاع طاق زیادتر و فشارعمودی تر گشته بر استحکام بنـا افزوده گردید . قوس های زیر طاق های ناحیهٔ پریگورد (۱) درفرانسه همیشه جناقی بوده‌اند. ظاهراً معماران ناحیهٔ «ایل دو فرانس» در استعمال قوس جناقی ازابنیهٔ ناحیهٔ بورگونی تقلید نموده‌اند. ولی بطور کلی هر قدر بقرن ۱۳

(1)Voûte sexpartite(2)Périgord

نزدیك میشویم استعمال قوس جناقی بیشتر معمول میگردد و برارتفاع قوس افزوده میشود .

قوس جناقی که از ابتدا در قوسهای طرفین نف اصلی و قوس های مضاعف و قوسهای طرفی استعمال میشد بتدریج در قسمتهای دیگر بنا مانند بالکانه و برج ناقوس و سردر وپنجره وقوسهای فرعی دیگر بکار برده شد .

دیوار اتکاء وقوس اتکاء

تمام وزن وفشار قوس اژیف بر نقطهٔ اتکاء نوارهای اژیف وارد میشود و چون در نتیجهٔ هدایت و تمرکز فشار از وزن فوق العادهٔ طاق کاسته شد ساختن پایه‌های نسبتاً سبك و دیوار ها یا قوسهای اتکاء برجسته‌ای ممکن گردید ودر نتیجه فشار طاق روی آنها وارد شد . فشار طاقهای رومان متمرکز نبود و برای حمل آن دیوارهای پهن و ضخیم لازم بود ولی دیوار اتکاء گتیك نازك و بلند است . در کلیساهای بزرك بالای « نف » جناقی یك تریبون یا بالکانه میساختند و طاق های محکم و قوی آن بمنزلهٔ نقطهٔ اتکائی برای تحمل فشار طاق نف اصلی بود که مانند کمربندی آنرا در قسمت فوقانی احاطه میکرد . در سایر کلیساها که بالکانه وجود نداشت در مقابل هر نقطهٔ اتکاء فشار طاق نف مرکزی دیواری در جهت عرض در روی نف جناحی ساخته شد تا فشار وارده را تحمل کند . بعد ها در پائین این دیوار را هروئی باز شد تا عبور در بام کلیسا ممکن شود وبتوانند درمواقع لازم قسمتهای مختلف آنرا معاینه کنند. این راهروها بتدریج بقدری بزرك شد که دیوار اتکاء مبدل بقوس گردید و این ابتدای ایجاد قوسهای اتکاء است. تغییرات تدریجی که منتهی بایجاد قوس اتکاء گردید در کلیسای سن مارتن دشام(۱) در پاریس و سنت مادلن دوشاتودن (۲) و کلیسای اوك نشین شهر کان (۳) بخوبی مشاهده میشود . دیوار های اتکاء فقط نقاط اتکائی راکه درپائین کلیسا واقع بود میتوانست محکم کند و برای نقاط مرتفع کلیسا مفید نبود . در اواخر قرن ۱۲ قوسهای اتکاء حقیقی بوجود آمد و عبارت است از بازوهای بلند و نسبتاً نازکی از سنك بسیار محکم که فشار طاقهای مرتفع نف اصلی را از بالای نف جناحی روی

---

(1) St Martin des champs (2) Ste Madeleine de Chateaudin (3) Caen

جرزهای محکمی که در خارج کلیسا واقع است منتقل مینمایند .

این نـوع قوس اتکاء ابتدا در کلیسای سن‌ژرمن‌دپره (۱) در پاریس و سن‌رمی در شهر رنس(۲) استعمال شد . در کلیسای نتردام در شهر پاریس از ابتدای ساختمان کلیسا استعمال قوس‌اتکاء پیش‌بینی شده بود و در کلیسای شهرشارتر که در تاریخ۱۹۱۴ درنتیجه حریق‌خراب‌شد درساختمان مجدد آن از کلیسای پاریس‌برای‌بکار بردن‌قوس اتکاء تقلید شده است .

درقرن ۱۳ دربعضی‌ازکلیساهای مرتفع دورردیف قوس‌اتکاء لازم شد ودرابنیه‌ای مانندکلیسای شارتر این دورردیف قوس‌را برای‌ازدیاد استحکام بهم متصل کردند وحتی درقسمت‌علیای‌این‌کلیسا سه ردیف قوس‌اتکاءبکاربردند وناودانهای قسمت‌مرتفع‌کلیسارا روی‌گردنهٔ قوس‌اتکاء قرار دادند.

(1) St Germain des Près (2) St Rémi de Reims

تقسیمات دوره گتیك

در این تقسیم‌بندی کلیساهای اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ را کــه‌دارای مختصات‌اواخر دوره رمان است‌بحساب نمیآوریم ودوره گتیك را از هنگامی شروع میکنیم که این سبك جدید تمام‌وسائل لازم را در اختیار خـودقرار داده و ابنیهٔآن کامـلا از ساختمان‌هـای دوره رمـان متمایزاست . از قرن ۱۲ تـا قرن ۱۶ میـلادی سبك گتیك را بـه سه دوره‌تقسیم میکنند :

۱ ـ دوره اول گتیك از ۱۱۴۰ تا ۱۲۰۰ـ در این دوره هنوز پنـجره ها نسبتاً کوچـك و فاقد شبکهٔ داخلی هستند ـ طاق بیش یاکم محدب است، نوار ازیف شش قسمتی و بنابراین بندهای نف مرکزی مربع است ، قوس اتکاء وجود ندارد وبالکانه (طبقه بالای نف جناحی) برای اتکاء فشارطاق مرکزی بکاربرده میشود ـ گاهی دیوار اتکاء استعمال میشود .

۲ـ قرن ۱۳ و۱۴ یا عصرطلائی گتیك، که مختصات‌آن‌عبارت‌است‌از‌پنجره های وسیعتربا شبکه داخلی‌ساده،طاق غیرمحـدب و مستطیل‌مرکب از چهار مثلث‌منحنی (در دوره اول گتیك مربـع و شش قسمتی) ، اختراع قوس اتـکاء ـ حذف بالکانه ، در حـدود ۱۲۵۰ توسعـه پنجره ها و شبکهٔ آن ، تبدیل دیوار انتهای « تریفوریوم » به پنجره .

۳ـ گتیك فلامبویان از ۱۴۰۰ تا ۱۵۵۰ ـدر این دوره پنجره‌ها تا قوس‌هـای داخلی نف اصلی پائین می‌آیند و شبکه آن بشکل شعله آتش درمیآید وبهمین دلیل این سبك را « فلامبویان » (شبیه به‌شعله‌آتش) نامیده‌اند ، به نوارهای ازیف درزیر طاق افزوده میشود ونوارها مستقیماً بدون‌واسطهٔ سرستون داخل درپایه‌ها میشوند، گاهی‌اوقات قوسها بصورت ابرو یا دستهٔ زنبیل درمیآیند .

دوره اول گتیك

این سبك در « ایل‌دوفرانس» در ناحیه‌ایکه تحت‌اختیار مستقیم پادشاه فرانسه بود در اواسط قرن ۱۲ بوجود آمد ، این‌ناحیه طبعاً حاصلخیزاست ودرآن سنگهای زیبا و نرمی یافت میشودکه تراشیدن آن دشوار نیست و در عین حال بسیار محکم است و رودخانه مارن (۱) و اوآز (۲) و سن (۳) آنرا مشروب مینماید و نظر باینکه رودخانه های فوق‌الذکر قابل کشتی‌رانی هستند تجارت این نواحی بسهولت انجام میگیرد ، در اواخر قرن دهم میلادی این ناحیه مورد تاخت و تاز واقع شد و راهزنان آنرا غارت کردند و وقتی سلاطین کاپسی(٤) بسلطنت رسیدند ناچار شدند قبل از توسعه قدرت خود در تمام کشور فرانسه ابتداء بمرمت خرابیهای وارد در ملك شخصی خود یعنی ناحیه ایل‌دوفرانس بپردازند .

فیلیپ اول و لوئی ششم موفق گردیدند که راهزنان مسلح را دستگیر و قلاع آنها را خراب‌کرده امنیت‌را برقرار وروابط بین‌شهرها را مجدداً تأمین‌کنند . آزادی عمل برای‌تاجر وصنعتگرو‌روحانی بحال‌عادی برگشت وصومعه نشینان‌روابط خودرا بااهالی‌شهرهابرقرارکردند ،بنابراین درنیمه اول‌قرن ۱۲ که‌صلح‌آرامش‌برقرار گشت. موجبات‌آبادانی وترقی‌وتحصیل‌ثروت‌وپیشرفت صنایع‌وتشویق صنعتگران‌فراهم‌گشت

از سوی دیگر سلاطین سلسله کاپسی برای تقویت قدرت خـود به روحانیون نزدیك شدنـد و ساختمان ابنیه مذهبی را تشویق کردند ، ساختمان کلیساهای بزرك شروع شد و در زمان سن‌لوئی کار ساختمانهای مذهبی به اعـلا درجهٔ ترقی رسید و اوضاع سیاسی و اقتصادی آنروز و قدرت سلاطین فرانسه بایجاد و توسعه آن کمك بسیارنمود . درابتدای قرن ۱۳ تقریباً تمام‌کلیساهای اوك‌نشین یعنی‌کلیساهای شهرهای نسبتاً معتبر کشور پادشاهی در حال تعمیر و تجدید ساختمان بودند و در محلهائی‌که تا آن‌زمان فاقد کلیسای اوك نشین بود بتأسیس آن اقدام شد . هر اندازه قدرت سلاطین زیادترمیشد ومقدار زیادتری از ایالات ونواحی فرانسه تحت اختیارسلاطین آن در میآمد در نواحی جدیدالتصرف کلیساهای معتبر ساخته میشد و بهمان اندازه صلح وآرامش وآبادانی درکشور فرانسه برقرارگشته کارصنعتگران‌آسانتر میگشت

(1) Marne (2) Oise (3) Seine (4) Capétiens

و راه توسعه صنایع بازمیشد .

تمام ابتکارات معماران این زمان برای رسیدن باین منظور بود که طاق کلیسا را با سنگ بپوشانند بطوریکه محکم و از خطر حریق مصون باشد و در عین حال پنجره‌های وسیع زیرطاق باز کنند تاروشنائی زیادداخل‌کلیسا شود،اختراع نواراژیف وعمومیت دادن قوس‌جناقی این هردومنظورراواردمرحلهٔ عمل‌نمودومیسرشد طاقهای سبکی بسازند که فشارشان روی پایه های نازکی واردآید و زیرآنها را خالی کرده پنجره بسازند .

درهمین‌موقع سبك مصنوعی‌سازی در نقوش برجسته و نقاشی‌ها ومجسمه‌سازی متروك گردید وصنعتگران چشم خود را روی طبیعت باز کرده تقلید حقیقی ازطبیعت را در سرلوحه برنامه خود قرار دادند و در اواخر این دوره یکقدم نیز جلوتر رفته حقیقت سازی را پیشه خود ساختند باین معنی کـه بتجسم ظاهر طبیعت اکتفاء نـکرده احساسات درونی انسان را در سنگ مجسم نمودند ، اولین‌کلیسای مهم گتیك که در ایل‌دوفرانس ساخته شد و برای بنای آن تمام معماران نواحی دره «سن» و «مارن» و «اوآز» همکاری کردند کلیسای سن‌دنی(۱) در پاریس‌است که مورد علاقه عموم سلاطین فرانسه‌بود و عده‌ای ازآن سلاطین درآن مدفونند .

سوژر (۲) کشیش معروف فرانسوی درسال ۱۱۲۲ بسمت آبهٔ کلیسای سن‌دنی تعیین شد وباجدیت مخصوصی که داشت ساختمان کلیسارا شروع کرد وتمام معماران فرانسه را از جنوب و مغرب و نرمانـدی و سورن (۳) برای همـکاری در بنای این کلیسا دعوت نمود، کار ساختمان در۱۱۳۲ شروع شد ودر ۹ ژوئن سال ۱۱٤۰ سردر غربی و چند بند اول نف اصلی رسماً افتتاح شد ، قسمت علیای کلیسا در ۱٤ ژوئیـه همین سال شروع گردید و ٤ سال بعـد در ۱۱ ژوئن ۱۱٤٤ تبرك یافت و روز تبرك لوئی هفتم پادشاه فرانسه وملکه وتمام بزرگان کشور واسقف‌ها وآبه‌ها حضورداشتند و این بزرگترین کلیسائی بود که تا آن زمان در کشور فرانسه ساخته میشد ، درقرن ۱۳ دراین‌کلیساتعمیراتی انجام گرفت ولی‌در اصول کلی ساختمان آن تغییری‌حاصل نشد

(1) Saint Denis (2) Suger (3) Sroiane

نشده ـ بنا بر این کلیسای آ به نشین سن دنی اولین کلیسای معروف سبك گتیك است و در تاریخ فرانسه مقام مهمی دارد. جام معروف خسرو پادشاه ساسانی که یا بعنوان هدیه برای سلاطین فرانسه فرستاده شده و یا از راه دیگر بدست سلاطین نامبرده رسیده بود در این کلیسا جزو تقدیمی های سلاطین آن کشور بود و اکنون از آن محل بموزه کتابخانه ملی پاریس منتقل شده است ـ سلاطین کشور فرانسه اشیاء متعدد ذیقیمت دیگری نیز باین کلیسا هدیه کرده اند و بر اعتبار و اهمیت آن خزانه افزوده اند.

کلیسای شهر نوآ ین(۱) شکل(٤۷) تقریباً همدوره با کلیسای سن دنی است . ساختمان قسمت علیای این کلیسا بعد از حریق ۱۱۳۱ شروع شد و در سال ۱۱۵۷ اتمام پذیرفت و بازوهای کلیسا که انتهای آن مدور است در تاریخ ۱۱۷۰ انجام یافت ـ نف اصلی در اواخر قرن ۱۲ تمام شد. طاق شش قسمتی آن در ۱۲۹۳ در نتیجهٔ حریق خراب شد و هنگام ساختمان مجدد آن اوژیف مستطیل چهار قسمتی جای آنرا گرفت ـ در طی جنگ ۱۹۱٤ ـ ۱۹۱۸ این کلیسا در نتیجه بمباران توپخانه آتش گرفت ومجدداً تعمیر شد.

ش ٤۷ ـ کلیسای شهر نوآ ین

در سال ۱۱۵۳ لوئی هفتم پادشاه فرانسه به روحانیون اجازه داد که در تمام کشور فرانسه بجمع آوری پول لازم برای ساختمان مجدد کلیسای شهر سانلیس(۲) بپردازند ـ در سال ۱۱٦۷ قسمت علیای این کلیسا تمام شد و در ۱۱۹۱ رسماً باتشریفات

(1) Noyon (2) Senlis

مذهبی افتتاح . یافت · دراواسط قرن ۱۳ باین کلیسا یك بازو (۱) اضافه نمودند ـ در ۱۵۰۴ طاق آن که دراثرحریق خراب‌شده بود مجدداً تعمیر گردید .

ساختمان کلیسای اسقف‌نشین شهر لان (۲) در تاریخ ۱۱۵۰ میلادی آغاز و دراواخرقرن۱۲ انجام یافت. قسمت‌علیای‌این‌کلیسا و محراب‌های‌آن که مدور بوددر ۱۲۰۵ بمحراب مستطیل مبدل گشت.تاثیر سبك ساختمانی این کلیسای‌عظیم‌وزیبادر تمام شمال‌فرانسه و نرماندی و حتی‌در ناحیهٔ« رنانی» (۳)بسیار بود .کلیسای‌شهرلیزیو(٤) تقلیدی از آن است(شکل ٤٨) . معماران کلیسای نتردام در پاریس نیز اقتباساتی ازسبك معماری کلیسای شهر لان‌نموده‌اند.
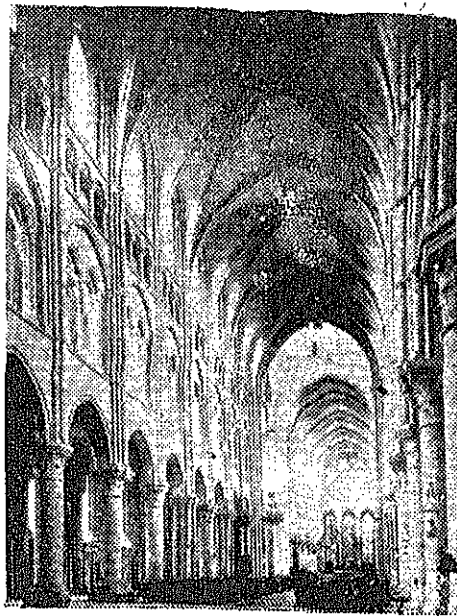
ش ٤٨ - اسقف نشین شهرلان

در سال ۱۱٦۳ سولـی‌اسقف‌شهر پاریس اولین‌سنك‌کلیسای نتردام را قرار داد. ساختمان ازقسمت علیی‌کلیساشروع شد و در ۱۱۷۷ بنای این کلیسا پیشرفت کامـل کرده و در تاریخ ۱۱۸۲ تمام شده‌بودساختمان نف از ۱۱۸۰تا ۱۲۰۰ بطول انجامید .

در ۱۲۰۰ ساختمان سر در کلیسا شروع شد و در ۱۲٤٥ اتمـام پذیرفت · برای انجام ساختمان قسمت های دیـگر کلیسا وجزئیات‌آن درربع سوم قرن ۱۳ هنوز در آن مشغول کار بودند . شکل (٤٩ـ٥٠)

کلیسای نتردام در پاریس‌آخرین نـوع کلیساهائیست کـه در دورهٔ اول گتیك ساخته شد . در این نوع کلیسا هنوز بالکانه بجای تکیه گاه نف مرکزی بکار برده میشود و روشنائی داخل‌کلیسا چندان زیاد نیست . قوسهای اتکاء اولین‌بار در کلیسای

(1)Trànsept (2) Laon (3) Rhénanie (4) Lisieux

نتردام درپاریس ظاهرشدند . در اواخر قرن ۱۲ استعمال و عمومیت قوس اتکاء باعث شدکه ارتفاع کلیسا افزوده گردد. دراین نوع کلیساها معمولا در قسمت علیا محرابهای متعددی است که دراطراف محراب اصلی دور میزنند (۱).درکلیسای نتردام درپاریس و در کلیسای شهر بـورژ (۲) و کلیسای بومـون در اواز (۳) دو زوج نف جناحی وجـود دارد . طاق ازیف شش قسمتی مربـع قبل از ۱۱۵٤ در شهر سانلیس (٤) با ۱۸ متر ارتفـاع و در کلیسای نوایون (۵) بـا ۲۲ متر و در کلیسای شهر لان (٦) بـا ۲٤/۵۰ در پاریس ۳۲/۵۰ متر روی نف قرار گرفت . پایـه های قوس قوی و ضعیف که در کلیساهای شهرهای نوایون(۷) و سانلیس(۸) موجود است فقط دردو بند کلیسای اسقف نشین شهرلان دیده میشود و در پاریس با وجود طاق شش قسمتی پایـۀ قـوی و ضعیف استعمال نشده و در عوض بجای پایه ستون بکار برده‌اند . در بالای‌قوسهای نف‌اصلی بالکانه‌های وسیع و روشن روی نف با دو یا سه دهانه باز میشود. در بـالای بالکانه گاهی یـك تریفوریوم دیده میشود . قوس پنجره ها جنـاقی و شبکه هـای آن بسیار ساده است .
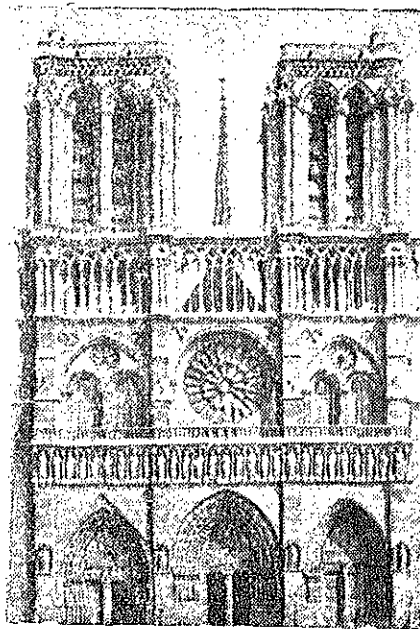
ش ۹٤ - سردر اسقف نشین نتردام در شهر پاریس

سردر و نمای خارجی مرکب از دو برج ویك «گل» (۹) و در بالای « گل » درکلیساهای اسقف‌نشین‌شهرهای«لان»و«پاریس»یك«گالری»وسیع که دو برج را بهم وصل میکنند دیده میشود و باید دانست که معمول‌شدن‌قوس‌اتکاء در کلیساهای‌این‌دوره سبب‌شد که تریبون بکلی حذف شود چنانکه در بعضی از کلیساها هم تریبون و هم قوس اتکاء هر دو وجود

(1)Chapelles rayonnantes (2) Bourges (3) Beaumont sur Oise
(4)Senlis (5) Noyon (6) Laon (7) Noyon (8)Rose

دارد. کلیسای اسقف نشین شهر بورژ (۱) که بنای آن در اواخر قرن ۱۲ شروع شد و در اواخر قرن ۱۳ انجام یافت از سبك ساختمان کلیسای اسقف نشین شهر پاریس تقلید شده است.

گتیك قرن ۱۳ و ۱٤

علاوه بر کلیساهای فوق الذکر که دارای بالکانه بودند در اواسط قرن ۱۲ در ناحیه ای واقع بین ایل دو فرانس و بورگونی یعنی در شهر سانس (۲) کلیسای اسقف نشین
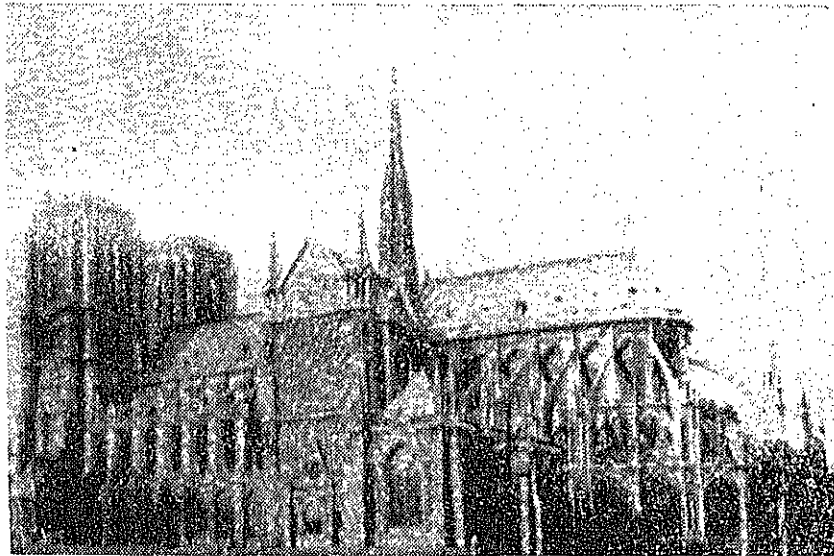
ش ۵۰ - اسقف نشین نتردام در شهر پاریس

بزرگی برپا گردید که قدمت آن بپایهٔ کلیسای سن دنی میرسد ولی فاقد بالکانه است - این کلیسا از ابتدا دارای ازبو زیر طاق محدب و پنجره های بسیار کوچك زیر طاق نف مرکزی بود. ساختمان آن در تاریخ ۱۱۲۲ شروع شد و قسمت علیای آن در ۱۱٦٤ و نف مرکزی آن در ۱۱۸۰ بانجام رسید.

سقف این کلیسا از نف کلیساهای تریبون دار عریضتر ولی ارتفاع آن کمتر است

(1) Bourges (2) Sens
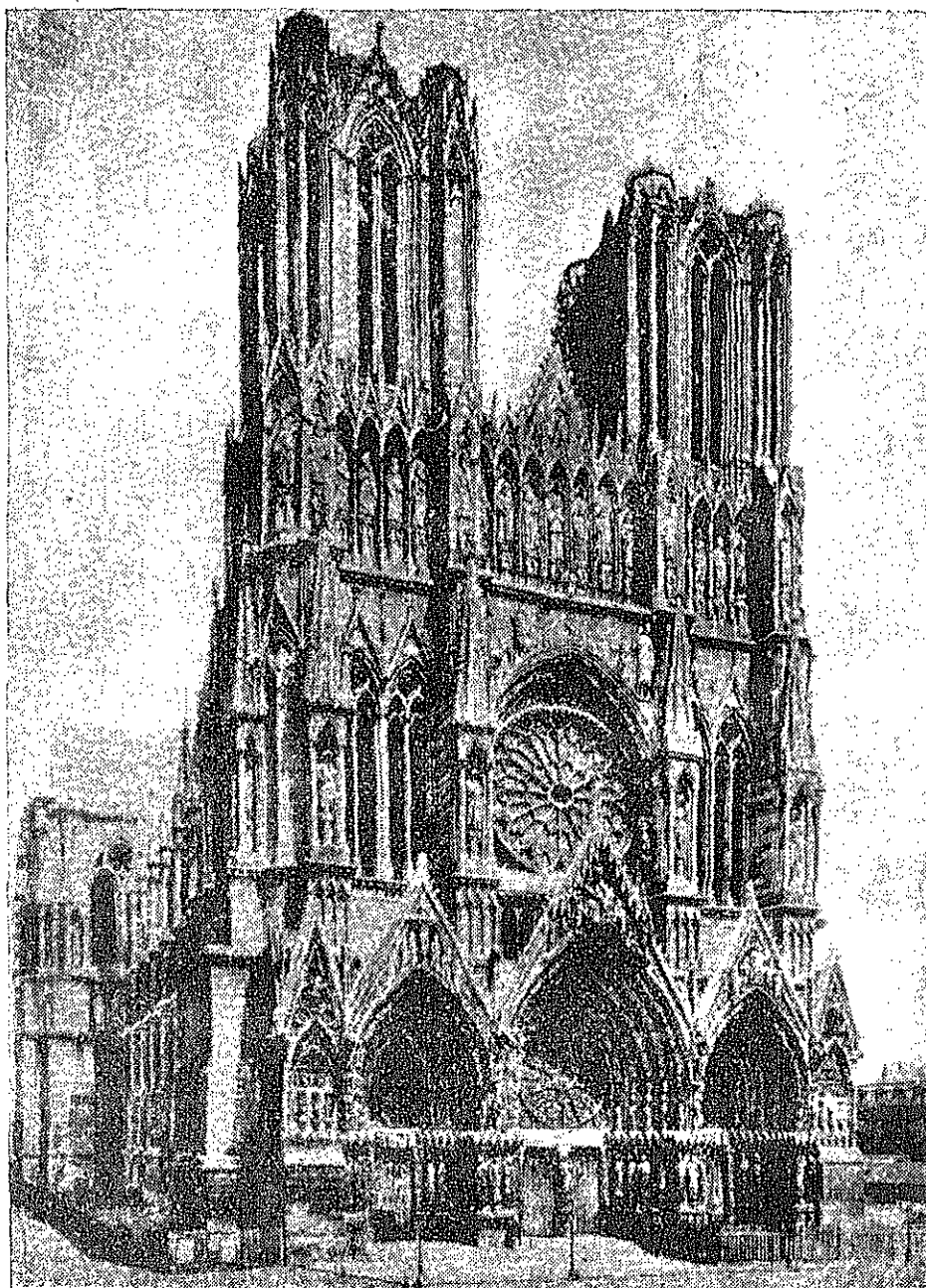
ش ۵۱ – نمای کلیسای اسقف نشین شهر رانس

(در کلیسای سانس عرض نف ۱۳/۲۰ و ارتفاع آن ۲٤ متر است ـ در کلیسای نتردام در پاریس عرض ۱۱/۵۰ و ارتفاع ۳۲/۵۰ متر)

قسمت علیای کلیسای سن ژرمن در پاریس (تاریخ انجام ۱۱۶۳) و وزله (آخر قرن ۱۲) دارای همین خصوصیات است و بهمین ترتیب در کلیسای بزرك شهر شارتر تریبون را حذف نموده بجای آن قوس اتکاء بکار برده‌اند .

در ۱۱۳٤ نمای سردر کلیسای رمان که در قرن یازدهم در شهر شارتر ساخته شده بود در نتیجهٔ حریق خراب شد. بلافاصله تعمیر کلیسا شروع گردید و دراواسط قرن ۱۲ در جلوی نمای کلیسا یك سردر سه دهانه‌ای با حجاریهای بسیارزیبا ساختند (شکل) و آنرا سردر شاهی نامیدند ـ در ۱۱۹٤ مجدداً کلیسای شهر شارتر در نتیجهٔ حریق خراب شد ولی سردر سه دهانه‌ای و برج ناقوسهایش آسیبی ندیدند ـ تعمیر مجدد آن در ۱۲٤۰ انجام یافت. در قرن ۱۵ و ۱٦ در کلیسای شهر شارتر تعمیرات جدیدی شد . کلیسای شهر شارتر از نظر تقسیمات مذهبی اهمیت فوق العاده داشت و کلیسای شاهی نامیده میشد ولی اهمیت فوق العادهٔ آن خصوصاً برای زیبائی نقوش برجسته و مجسمه های زیبای آن که متعلق آخر دورهٔ رمان است میباشد .
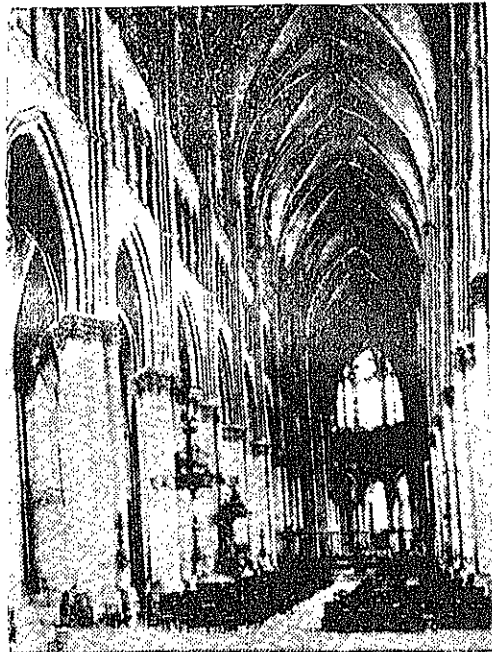
ش ۵۲ ـ نف اصلی اسقف نشین شهر رنس

ساختمان کلیسای شهر سواسون(۱) در اواخر قرن ۱۲ شروع شد و درقرن ۱۳ ادامه داشت. نمای شمالی آن درقرن ١٤ ساخته شد. در طی جنگ ۱۹۱٤ـ۱۹۱۹ آسیب زیاد دید ومجدداً تعمیر شد .

(1) Soissons

کلیسای اسقف‌نشین قدیمی شهر رنس در ۱۲۱۱ در نتیجهٔ حریق خراب شد. اولین سنگ بنای جدید آن در تاریخ ۱۲۱۲ گذاشته شد و ساختمان آن از قسمت علیی شروع شد. نف آن در قرن ۱۳ انجام یافت (شکل ۵۱ ـ ۵۲) و سقف و شیروانی این کلیسا در ۱۴۸۱ باتمام رسید و در ۱۹۱۴ در نتیجه بمباران سوخت. بعلاوه در جنگ ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸ آسیب بسیاری بقسمت های مختلف کلیسا خصوصاً مجسمه های زیبای سردر آن وارد آمد و اگر با وجود این بمباران های شدید توانست پا برجا بماند علت عمدهٔ آن استحکام ساختمان بنا و خصوصاً قطر فوق‌العاده آن است.

کلیسای اسقف‌نشین شهر آمین (شکل ۵۳ـ۵۴) نیز در نتیجهٔ حریق ۱۲۱۸ خراب شد ـ ساختمان مجدد آن در ۱۲۲۰ از نف شروع شد و در ۱۲۳۶ انجام یافت ـ قسمت علیی کلیسا در ۱۲۶۹ خاتمه پذیرفت ـ محرابهای این کلیسا در قرن ۱۶ بآن افزوده شد.
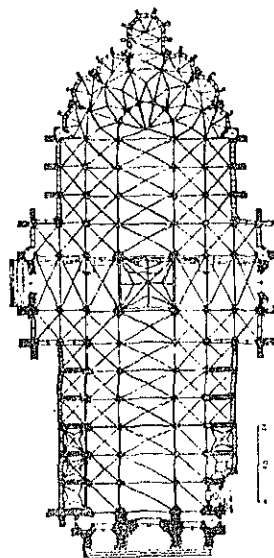
ش ۵۳ ـ اسقف نشین شهر آمین

چندی بعد از شروع ساختمان کلیسای آمین کلیسای شهر بووه (۱) نیز طعمهٔ حریق گردید و ساختمان مجدد آن از قسمت علیا در تاریخ ۱۲۲۷ شروع شد و در ۱۲۷۲ اتمام یافت. در کلیسای شهر بووه چون ارتفاع بنا را بسیار زیاد گرفته بودند مقاومت آن کم بود در ۱۲۷۴ خراب شد. اما در ساختمان مجدد آن پایه‌ها را محکم نموده قوس اتکاء بآن اضافه نمودند و طاق را بالا بردند و بالنتیجه در ۱۳۲۴ ساختمان کلیسا خاتمه یافت. بازوهای کلیسا را در قرن شانزدهم ساختند ولی برای ساختن نف آن اقدامی نشد. (شکل ۵۷)

این کلیسا های بزرگ از شاهکار های صنعت گتیک‌اند. طرح آنها

(1) Beauvais

از هر حیث عالی است . قسمت علیای کلیسا دارای دآمبولاتوار است (۱) ودراطراف آن تعدادزیادی محراب بشکل نیمدایره دیده میشود . وسعت بازو ها زیاد است و نف مرکزی دارای جناحین است. معمولا دو برج در جلوی نمای کلیسا قرار دارد ـ طول کلیسا در شهر بورژ (۲) ۱۲۰ در پاریس ۱۲۷ در شارتر ۱۳۰ و در رنس ۱۳۸ و در آرمین ۱۴۵ متراست . ارتفاع طاق اژیف بتدریج افزوده میگردید . ارتفاع طاق در کلیسای اسقف نشین شهر رنس ۳۷/۵۰ در آمین ۴۲/۵۰ و در کلیسای اسقف‌نشین شهر بووه ۴۷/۵۰ متر است و این طاق اژیف مستطیل تحدب ندارد .

ش ٥٤ ـ نف اصلی اسقف نشین شهر آمین

پایهٔ این‌طاق‌هابسیار نازك‌بوده بقوسهای اتکاء بسیار مرتفعی تکیه میکنند و روی قوس اتکاء وزنه هـای ظریف (۳) و زیبائی قرار دارد .

روی گردنهٔ قوس های اتکاء ناودانی قرار داده‌اند که آب بارانی راکه‌درقسمت‌فوقانی کلیسا جمع‌میشودبآسانی بزمین‌برساند . انتهـای نـاودان بصورت حیوانات غریب و عجیبی ساخته شده (٤) است .

پایه هـا در قسمت تحتانی یعنی در آن محلی کـه تمام فشار طاقهای نف اصلی و طرفین و نوارهای اژیف و غیره روی آن وارد میآید عبارت‌اند از پایهٔ مدوری که چهار نیمه ستون در چـهار طرف آن قرار دارد پایـه‌های قوی و ضعیف در این دوره

---

(1)Déambulatoire (2) Bourges (3)Coulée(4) Gargouilles

فقط در کلیسای اسقف نشین شهرشارتر دیده میشود ودر کلیساهای اسقف نشین شهرهای آمین ورنس اثری از آن دیده نمیشود . وجود پایهٔ ضعیف وقوی وطاق شش قسمتی در کلیسای اسقف نشین شهر بووه در نتیجهٔ تعمیر کلیسا در تاریخ ۱۲۸۴ ایجاد شده .

بالای قوس های جناقی فاصل بین نفاصلی وطرفین دهانه‌های تریفوریوم گاهی مانند کلیسای رنس دریك ردیف و گاهی مانند کلیسای آمین سه دهانه زیر یك قوس واقع شده (مانند کلیسای تریبون داردورهٔ اول گتیك) - پنجره های مرتفع و وسیع تمام فضای بین طاق وتریفوریوم را اشغال کرده و فقط شبکه هائی از سنگ در داخل آن قرارداده‌شده تاشیشه های رنگین را بآن تکیه‌دهند - قسمت علیای کلیسای اسقف‌نشین شهر آمین(شکل ٥٤) و بووه (شکل ٥٥) علاوه برروشنائی پنجره ها از پنجره های کوچکی که در انتهای تریفوریوم قرارداده‌اند روشنائی زیاد وارد کلیسا میشود و باین طریق کلیسادرنتیجهٔ دخول این روشنائی های فراوان شباهت بگلخانه پیدا میکند .
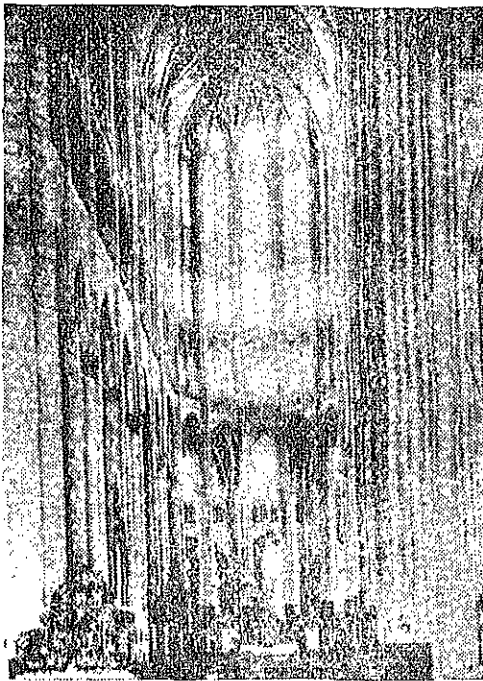
ش ٥٥ — اسقف نشین شهر بووه

قراردادن پنجره های کوچك درانتهای تریفوریوم در ربع اول قرن ۱۳ معمول شد و بزودی درقسمت علیای کلیساهای آمین وبووه وسن دنی‌درپاریس‌واستراسبورك ومس (۱) بکار برده شد . درقرن ١٤ ساختمان سبك تر گردید و ازروی قواعد علمی دقیق‌تر ساخته شد. نوارهانازك تروازطاق کاملا مجزی شده ایجادسایه وروشن نمود .

(1) Metz

در قرن ۱۳ استعمال سرستون روی پایه ها معمول بود ولی در قرن ۱۴ بکلی متروك گردید . قوسهای واقع بین نف اصلی وطرفین در قرن ۱۴ عریض ترازسابق گردید و از تیزی نوك آن کاسته شد وپنجره های نف اصلی مستقیماً درروی آن قرار گرفت .

درخارج بنا نمای کلیسا در قرن ۱۴ بیش از قرن ۱۳ تزئین میشد و در بالای سردر اشکال مثلثی شکل (۱) اضافه گردید و روی آنها بگل و برگهای زیاد مزین شد وازاین ببعد حجاریهای پیشانی سردر موقوف شده بجای آن پنجره های مزین بشیشه های رنگین قرار گرفت و آنرا گل (۲) مینامند
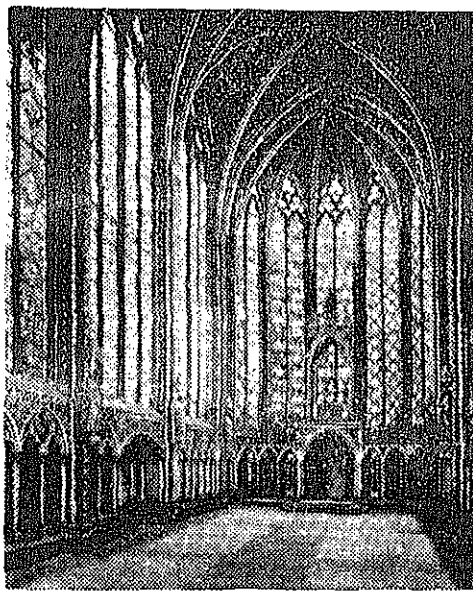
ش ٥٦ ــ سنت شاپل در پاریس

قوسهای اتکاء درقرن ۱۴ سبکتر و نازك تر از قوسهای اتکاء در قرن ۱۳ میباشند . در قرن ۱۴ معمولا در سردر کلیسای و روی «گابل» های مثلثی شکل آن و روی «کوله»های قوس اتکاء (۳) و روی پنجره ها و ازاره هاتزییناتی شبیه ببرك درختان دیده میشود . دراین قرن درقسمت تحتانی برج ناقوس ها یك نوع ایوان طارمی داری ساخته و قسمت فوقانی برج را بتزیینات بسیار ظریفی مزین مینمودند .

صنعت گتیك در قرن ۱۴ ازصنعت گتیك درنیمه‌اول قرن ۱۳ ظریف تروپرمایه‌تر است واصول علمی دقیق تری‌در آن بکار برده شده ولی صنعت گتیك درنیمهٔ اول قرن ۱۳ قوی‌تر واصیل تر از قرن ۱۴ است . سبك دورهٔ دوم گتیك (نیمهٔ دوم قرن ۱۳) وتمام قرن ۱۴ نیزدر« ایل دوفرانس » وبدست دو معماربزرك پاریسی ژان دوشل (٤)

(1) Gable (2) Rose (3) Coulée (4) Jean de Chelles

و پیردومونروی (۱) بوجود آمد و بهترین نمونهٔ آن کلیسای کوچك سنت شاپل (۲) در پاریس است (شکل ٥٦) که از پنجره های اطراف آن نور فراوان داخل کلیسا میشود ودرتاریخ ۱۲٥٤ تا۱۲٤۸ بفرمان سن لوئی پادشاهفرانسهساخته شده . نمونهٔ دیگری‌ازاین‌سبك کلیسای‌اسقف نشین شهرتروا (۳) و کلیسای سنت‌اوربن(٤) درشهر تروآاست (۱۲٦۲ ـ ۱۲٦٦)که ضمناً بهترین نمونه های صنعت گتیك میباشند کلیساهای دیگر سبك دوم گتیك بقراز زیرند :

بازوهای نف کلیسای سن کانتن (٥) ـ قسمت علیای کلیسای سنت‌اوئن(٦) در شهژ روئن ـ نف کلیسای اسقف‌نشین شهر اوسر (۷) بازوهای کلیسای اسقف‌نشین شهر استراسبورك (۸) ـ قسمتی ازکلیسای اسقف‌نشین شهرمس(۹)، اورو (۱۰)، سز (۱۱) ترگیه(۱۲)، کمپر(۱۳) وسن‌پول دولئون (۱٤) .

درجنوب‌فرانسه بعضی ازکلیساها بتقلیدکلیساهای شمال ساخته شده اند ازقبیل کلیسای اسقف نشین کلرمون فراند (۱٥) و ناربون (۱٦) و لیموژ (۱۷) و رودز (۱۸) و سن‌نازر(۱۹) وکارکاسون (۲۰) و تولوز (۲۱) و بوردو (۲۲) و بایون(۲۳) .

سبك فلامبویان

آخرین سبك گتیك که ازقرن ۱٥ شروع شده وتا اواخر قرن ۱٦ ادامه یافت دارای خصایص زیر است : در ساختمان هـای سبك فلامبویان برتعداد نوارهای زیرطاق افزوده‌میشود ـ این نوارها مستقیماً و بدون رابطهٔ سر ستونها داخل در پایه ها میشوند ـ استعمال قوسهای شبیه به ابرو یا دستهٔزنبیل معمول میشود ـ جزئیات‌شبکهٔ‌پنجرهها شکل شعله‌های‌آتش بخود میگیرد وبهمین جهت‌آنرا سبك « فلامبویان » (٢٤)مینامند ـ تزئینات گل وبرك بسیار فراوان شده از سادگی سابق بیرون میآید ـ سازندگان‌کلیسا در این دوره بیشتر بتزیینات بنا پرداخته‌اند ـ فن‌معماری از دوره‌های‌سابق دقیق‌ترشده برپایهٔ اصول‌علمی قرارگرفت .

---

(1) Pierre de Montreuil (2) La Sainte Chapelle (3) Cathédrale de Troyes
(4)Saint Urbain de Troyes (5) Saint Quentin (6)Saint Ouen(7) Auxerres
(8) Strasbourg (9) Metz (10) Evreux (11) Seez (12) Tréguier
(13) Quimper (14) Sáint paul de léon (15) Clermont Ferrand
(16) Narbonne (17) Limoges (18) Rodez (19) Saint Nazaire
(20) Carcassone (21) Toulouse, (22) Bordeaux (23) Bayonne
(24) Flamboyant

نویسندگان تاریخ صنایع راجع به مسقط الرأس اصول سبك فلامبویان متفق‌الرأی نیستند ـ بعضی‌ها تصور کرده‌اند که اصول این سبك جدید از انگلستان بفرانسه آمده . درحقیقت بعضی از اصول سبك فلامبویان مانند نوارهای اضافی ازیف و قوس‌های شبیه به ابرو در انگلستان از قرن ۱۳ میلادی معمول بود و احتمال دارد که این اصول جدید معماری در فرانسه از انگلستان تقلید شده باشد ولی نباید تصور کرد که سبك مخصوصی در انگلستان وجود داشته و در کشور فرانسه معمول شده بلکه درنتیجهٔ تقلید بعضی ازاین شکلهای جدید درصنعت گتیك فرانسه متدرجاً تغییراتی حاصل و خصوصیات جدیدی درآن ظاهر شده است .

بعد از جنك صد ساله و خرابیهائی که از آن حاصل شد اهالی کشور فرانسه مشغول تعمیر کلیساها شدند و در بعضی نقاط که خرابی‌فراوان‌تر بود کلیساهای‌جدیدی طبق اصول سبك جدید برپا نمودند و چون این جنگها بیشتر در شمال کشور فرانسه ونقاط نزدیك به انگلستان اتفاق افتاده بود اغلب کلیساهائی که به‌سبك جدید ساخته شد در شمال و شمال غربی کشور فرانسه واقع است مانند نف کلیسای سنت‌اوئن(۱) در شهر روئن و نمای خارجی همین بنا ـ کلیسای سن ماکلو (۲) در همین شهر وکلیسای سن ژاك در شهر دیپ (۳) و کلیسای نتردام در شهر لویه (٤) کلیسای اسقف‌نشین شهر اورو(٥) ـ قسمت علیای کلیسای مون سن‌میشل(٦) . کلیساهای‌نامبرده در فوق همگی در ناحیه نرماندی ساخته شده‌اند درناحیه برتانی نیز کلیساهائی طبق سبك جدید فلامبویان ساخته شد . درپاریس کلیساهای مشهور این‌سبك بقرار زیرند : کلیسای سن‌سورن(۷) و سن‌ژروه(۸) و سنت‌اتین‌دومون (۹) ـ در شهر بووه : قسمت علیای کلیسای سنت اتین ـ بازو های اسقف نشین همین شهر ـ در شهر سانلیس (۱۰) بازو های اسقف نشین همین شهر ـ در ناحیهٔ پیکاردی (۱۱) سن و ولفران در شهر آبویل (۱۲) (شکل ٥۷) و کلیسای سن ریکیه (۱۳) ـ در ناحیه شامپانی : کلیسای

---

(1) St—Ouen (2) St—Maclou (3) St—Jacques à Dieppe
(4) N.D· de Louviers (5) La cathédrale d' Evreux (6) Mont St Michel
(7) St Severin (8) St Gervais (9) St Etienne du Mont (10) Senlis
(11) Picardie (12) St Wulfran·d' Abbeville (13) St Riquier

سنت مادلن(۱) و سن‌نیزیه (۲) و نمـای سر در اسقف نشین شهر تروآ (۳) ـ در ناحیه بورگونی بازوی کلیسای شهر سانس(٤) و کلیساهای شهرهای تونر(٥) و نور(٦) ـ و تعداد
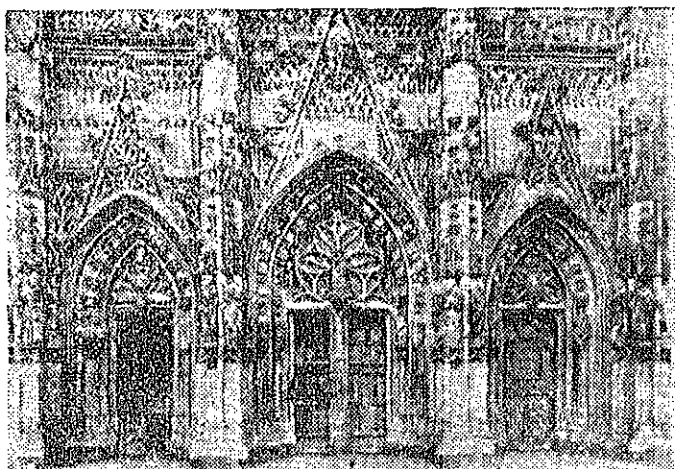
ش ۵۷ ـ کلیسا سن‌وولفران در شهر آبویل

دیگری از کلیساهای سایر نواحی فرانسه و از حیث طرح کلیساهای جدید باسبك دوم و اول گتیك فرقی ندارند . بازو های کلیسا کمی وسیعتر از سابق است و بر تعداد محراب‌ها افزوده گردیده .

از نظر تزینات دو نوار اضافی بنام لیرن وتیرسرون (۷) زیر طاق معمول و بعضی اوقات تعداد آنها زیاد شد بطوریکه طرح اصلی نوارهای ازیف گتیك از آنها خوب تمیز داده نمیشود.

در محل کلید طاق تزئینات اضافی پیدا شد که مانند مقرنس کاریهای مساجد ما از بالا بپائین آویزان است . سرستون بکلی حذف شده نوارهای طاق مستقیماً داخل در پایه‌ها میشود ـ شکل خود پایه‌ها نیز بیش و کم تغییر کرده گاهی بصورت پایه‌های پیچ‌دار درآمد .گاهی یادگاری از تریفوریوم‌های پنجره‌دار قرن ١٤ دیده‌میشود ولی غالباً تریفوریوم وجود ندارد و پنجره‌ها مستقیماً تا بالای قوسهای نف اصلی پائین‌میآیند .

---

(1) Ste Madeleine (2) St – Nizier (3) Troyes (4) Cath · de Sens
(5)Tonnères (6) Nevers (7) Liernes – Tiercerons

بر وسعت پنجره‌ها افزوده شده شبکهٔ پنجره‌ها مفصل‌تر و نازک‌تر میشود . شکل قطعه‌های شبکه شبیه به ابرو یا شعلهٔ شمع میشود . در سر در کلیسا بر تزئینات افزوده گردیده بطوریکه تقریباً دیگر محل خالی باقی نمیماند. در شکل قوسهای اتکاء نیز تغییرات فراوان حاصل میشود و جنبهٔ اتکائی خودرا ازدست داده بصورت موضوع تزیینی درمیآید . بر ارتفاع برج ناقوس ها افزوده گردیده تزئینات آن نیز دقیق‌تر وفراوان‌تر از سابق میشود .
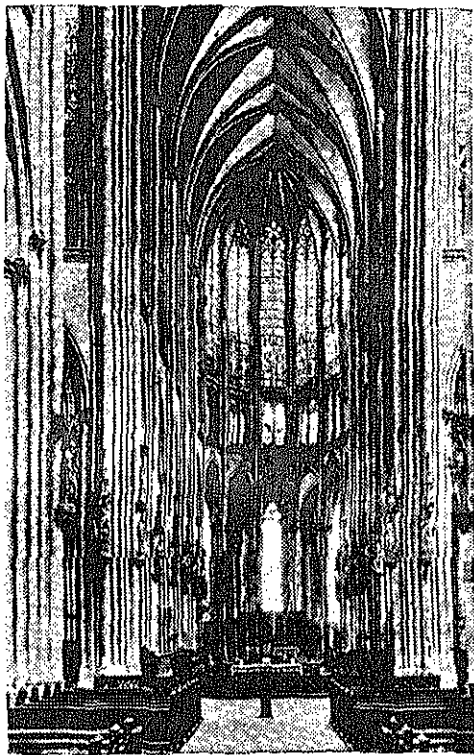
در نیمه اول قرن ۱۶ بقدری بر تزئینات داخلی و خارجی کلیسا افزوده شده که دیگر جائی برای ابتکار و اختراع باقی نمانده بود . بعلاوه مردم نیز از دیدن اینهمه تزئینات خسته شده بودند و معماران ناچار بودند سادگی بنا را مجدداً پیشهٔ خودسازند . درهمین هنگام در نتیجهٔ جنگهای فرانسوای اول با ایتالیا و زیاد شدن روابط بین این دو کشور مردم به سبک صنعتی جدیدی که درآن کشور ظاهر شده بود آشنائی پیدا کردند و یکباره سبک گتیک در فرانسه متروک شد و سبک جدیدی با تقلید از ابنیهٔ ایطالیائی بوجود آمد .

شکل ۵۸ — کلیسای اسقف نشین شهر کولونی

نفوذ سبک گتیک در کشورهای دیگر

سبک گتیک بقدری مورد پسند عموم اروپائیان واقع شد که از اواخر قرن ۱۲ و درتمام قرن ۱۳ کشورهای دیگر اروپائی از ابنیهٔ فرانسه تقلید کردند و کلیساهای خود را طبق سبک جدید بنا نمودند .

بعلاوه کشور فرانسه یکی از مراکز مذهبی کاتولیک بود و از آن روحانیون و

کشیشها بسایر بلاد مسافرت میکردند . و سبك جدید گتیك را به کشورهای همسایه تا کشور بوهم و مجارستان و سوئد و انگلستان و ایتالیا و اسپانیا بردند . ازطرف دیگر بزرگان مذهبی کشور فرانسه که بسایر کشور ها رفته در آن اقامت کردند دستور ساختن ابنیه طبق سبك جدید فرانسوی دادند و بتدریج این سبك در آن کشورها مورد تقلید واقع شد . صنعتگران خارجی نیز در ضمن مسافرت بفرانسه به سبك گتیك آشنائی پیدا کرده آنرا به ممالك خویش بردند و باین‌طریق در زمان سن‌لوئی و فیلیپ لوبل صنعت گتیك با تمدن فرانسوی در تمام دنیا منتشر شده نفوذ پیدا کرد .

نفوذ سبك گتیك در انگلستان

در انگلستان زودتر ازسایر کشورها صنعت گتیك معمول‌شد . دراوایل قرن۱۲ وحتی دراواخر قرن‌یازده دربعضی‌ازکلیساهای انگلستان نوار ازیف دیده شده (قسمت علیی کلیسای شهر دورهام و نف‌های طرفین کلیسای شهر پتربوروغ و وینچستر وکلوسستر) ولی‌تامدت زیادی ازاین نوارهای‌ازیف‌نتوانستند مانند معماران قرن۱۳ در فرانسه استفاده کنند باین‌معنی که بجای اینکه نوار ها طاق را سبك کند بر عکس بر سنگینی و عدم استحکام آن میافزود . بعلاوه تزئینات این‌کلیساهای انگلیسی هنوز طبق‌اصول دورهٔ رمان‌مصنوعی‌است وهنوز صنعتگران تقلید ازطبیعت نمیکنند .

شکل۹۰- یکی از شیشه های رنگین کلیسا دردورهٔ گتیك

در نیمهٔ دوم قرن ۱۲ در انگلستان از ابنیهٔ ناحیهٔ «ایل دوفرانس» تقلیدنمودندومعروفترین ابنیهٔ این زمان درانگلستان عبارت‌اند از: کلیسای اسقف‌نشین شهر کانتوربری که درسال۱۱۷۵ بوسیلهٔ یکی ازمعماران شهر سانس‌شروع شد ـ قسمت‌علیای‌کلیسای اسقف نشین شهر لنکلن که درسال۱۱۹۲ آغاز گردید .

درنیمهٔ اول قرن۱۳ مکتب گتیك انگلستان از مکتب گتیك فرانسه مجزی‌شد

و در کلیسای سالیسبوری(۱۲۲٤) و بازوی کلیسای یورك(۱) وقسمت علیای کلیسای اسقف نشین ورسستر و الی (۲) خصوصیات مکتب انگلستان و تفاوت آن باکلیساهای گتیک فرانسه کاملاآشکار است و سبکی راکه در نیمهٔ اول قرن۱۳ در انگلستان ایجاد شد

شکل ٦۰- سنیت مودست درسردر شمالی اسقف نشین شهرسارت

سبک تزئینی (۳) مینامند. این سبك تاسال ۱۳٦۰ معمول بود.

در این سبک تعداد نوارهای طاق زیاد شد و قوس ابرو شکل پدیدار گشت و از آنجا به کشور فرانسه رفت و شبکهٔ پنجره‌ها مفصل‌تر شد و خطوط منحنی در آن ظاهر گشت. این خصوصیات دراواخر قرن۱۳ و نیمه‌اول قرن۱٤ درانگلستان معمول بود.

(1) York (2) Ely (3) Style orné

در ۱۳۶۰ «سبک تزئینی» درانگلستان متروك‌شده بجای آن «سبک عمودی»(۱) معمول گردید و تا قرن۱۵ و قسمتی از قرن ۱۶ ادامه یافت . این سبک اخیر همدوره با سبك فلامبویان در کشور فرانسه است . در زیر طاق به تعداد نوارها افزوده شد خانه‌های مستطیل شکل پدیدار گشت و مقرنس کاری آن زیاد شد . تزئینات سطحی‌تر ازسابق گردید وخصوصاً درپنجره‌ها شبکه‌های عمودی ازپائین پنجره تا بالای طاق را فراگرفت وبهمین جهت آنرا « سبك عمودی » نامیده‌اند .

معروفترین کلیساهای این‌سبك اخیر عبارت‌اند از قسمت‌علیای کلیسای گلوسستر وقسمت‌علیای‌کلیسای اسقف‌نشین شهر یورك ونف‌کلیسای شهر کانتوربری وکلیسای‌شهر وینچستر ومحراب هانری دوم در وست مینیستر و چند محراب دیگر درشهرهـای اکسفورد وکامبریج و طالار بزرك وست‌مینیستر که همگی درقرن۱٤ساخته شده‌اند .

سبك گتیک در ایطالیا درصفحات قبل‌ملاحظه شدکه دراواخرقرن‌یازده واواسط قرن ۱۲ نواری شبه به‌نوار اژیف زیرطاق‌کلیسا استعمال میشد . این نوع‌نوارها فاقدکلید قوس‌بودند وسازندگان آن‌آنطوریکه بین‌سازندگان نوارحقیقی اژیف درقرن۱۳درناحیه ایل‌دوفرانس معمول‌شد ازاین‌نوار نمیتوانستند برای‌استحکام طاق استفاده کنند . بنابراین با وجود این نوارها نمیتوان ابنیه‌ایراکه درآن بکار برده شده جزء ابنیهٔ گتیك محسوب داشت .

در اواخر قرن۱۲ واوایل قرن۱۳سبك گتیك معمول در ناحیهٔ « ایل‌دوفرانس » و بورگونی در ایطالیای مرکزی و شمالی بوسیلهٔ روحـانیون فرقهٔ سیسترسین نفوذ یافت . گذشته از دو ناحیهٔ فوق‌الذکر ابنیهٔ نواحی پروانس و جنوب فرانسه نیز مورد تقلید معماران ایطالیائی واقع شد . در شهر ناپل و در جنوب ایطالیا وحتی درجزیرهٔ سیسیل از ابنیهٔ جنوب فرانسه اقتباس نمودند زیرا این نواحی در اواخر قرن۱۳تحت حکومت شاهزادگان فرانسوی بسر میبردند .

صنعت گتیك درایطالیا عمر دراز نداشت‌زیرا بزودی سبك ایطالیائی «رنسانس» جای‌آنراگرفت . معروفترین ابنیهٔ گتیك در ایطالیا در شهر های میلان و سین(۲) و

(1) Style Perpendiculaire (2) Siene

و فلورانس و ناپل و ارویتو (۱) و روم و ژن (۲) واقع‌اند.

سبک گتیک در اسپانیا

علت اولیه نفوذ سبک گتیک در اسپانیا روحانیون وشاهزادگان و وصلت‌های بین خانواده‌های سلطنتی فرانسه واسپانیا بودند.
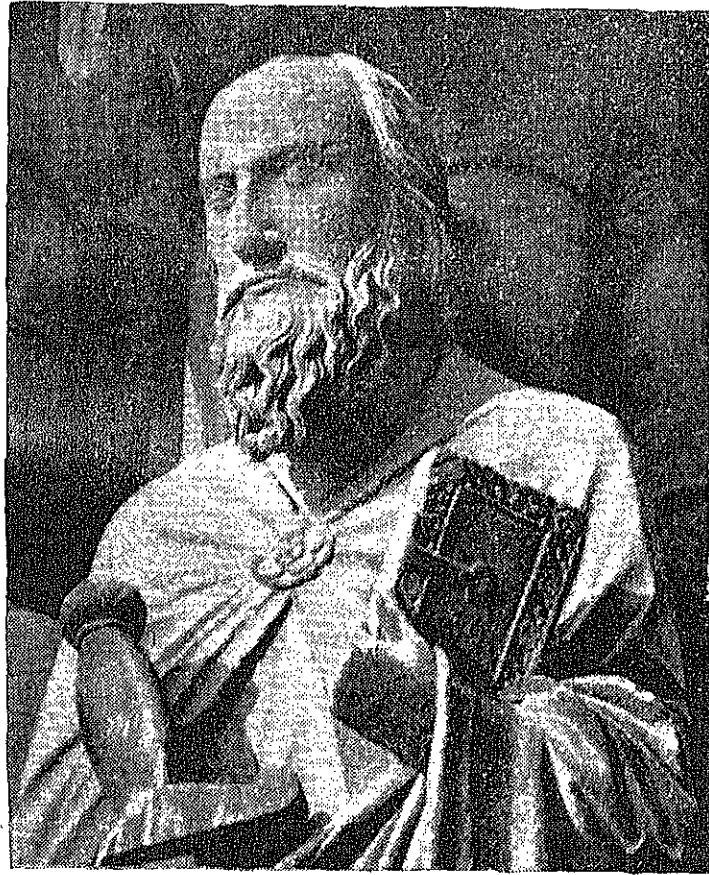
شکل ۶۱ — کلیسای اسقف‌نشین شهر آمین سر در شمالی

بیشتر ابنیهٔ اسپانیا از کلیساهای ناحیهٔ بورگونی تقلید شده‌اند و در غالب شهرهای بزرگ این کشور مانند شهر طلیطه و بورگونی و بارسلون (۳) وژرون (٤) ووالانس (٥) وغیره ابنیهٔ باشکوهی از سبک گتیک باقی مانده.

---

(1) Orvieto (2) Gênes (3) Barcelone (4) Gérone (5) Valence

آلمان و اروپای مرکزی در آلمان جنوبی و ناحیهٔ رنانی سبك رمان مدت زیادی در برابر سبك گتیك مقاومت بخرج داد و فقط در اوایل قرن ۱۳ سبك گتیك توانست ابتدا در شهر کولونی و بعد در شهرهای دیگر آلمان از قبیل شهر ترو(۱) و آندرناش (۲) و ورمس (۳) نفوذ یابد و این ابنیه همگی از کلیسای شهر لان تقلید شده‌اند .

کلیسای اسقف نشین شهر کولونی تقلید از اسقف نشین شهر آمین است (شکل ۵۸) که ساختمان آن در سال ۱۲۶۸ شروع شد و در سال ۱۳۲۲ خاتمه یافت .

شهرهای دیگری که از سبك جدید گتیک تقلید نمودند عبارت‌اند از شهرهای ابراش(٤) و پراگ و چند شهر از کشور لهستان و غالب معماران این ابنیه فرانسوی بودند . در کشور سویس و شهرهای ژنو و لوزان کلیساهائی از سبک گتیک به تقلید ابنیهٔ بورگونی ساخته شد . در شهر نوشاتل (۵) و فریبورك (٦) و سیون (۷) نیز از سبک گتیک اقتباساتی شد .

ابنیهٔ دیگر سبک گتیک در اروپای مرکزی عبارتند از شهر داری شهر برونسویک(۸) وقصر کارلستین(۹) نزدیک شهر پراگ و بعضی از ابنیهٔ شهر نورمبرگ .

کشورهای اسکاندنیا و نیز از تقلید سبک جدید گتیک بی‌بهره نماندند ومعمولا ابنیهٔ آنها تقلید از ابنیهٔ گتیک در انگلستان است .

حجاری و مجسمه‌سازی در همان موقعیکه در کشور فرانسه نوار اژیف اختراع شد و در نتیجه حذف دیوارهای سنگین میسر شد طاق سبکی در ارتفاعات بلند بسازند و روشنائی از پنجره‌های وسیع داخل در کلیسا شد درهمان‌زمان حجارها و مجسمه‌سازها از قید اصول حجاری دورهٔ رمان خود را آزاد ساخته دست از ساختن مجسمه‌های مصنوعی و نقوش غیر طبیعی وخارج از حقیقت برداشته شروع به تقلید از طبیعت نمودند و بدینوسیله به صنعت خود روح و حیاتی بخشیدند .

مدت نیم قرن طول کشید تا این سنگ‌تراشان موفق شدند طبیعت را در سنگ

(1) Trèves (2) Andernach (3) Worms (4) Ebrach (5) Neuchâtel
(5) Fribourg (7) Sion (8) Brunswick (9) Karlstein

مجسم‌سازند . دردورهٔ رمان روی‌سرستون‌ها برگ «آکانت» راکه‌درزمان روم قدیم معمول بود و تدریجاً از صورت اولیه خود خارج شده بفورمولی مبدل گشته‌بود رسم مینمودند . در دورهٔ گتیک‌برای‌تزئین سرستون برگ‌مو وتوت فرنگی وسایر نباتاتی که در اطراف سنگ‌تراشان در فرانسه موجود بود سرمشق صنعتگران‌قرارگرفت و برای اولین باراین نوع سنگ‌تراشی درنمای‌خارجی سردرکلیسای‌اسقف‌نشین پاریس دیده شد .

دراین‌سبك جدیدتر کیب نقش واضح‌تر وفکر صنعتگر ساده‌تراست . مجسمه‌ها مانند سابق وابسته به بنا نیستند بلکه استقلال دارند . به عبارت دیگر آنها را برای تزئین بنا ساخته‌اند . ولی‌خود این‌مجسمه‌ها جزئی از بنا محسوب‌میشوند ومحل معینی در ساختمان برایشان در نظر گرفته شده .

نفوذ شرقی در دورهٔ گتیك بکلی متروك گردید . قیافهٔ اشخاص‌شباهت بانسان حقیقی پیدا کرد ومانند مجسمه‌های سابق‌یونان‌قدیم حرکات آنها سنگین ووزین شد .

در اواخر قرن۱۲موضوعهای حجاری‌کلیسا بقرار زیر بود :

درپیشانی‌کلیسا مرگ وتجدیدحیات‌وروز قیامت . درطرفین قسمت داخلی‌سردر یا لغازآن پیغمبران .

سبك مجسمه‌سازی قرن۱۲ و۱۳گتیك را ممکنست تا اندازه‌ای بسبك ایدآل سازی قرن‌پنجم یونان تشبیه کرد . درکلیسای‌اسقف‌نشین شهرشارتر نمای بازوی‌شمالی مخصوص وقایع مربوط بحضرت مریم و بازوی جنوبی مخصوص روز قیامت است .

در نیمهٔ دوم قرن۱۳مجسمه‌سازان فرانسوی در کلیسای اسقف‌نشین شهر رنس بهترین شاهکارهای گتیك را ایجاد نمودند .

در قرن ۱٤ ایدآل سازی تا اندازه‌ای فراموش شده صنعتگران سعی کردند مجسمه‌های خود را شبیه به اشخاص معینی بسازند و خصوصاً وقتی رسم شد که روی قبرها مجسمهٔ اشخاص را بگذارند یکه صورت‌سازی بتمام‌معنی بوجودآمد .

در قرن۱۵شهر دیژون مرکز مجسمه‌سازی کشور فرانسه گردید و ازاین زمان

شکل ۶۳ـ سن‌ژان"باتیس سر در شمالی کلیسای اسقف‌نشین شهر شارتر

مجسمه‌ساز معروف کلوزسلوتر(۱) رامیتوان نام برد. مجسمه‌سازمعروف دیگر اواخر قرن۱۵میشل کولومب (۲) است که درشهرتور (۳) یادگارهای زیبائی ازخود بیادگار باقی گذاشته .

نقاشی

در پاریس درقرن ۱۳ یکنوع مکتب مینیاتور سازی بوجود آمد و شهرت زیاد پیدا کرد . در قرن ۱۳این مکتب نقاشی صنعتگران ماهری‌مانندژان‌پوسل (٤)بوجودآورد و معروفترین کارهای آنزمان کتاب موسوم به « ساعات دوك دوبری» (٥)میباشدکه امروز درموزهٔ شهرشانتیی(٦) است .

در همین زمان در هلند وان‌ایك(۷) و در ایطالیاگیوتو (۸) راه را برای نقاشی زیبای قرن۱۵و۱٦اروپا تهیه میکردند . سبك نقاشی گتیک در پنجره‌های رنگین نیز نفوذ زیاد داشت ومایکی‌از زیباترین‌آنهاراکه متعلق به‌قرن۱۵میلادی میباشد درشکل ارائه میدهیم .

---

(1)Claus Sluter (2) Michel Colombe (3) Tours (4) Jean Pucelle
(5) Les Très Riches Heures du duc de Berry (6)Chantilly
(7) Jean Van Eyk (8) Giotto

فهرست مطالب

مقدمه

صنعت رمان

فهرست تصاویر

صفحه

فهرست اصطلاحات

لغات واصطلاحات مخصوص صنعت معماری قرون وسطی که دراین کتاب بکار برده شده وذیلا ازنظرخوانندگان محترم میگذرد با مشورت عده‌ای ازاهل فن انتخاب گردیده با این حال ممکن است کلمات مناسب تری که ازهر حیث برای بیان مفهوم ومعنی رساتر باشد در زبان فارسی وجود داشته باشد که بتوان بجای اصطلاحات فرانسه بکار برد. ازاین جهت از خوانندگان گرامی تمنا داریم در صورتیکه کلمات دیگری از زبان فارسی که معادل لغات مورد بحث باشد پیدا کردند لطفاً نگارنده را مطلع فرمایند که مورد استفاده واقع شود.

معادل اصطلاح در زبان فارسی	اصطلاح فرانسه
بازوی کلیسا	Le transept
بالکانه	La tribune
برج ناقوس	Le clocher
پایه	Le pilier
پیشانی کلیسا	Le tympan
تریفوریوم (سه دهانه)	Le triforium
جرز مقاومت	Le contrefort
دآمبولاتوآر (برای این کلمهٔ درزبان فارسی معادلی پیدا نشد)	Le déambulatoire
سرستون کرنتی	La colonne corinthienne
صنعت رمان (برای کلمه «رمان» درزبان فارسی معادلی پیدا نشد)	L' art roman
صنعت گتیک (معادل فارسی کلمه «گتیک» پیدا نشد)	L' art gothique
طاقچه یاطاقنما	La viche
طاق ضربی	La voûte d'arêtes
طرفین یا جناحین	Les bas-côtés
قسمت علیای کلیسا	Le choeur
قوس اتکاء	L' arc boutant
قوس شکسته یا جناقی	L' arc brisé
قوس طرفی	L' arc formeret

اصطلاح فرانسه	معادل اصطلاح در زبان فارسی
L' arc doubleau	قوس مضاعف
L' arc en plein cintre	قوس هلالی
Le linteau	کتیبه
La cathédrale	کلیسای اسقف نشین
La clef de la vôute	کلید قوس
La rosace	گل
Le tambour	گوشوار
La chapelle, l' abside	محراب
La cannelure	ناودانک
La nef	نف (ممکن است کلمه ناو را نیز استعمال کرد)
L' ogif	نوار اژیف
La bande lombarde	نوار لمبارد